



مردی می آید از تبار نور، از تبار دریا و کوه. مردی که محمد (ص) از گل خنده های نگاه او نشاط می یابد و ابوطالب در نیمه شب های بیداری دل، با او راز دل می گوید و فاطمه بنت اسد باغ چشمانش را به روی او می گشاید تا گل شادمانی را آبشار لبخند او شکوفا کند. مردی که طلوع مهرانگیز نگاهش دیگر بار حلاوت نور را در چشمه لایزال به جان پاکان می نوشاند. علی (ع) می آید؛ فصیح ترین شعر حیات و زیباترین آواز آفرینش....

نویسندگان به انگیزه روز ملی قلم گرد هم آمدند

وزیر ارشاد، میزبان اهل قلم



مراسم گرامی داشت روز قلم با حضور جمعی از اهالی قلم کشور، پانزدهم تیر ماه در هتل لاله تهران برگزار شد. در این مراسم وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ضمن ابراز خرسندی از گردهم آیی اهالی قلم در این مراسم گفت: امیدواریم روزهای خوش قلم در آینده به کام جان یک یک ما خوش تر بیاید و بتوانیم مشکلاتمان را مرتفع کنیم و مهیا شویم تا حق قلم را آنچنان که خداوند قلم اشاره فرموده، ادا و کارهای ناتمام مانده را تمام کنیم و کارهای مغفول را مورد توجه قرار دهیم. محمدحسین صفار هرنندی با اشاره به سی امین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی افزود: امیدواریم بتوانیم امسال را بهانه ای قرار دهیم برای اینکه کارهای بر زمین مانده را به سرانجام خوشی برسانیم و کارهایی درخور این سرزمین و انقلاب این ملت در عرصه های گوناگون انجام دهیم. اگر روز قلم برای ما هیچ اثر دیگری نداشت جز اینکه شمع جمع اهالی فرهنگ و ادب شود، همین برای بزرگداشت این روز کافی بود.

۶

کتابخانه

شنبه ۲۲ تیر ۱۳۸۷
۹ رجب ۱۴۲۹، ۱۲ جولای ۲۰۰۸
شماره ۱۳۹، پیاپی ۷۹۰
۲۸ صفحه، ۲۰۰ تومان

ISSN: 1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب
سردبیر: پدram پاک آیین
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواججه نصیر، پلاک ۱۰، طبقه چهارم
تلفن: ۴-۶۶۹۶۱۵۱

سازمان آگهی ها: ۲۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: ایرناچاپ

www.ketabehafteh.ir

فراخوان نخستین دوره جایزه «جلال آل احمد»

نخستین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد با بخش های داستان بلند، داستان کوتاه، نقد ادبی، تارسیخ نگاری و مستندنگاری، دوم آذر ماه همزمان با سالروز تولد این نویسنده توانا و صاحب سبک، برگزار می شود.

در اولین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد که با مشارکت معاونت فرهنگی وزارت ارشاد و موسسه خانه کتاب برگزار می شود، از نویسندگان، منتقدان، ادیبان و تاریخ نگاران دعوت شده تا آثار خود را که در سال های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ به چاپ رسانده اند، تا ۳۱ شهریور، به دبیرخانه ارسال کنند.

دبیرخانه نخستین دوره جایزه جلال، در خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواججه نصیر، شماره ۱۰، سرای اهل قلم، طبقه پنجم واقع شده است.

همراه با دکتر کریم مجتهدی و «داستایفسکی، آثار و افکار» درد فلسفه، درس فلسفه

مدیر انتشارات هرمس را از قدیم می شناختم، چون گاهی به کلاس های من در دانشگاه می آمد، بنابراین در مقابل اصرار ایشان که از من خواست، داستایفسکی را کامل کنم و برای چاپ در اختیار ایشان بگذارم، من هم پذیرفتم که آنچه راجع به داستایفسکی نوشته بودم، تکمیل و آماده کنم. شش ماه بعد هم مطالب آماده شد. البته مشکلاتی به لحاظ ویراستاری بود که با ایشان توافق نداشتیم، ولی بالاخره این کتاب چاپ و منتشر شد. گویا فروش خوبی هم داشت. وی می افزاید: در این کتاب مقدمه ای دارم که توجیه می کنم چرا داستایفسکی را انتخاب کردم و درباره او و آثارش نوشتم. ضمن این می خواهم ایجاد انگیزه کنم تا کتاب خوانده شود. یعنی از ارزش های کتاب حرف می زنم. مختصری هم به سوابق داستایفسکی شناسی در ایران اشاره می کنم. اولین کسانی که در ایران آثار این نویسنده را ترجمه کرده اند، نام می برم. چند جمله ای از خانم فاطمه سیاح یکی از اولین منتقدان ادبیات مدرن و استاد ادبیات تطبیقی در ایران آورده ام که در نقد آثار داستایفسکی نوشته است. یعنی می خواهم بگویم



سابقه این امر را از سال هاپیش داریم، از اولین کتاب هایی که در ایران از داستایفسکی ترجمه شده و از خلاصه زندگی نامه ای که در هندوستان منتشر شده، گفته ام. به خصوص تاکید کرده ام از سانچا که داستایفسکی او را دیده یا نه؟ او رنج دیده است و جوانی اش را در زندان بوده آن هم به ناحق و وقتی که دارند می برند که آنها را بکشند، درست در لحظه آخر آنها را بکشیدند. دوره سخت زندگی اش را شرح دادم. در واقع چیزی که در این زندگی نامه به آن توجه کرده ام، این است که داستایفسکی در عین حال مردی خودساخته است. مهندسی نظامی خوانده بود و فرصتی نشد که به خودش سازی بپردازد و وقتی به سن پترزبورگ می آید، شروع به خودش سازی می کند. داستایفسکی زحمت فراوانی می کشد تا نویسنده بزرگی شود.

۱۰

داستایفسکی، آثار و افکار" عنوان کتابی به قلم دکتر کریم مجتهدی است که هفته گذشته از سوی نشر هرمس چاپ و منتشر و با اقبال فراوان علاقه مندان به ادبیات به ویژه خوانندگان آثار داستایفسکی مواجه شد. دکتر کریم مجتهدی استاد فلسفه دانشگاه تهران تاکنون آثار متعددی اعم از تالیف و ترجمه در حوزه فلسفه و فیلسوفان کلاسیک غرب منتشر کرده است و تصور جامعه بر این بود که کتاب بعدی او نیز در زمینه فلسفه باشد نه ادبیات. چرا که غالباً در جامعه ایران معاصر اندیشمندان و اهل فلسفه برخلاف اسلاف دیرینشان که علاوه بر وقوف بر حوزه فلسفه و علوم اجتماعی نقشی آشکار و روشن در شکوفایی هنر و ادبیات و فرهنگ ایرانی - اسلامی داشتند، پاز این دایره امکان بیرون گذاشته اند. در فرهنگ غرب اما فیلسوفان بزرگ و برجسته ای مانند نیچه، هایدگر و... همچنان که در عرصه فلسفه درخشیدند، ادبیات را نیز زمینه مناسبی برای تالو اندیشه ها و انعکاس دیدگاه های خود برگزیدند. دکتر کریم مجتهدی شاید به تاسی از همین سنت فرهنگی به تازگی خوانش خود از آثار نویسنده بزرگ روس

داستایفسکی را به بازار عرضه کرد تا مورد ارزیابی و داوری فرهیختگان قرار گیرد. کتاب هفته پای صحبت این نویسنده آثار فلسفی که "درد فلسفه و درس فلسفه" دارد نشسته تا از چند و چون تالیف "داستایفسکی، آثار و افکار" شمارا آگاه کند. مجتهدی درباره روند تالیف این کتاب می گوید: واقعیت این است که تالیف و چاپ این کتاب سرنوشت خاصی دارد. این کتاب، جزو آن دسته از کتاب هایی است که با برنامه ریزی قبلی تالیف نشده و من قصد انتشار چنین کتابی را نداشتم. مدیر یکی از موسسات انتشاراتی نزد من آمد و با اصرار می خواست از من کتاب یا رساله ای چاپ کند. در جواب گفتم که چیز خاصی که نوشته و آماده برای عرضه به جامعه باشد ندارم ولی یادداشت ها و مطالبی دارم که ناتمام است و این دسته از آثار را نام بردم. آقای ساغر وایی

عبور از نقاب دموکراسی

عبدالمحمد آیتی با ده ها مقاله ارزشمند و انتشار بیش از چهار عنوان کتاب، یکی از پرکارترین مترجمان و محققان کشورمان در حوزه ادبیات عرب و فارسی، تاریخ و فلسفه اسلامی است. او که از سال ۱۳۶۹ به عضویت فرهنگستان زبان و ادب فارسی درآمده در طول بیش از نیم قرن فعالیت فکری و فرهنگی خود آثار بسیاری را از زبان عربی ترجمه کرده است. توفیق الحکیم یکی از بزرگ ترین نمایشنامه نویسان تاریخ تئاتر مصر است که آیتی بخشی از وقت خود را در سال های اخیر به ترجمه نمایشنامه های او اختصاص داده است. توفیق الحکیم در مدرسه حقوق قاهره و نیز در دانشگاه سوربن به تحصیل حقوق پرداخت. اما در تمام طول تحصیل و پس از آن هنر نمایش دغدغه اصلی او بود. توفیق پس از تحصیل ابتدا در دادگاه های اسکندریه و قاهره در مقام قاضی و پس از آن در وزارت فرهنگ مصر به کار مشغول شد. او در همه مشاغل دولتی به عنوان عنصری ناسازگار شناخته می شد، تا آنجا که سرانجام از کار دولتی کناره گرفت. نمایشنامه آیزیس از آثار مطرح توفیق چندی پیش با ترجمه استاد آیتی، توسط نشر پژواک کیوان روانه بازار کتاب شد. نمایشنامه های "سلطان سرگران"، "پگمالیون" و "شهرزاد" از دیگر آثار توفیق الحکیم با ترجمه عبدالمحمد آیتی در انتظار چاپ به سر می برد. کتاب هفته در همین رابطه پای صحبت عبدالمحمد آیتی نشسته است.

۱۲

معمولا در این طور کارها چند درصد اشتباه هم دیده می شود.

چه کار کنیم که همان درصد کوچک اشتباه هم در کتاب نماند؟ هرچه بتوانیم اشتباه نکنیم، بهتر است. اصلا کار جمعی هم می تواند بی اشتباه دربیاید. آنچه نمی تواند بی اشتباه دربیاید، کاری است که یک نفر انجام می دهد و الا کاری که جمعی می کنند، واقعا چه اشکالی دارد که کاری بکنیم اصلا بی اشتباه دربیاید؟ یکی از اساسی ترین کارها در باب استقلال، توجه به زبان ملی است. زبان فارسی باید مورد توجه پیگیرانه و دلسوزانه علما و ادبای ما قرار گیرد. این زبان، علاوه بر این که زبان ممتاز و پیشرفته و تحول یافته در طول چند قرن است و زبان فرهنگ و ادب و هنر در طول قرن های متمادی بوده، امروز زبان انقلاب و زبان اسلام است و می تواند با خودش یک پیام جدید را به آن کسانی که می خواهند آن پیام را فرابگیرند و درک کنند برساند، بنابراین، روی زبان فارسی بایستی بسیار اهتمام و کار بشود.

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای دایرةالمعارف اسلامی ۱۳۶۸/۷/۳۰

پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب به مناسبت رحلت آیت الله اشتهاردی

حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی درگذشت عالم پارسا و پرهیزگار مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ علی پناه اشتهاردی را تسلیت گفتند. متن پیام به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم
با تأسف و تأثر خیر درگذشت عالم پارسا و پرهیزگار مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ علی پناه اشتهاردی را دریافت کردم. ایشان از بندگان صالح خداوند و عالمی مهذب و پاک و برخوردار از سجایای اخلاقی و صلاح و سداد عملی بودند و نه تنها درس اخلاق ایشان در حوزه علمیه، که شیوه زندگی و رفتار ایشان نیز آموزنده تقوا و پارسایی محسوب می گشت.

اینجانب فقدان آن عالم ربانی را به علمای اعلام و مراجع عظام و به عموم فضلا و طلاب و ارادتمندان و شاگردان آن مرحوم تسلیت می گویم و رحمت و غفران و فضل الهی را برای وی از خداوند متعال مسألت می کنم.

سیدعلی خامنه ای - ۱۹ تیر/۱۳۸۷

پیام تسلیت رئیس جمهور

رئیس جمهوری نیز در پیامی، ارتحال عالم ربانی مرحوم آیت الله حاج شیخ علی پناه اشتهاردی را تسلیت گفت.

در پیام دکتر محمود احمدی نژاد آمده است: ارتحال عالم ربانی مرحوم حضرت آیت الله حاج شیخ علی پناه اشتهاردی (طاب ثراه) که عمر شریف خود را در ترویج مبانی دینی و معارف اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) گذراند، موجب تألم خاطر گردید.

آن مرحوم از جمله سرآمدان تعلیم اخلاق اسلامی در حوزه علمیه قم و برخوردار از آثار ارزشمندی بود که طلاب علوم دینی و همه جویندگان طریق حقیقت از زلال تقوا و اندیشه اش بهره مند بوده و خواهند بود.

زندگی آیت الله اشتهاردی

آیت الله علی پناه اصلانی اشتهاردی، امام جماعت مدرسه علمیه فضییه قم که عصر سه شنبه گذشته در سن ۹۱ سالگی به دیار باقی شتافت در سال ۱۲۹۶ در بخش اشتهارد کرج دیده به جهان گشود و از ۱۲ سالگی به فراگیری علوم اسلامی در زادگاه خویش پرداخت.

ادامه در صفحه ۴

جایزه «عدالت و امید» برای فرهنگ و ادبیات انقلاب



کسانی که منتخب این گونه جشنواره ها خواهند بود، دریغ نخواهیم کرد.
وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین درباره معرفی مدیر جدید اداره کتاب و کتابخوانی وزارت ارشاد و جایگزین مجید حمیدزاده، گفت: به زودی متوجه خواهید شد چه کسی به جای آقای حمیدزاده انتخاب می شود. قاعدتا زمان اعلام این خبر، خیلی دیر نیست.

علاوه بر آن، کتابی که به عنوان اثر برتر معرفی شده، برای غنی کردن کتابخانه های کشور خریداری می شود.
وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در عین حال گفت: برطرف کردن دغدغه های هنرمند، یک اهل قلم و نویسنده برای این که بتواند حواس و همه عواطف خودش را برای خلق یک اثر پسندیده بسپارد مستلزم حمایت هایی است. این حمایت ها را از

به گفته وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال جاری، تم غالب و حاکم بر همه فعالیت های فرهنگی مضمون انقلاب است.

محمدحسین صفار هرنندی در حاشیه برگزاری پنجمین جشنواره قلم زرین، درباره حمایت از هنرمندانی که به خلق آثاری با موضوع انقلاب دست زده اند، گفت: «طبعاً در جشنواره های مختلفی که داریم، یعنی جشنواره های مألوف هر ساله، امسال مقوله انقلاب به عنوان یک موضوع اصلی دیده خواهد شد. علاوه بر آن، به طور مشخص، اقداماتی در حمایت از آثاری با مضمون انقلاب در دست داریم که ان شاء الله موارد آن اعلام می شود. در عین حال شرایط برگزاری جشنواره ای بزرگ که نام فعلی اش، «عدالت و امید» است را دنبال می کنیم که ناظر به ارزش های انقلاب در عرصه های مختلف است. در آن جا تأکید بیشتر بر فرآورده ها و تولیدات فرهنگی است که توسط نسل نوخاسته اهل فرهنگ تولید شده اند و ان شاء الله آنها هم مورد حمایت خاص قرار می گیرند.»

وی درباره افراد برگزیده و حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از آنها گفت: «مهم تر از حمایت ها و پشتیبانی هایی که ما از افراد می کنیم، معرفی بیشتر این چهره ها به جامعه فرهنگی، امتیازی است که به گمانم، ارزش بزرگی برای برگزیدگان جشنواره ها محسوب می شود. اما

کتاب در ایران گران نیست

مدیر عامل خانه کتاب:

مدیر عامل خانه کتاب در پاسخ به این پرسش که آیا حذف یارانه با مصارف زیربنایی همخوانی دارد یا خیر؟ تصریح کرد: این امر مربوط به تصویب شورای عالی فرهنگی بود که به معاونت فرهنگی ابلاغ شد. در واقع از حذف یارانه کاغذ موارد مصرفی چون بن الکترونیکی برای واجدان شرایط داده شد، بخشی هم به تجهیز کتابخانه های مدارس کشور، کتابخانه های عمومی و حمایت از تولید کتاب های فاخر اختصاص یافت که هر کدام جایگاه خود را دارد. در بخش تجهیز کتابخانه های آموزش و پرورش و کتابخانه های عمومی این هزینه باید طی سال های متوالی تزیق شود تا بتواند به یک سطح مطلوب برسد. باید بدانیم که کتاب هم مانند بسیاری از کالاها مصرفی عمر مفیدی دارد و کتاب های نو باید به کتابخانه ها تحویل شود.

وی ادامه داد: «ما تعداد ۱۱۰ هزار کتابخانه مدارس داریم که تخصیص هر رقمی در این مورد ناکافی خواهد بود. در حالی که اگر به هر دانش آموز هزار تومان کتاب اختصاص یابد، برای تعداد ۱۴ میلیون و نیم دانش آموز امسال به رقمی بسیار بزرگ می رسیم. نیازهای فرهنگی کشور بسیار فراتر از این آمارهاست.»
علی شجاعی صائین در پایان به مهر گفت: «ما می دانیم که بن الکترونیکی ۲۰ هزار تومانی معاونت فرهنگی وزارت ارشاد و ۲۰ هزار تومانی که وزارت علوم آن را شارژ خواهد کرد برای یک دانشجو رقم قابل توجهی نیست اما سر جمع وقتی به بیش از یک میلیون نفر دانشجو هر کدام ۲۰ هزار تومان بن الکترونیکی تحویل شود رقمی بسیار بزرگ خواهد بود.»

به گفته مدیر عامل خانه کتاب بر اساس آماری که در این موسسه موجود است، تفاوت قیمت کتاب های سه ماهه اول سال جاری با سه ماهه اول سال گذشته ۲۰ درصد است، یعنی در اندازه نزدیک به تورم رسمی که بانک مرکزی اعلام می کند.

علی شجاعی صائین در این باره گفت: «من فکر می کنم کتاب در کشور ما گران نیست. کافی است در هر سال قیمت کتاب های تولید شده در دیگر کشورها به ویژه کشورهای عربی و غیر عربی را در نمایشگاه کتاب بین المللی تهران ملاحظه کنید؛ کتاب های لاتین که جای خود را دارد.»

این مدیر فرهنگی تصریح کرد: «سوالی که پیش می آید این است که آیا قیمت موجود کتاب با توان خرید خانواده های ایرانی مطابقت دارد یا خیر؟ می دانید که از سال گذشته یارانه کاغذ ناشران قطع شد و تصور بر این بود که حوزه نشر با تورم فوق العاده ای همراه شود. اما صنعت نشر به رغم حذف یارانه کاغذ توانسته به فعالیت معمول خود ادامه دهد و این نشان دهنده این است که شوک خاصی وارد حوزه نشر نشده است.»

وی با اشاره به اینکه این آمار نشر خصوصی و دولتی را شامل می شود افزود: «همین آمار را بین سال های ۸۶ و ۸۵ در سه ماهه اول سال داریم که ۱۵ درصد بوده است. پس با نگاهی به سه ماه اول سه سال اخیر می بینیم که صنعت نشر کشور آن بار روانی حذف یارانه کاغذ را پشت سر گذاشته و مانند هر حوزه اقتصادی جریان عادی خود را دارد.»

برنامه های سرای اهل قلم



سرای دائمی اهل قلم این هفته با چهار نشست میزبان علاقه مندان کتاب و کتابخوانی خواهد بود.

اولین برنامه این سرا فردا - یکشنبه - از ساعت ۱۷ الی ۱۹ به نقد و بررسی مجموعه داستان های شهر جنگی اختصاص خواهد داشت. در این نشست علی اکبر والایی، علی اصغر شیرزادی و لیلا جلیلی به سخنرانی خواهند پرداخت.

دیگر برنامه این هفته نیز روز دوشنبه ۲۴ تیرماه به سلسله مباحث هنر خوشنویسی با عنوان «در خلوت سیاه مشق» خواهد پرداخت. در این نشست که از ساعت ۱۷ آغاز می شود حمید جمعی و جمشید یاری شیرو در حضور حاضران سخن می گویند.

روز دوشنبه نشست دیگری نیز با حضور دکتر کمال پولادی، محمدهادی محمدی و شهرام اقبال زاده از ساعت ۱۷ در سالن کنفرانس برگزار می شود. «روان شناسی خواندن و رویکردهای ترویج کتابخوانی» عنوان این نشست است که از سوی کتاب ماه کودک و نوجوان برپا می شود.

آخرین برنامه هفته جاری سرای اهل قلم نیز از ساعت ۱۰ تا ۱۲ دوشنبه به نشست تخصصی کتاب ماه تاریخ با عنوان «داد و ستد تاریخ و دیگر حوزه های علوم انسانی» اختصاص یافته است. در این نشست دکتر محمدجواد غلامرضا کاشی، دکتر مهدی فرهانی منفرد، دکتر محمد نایب پور و حبیب الله اسماعیلی سخن خواهند گفت.

واژه های مصوب فرهنگستان در یک کتاب

فرهنگ واژه های مصوب از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی منتشر شد. این فرهنگ مشتمل بر واژه های مصوب بین سال های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵ است.

محتوای این فرهنگ همان است که پیش از این در چهار دفتر، با عنوان «فرهنگ واژه های مصوب فرهنگستان» آمده. این دفتر مشتمل بر ده هزار واژه است که در یک مجلد گردآوری شده است. در این فرهنگ سعی شده است کاستی ها و ناهماهنگی های موجود در چهار دفتر پیشین تا حد امکان رفع شود. همچنین در ادغام این چهار دفتر، برخی شماره گذاری های مربوط به مدخل ها، در مقایسه با دفترهای قبلی، تغییر کرده است و واژه هایی که در دو یا چند رشته مختلف به تصویب رسیده و در آن دفترها آمده، در اینجا ذیل یک مدخل با تعریف های جداگانه درج شده است.

میانگین مدت صدور مجوز کتاب؛ کمتر از سه روز

معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی همزمان با روز قلم از خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) بازدید کرد.

دکتر محسن پرویز پس از بازدید به گفت و گو با خبرنگاران این خبرگزاری پرداخت و گفت: روند صدور مجوز کتاب در همه موارد طولانی نیست؛ اما به گمانم همان حداقل هم خوب نیست. مثلاً اگر ۵۰ هزار کتاب را مجوز بدهیم، یک در صد روند طولانی پیدا می کند که می شود ۵۰۰ کتاب و این یعنی ۵۰۰ نویسنده، ناشر و عوامل دیگر که همه از اهالی فرهنگ هستند و دلخوری اهل فرهنگ برای ما نامطلوب است.

او در ادامه افزود: ارزیابی ما این است که کمتر از نیم درصد کتاب ها روند صدور مجوزشان طولانی می شود. البته این مسأله در گذشته هم وجود داشته که در حال حاضر نسبت به قبل، شاید یک تا ۲ درصد، روند صدور مجوز افزایش داشته باشد و ضرورت دارد که راهکارهایی برایش پیدا کنیم. البته گاهی طولانی شدن روند صدور مجوز برای حفظ حقوق ناشران و مؤلفان صورت می گیرد؛ یعنی به جای این که اعلام کنیم کتاب غیرمجاز است، اثر را چند بار مورد بررسی قرار می دهیم و گاهی در نهایت برای تصمیم گیری به هیأت نظارت ارسال می شود. در این صورت، طبیعی است که کتاب برای اخذ مجوز روند طولانی تری را طی کند؛ اما این ماجرا در نهایت سبب می شود حقوق مؤلف رعایت شود.

دکتر پرویز با این اعتقاد که میانگین زمانی کل کتاب هایی که مجوز می گیرند، کم تر از یک هفته است، تأکید کرد: شاید دو و نیم یا سه روز باشد؛ اما نمونه هایی از کتاب ها هست که ممکن است صدور مجوزشان چند ماه هم به تأخیر بیفتد، که فکر می کنم این هم نزدیک سه ده درصد باشد.

دکتر پرویز در بخشی دیگر از سخنانش درباره برخی اعتراض ها نسبت به روند صدور مجوز گفت: در برخی مسائل، اعتراض هایی صورت می گیرد که به نظرم، برخی از اعتراض ها بجاست. طبق قوانین موجود، مسئولیت ناشران را در قبال آثاری که چاپ می شود، محدود کرده ایم که این نقضی قانونی است و تا موقعی که محدودیت مسئولیت برای ناشران هست، اداره کتاب به گونه ای عمل می کند که ناشران متضرر نشوند و الا آن هم که گاهی ضرری متوجه ناشران می شود، اصل آن ضرر را جبران می کنیم؛ اما شاید دامنه خسارت بیشتر از خسارت مادی باشد که ما به آنها وارد می کنیم. ضرورت دارد این سیستم اصلاح شود و اگر لازم باشد، باید قوانین مربوطه هم اصلاح شوند.

معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره شناخته شدن نویسندگی به عنوان شغل نیز گفت: بحث نویسندگی به عنوان شغل، به لحاظ حقوقی معنا و مفهوم مشخصی پیدا نمی کند و جزو موضوعات اصلی نیست که بخواهیم به آن بپردازیم؛ چون به لحاظ حقوقی ممکن است آن کاری را که می خواهیم به انجام برسانیم، بعد از این که به سرانجام برسد، تبعات اجتماعی و اقتصادی برای نویسندگان داشته باشد، که در نهایت، احساس کنند متضرر شده اند.

او همچنین در توضیحاتی درباره معافیت مالیاتی اهالی قلم خاطر نشان کرد: در قانون، معافیت مالیاتی برای اهل فرهنگ و قلم، پیش بینی شده است. حالا این که سال ها این مقوله را رعایت نمی کردند، بماند! من خودم زخم خورده این ماجرا هستم و هنوز هم قراردادها را دارم. با خیلی از ناشران که قرارداد می بستید، پنج درصد از حق التألیف شما را به عنوان مالیات کم می کردند و البته به نظر، هرگز به حوزه های مالیاتی هم نمی پرداختند. یادم هست قراردادی با جهاد دانشگاهی محل تحصیلم داشتم تا مقداری از کتاب های ناشران را ویرایش کنم اما موقع پرداخت حق و



حقوق ما، پنج درصدی را به عنوان مالیات کم کردند. این در گذشته مرسوم بوده است و الا آن هم خیلی از ناشران دولتی کم می کنند و ناشران خصوصی می گویند که ما کم نمی کنیم.

دکتر پرویز در ادامه متذکر شد: ما این ارسال گذشته پی گیری می کردیم و داشت به صورت ابلغیه به خیلی از حوزه ها مطرح می شد، که آن اختلافات جزئی هم برطرف شود. اما سایر اهالی فرهنگ هم به این مجموعه اضافه شدند و قضیه کمی پیچیده شد. مثلاً در خصوص چاپخانه ها، پیشنهاد ما این بود که چاپخانه های افست از این مزایا بهره مند شوند؛ اما دوستان اتحادیه چاپخانه داران آن موقع معتقد بودند که همه چاپخانه ها باید شامل حالشان شود و این باعث شد همان چاپخانه های افست هم دچار مشکل شوند؛ یعنی ما به دستورالعمل مشخصی که بخواهد به ممیز مالیاتی ابلاغ شود که این موارد را معاف بداند، نرسیده ایم.

وی تصریح کرد: به لحاظ قانونی، قانون حیطة عمل وسیعی را تعریف کرده است و قاعدتاً خیلی ها به آن عمل می کنند، اما در تعیین مصداق به تشخیص خود عمل می کنند و این شد که آن قضیه اصلی به شکل دستورالعمل مشخص ابلاغ نشد.

دکتر پرویز در ادامه تأکید کرد: الا آن قانون سر جایش هست و از دید ما، اهل قلم و ناشران را در برمی گیرد و درباره کتابفروشان هم اختلاف نظر بود که با مکاتباتی به جاهایی رسید. در هر حال، جاهایی ممکن است حوزه های مالیاتی خاص اجتهاد و برخی موارد را دچار اشکال کنند. اگر نه، در کلان ماجرا سر جای خودش هست و ما هم اعتقادمان این است که گروهی از اهل فرهنگ را با تصویب معاف کنیم.

دکتر پرویز در بخشی دیگر از این نشست درباره حمایت از جایزه های ادبی که به نوعی با مشکل برگزاری مراسم خود مواجهند، اظهار کرد: ما کلیه فعالیت هایی را که در چارچوب قانون انجام می شود، مدنظر داریم. برخی از فعالیت ها ممکن است در چارچوب قانون نباشند. این که یک مرکز به شکل قانونی تأسیس شده و جزو فعالیت های قانونی اش، اهدای جایزه و بررسی کتاب و... باشد، به نظر نمی آید برای تأمین محل برگزاری با مشکلی مواجه شود؛ مگر مشکلاتی که گاه خود ما هم با آن درگیریم.

معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد همچنین درباره تغییر مدیر اداره کتاب و کتابخوانی وزارت ارشاد گفت: تغییر مجید حمیدزاده در این مقطع زمانی درخواست معاونت نبوده است. من، بیش از یک سال پیش که امکان برطرف کردن برخی از کاستی های اداره کتاب با تغییر مدیریتش وجود داشت، تقاضا کردم مدیر مجموعه عوض شود. در آن مقطع، آقای علی شجاعی صائین را به عنوان فرد جایگزین معرفی کرده بودم که آن موقع، مدیرکل دفتر مطالعات بود.

رئیس اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران در واکنش به اظهارات سعید اردهالی: «اختران» نه عضو اتحادیه است، نه سخنگوی آن

در پی مصاحبه چندی پیش مدیر مسئول انتشارات اختران با یکی از رسانه ها که طی آن از نقطه نظرات سایر ناشران درباره نحوه برگزاری نمایشگاه کتاب سال آینده خبر داده بود، رئیس اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران وی را سخنگوی این اتحادیه ندانست. حسن کیابیان، در نامه ای به مدیر کل مجامع، تشکل ها و فعالیت های فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اظهار داشت: مدیر مسئول انتشارات اختران تا این تاریخ عضو این اتحادیه نبوده، بنابراین و به همین دلیل ساده هیچ زمانی هم نمی توانستند سخنگوی این اتحادیه باشند. کیابیان در این نامه همچنین خواستار استفاده از سوابق و تجارب موجود در اتحادیه متبوعش در خصوص برگزاری نمایشگاه سال آینده شده است. گفتنی است سعید اردهالی، مدیر مسئول انتشارات اختران پیش از این حذف فروش کتاب از نمایشگاه بین المللی سال آینده را خواسته ناشران و کتابفروشان عنوان کرده بود.

عذرخواهی قالیباف از کتابفروشان

شهردار تهران با عذرخواهی از کتابفروشان و کسبه خیابان انقلاب بابت تحمل مشکلات پروژه بهسازی پیاده رو، اعلام کرد که این عملیات عمرانی پیش از آغاز مدارس به پایان می رسد. محمد باقر قالیباف، شهردار تهران با اعلام این خبر گفت: پروژه بهسازی پیاده رو خیابان آزادی - انقلاب از سه ماه گذشته آغاز شده و قرار بر این بوده که ظرف مدت شش ماه پایان پذیرد. اما بنا به دلایل فنی پروژه یک ماه متوقف شد و از نیمه ماه جاری مجدداً کار بهسازی آغاز شده است. وی نامرغوب بودن موزاییک های در نظر گرفته شده را علت این توقف خواند و گفت: کیفیت موزاییک های قید شده در قرارداد بسیار بالاتر از موزاییک های ارائه شده توسط پیمانکار بود که همین علت باعث شد قرارداد با پیمانکار قبلی لغو و قرارداد با پیمانکار جدید بسته شود. به گزارش این شهردار تهران ضمن عذرخواهی از شهروندان و کتابفروشان و کسبه محل تصریح کرد: با این حال با چند شیفت کردن پروژه زمان معوقه را جبران خواهیم کرد.

تغییر در آیین نامه کتاب فصل

به گفته معاون فرهنگی خانه کتاب آیین نامه کتاب فصل مانند سایر آیین نامه ها مورد بازبینی قرار گرفت و در چند ماده آن تغییراتی ایجاد شد. وی در همین حال از تشکیل هیأت علمی نظارت بر کار داوران خبر داد.

علی اوجبی در توضیح تغییرات این آیین نامه افزود: بر اساس آیین نامه جدید حداقل امتیاز از ۷۰ به ۸۰ افزایش یافت به طوری که کتاب هایی به مرحله دوم راه می یابند که حداقل ۸۰ امتیاز کسب کرده باشند. وی اظهار داشت: کتاب برگزیده فصل هم مانند کتاب سال باید بالای ۹۰ امتیاز کسب کند و اگر کتاب برگزیده نشده از میان آثاری باشد که بین ۸۰ تا ۹۰ امتیاز به دست آورده اند به عنوان کتاب تشویقی فصل معرفی می شود. وی تشکیل هیأت علمی نظارت بر کار داوران را از دیگر موارد مصوب در آیین نامه جدید برشمرد و تصریح کرد: از آنجایی که یک ماه زمان کمی برای داوری است و اگر خطایی در داوری صورت گیرد زمانی برای جبران آن وجود ندارد، هیأتی بین هفت تا یازده نفر برای نظارت بر روند داوری تشکیل می شود.

نهیج البلاغه با صدای شهیدی

نسخه صوتی ترجمه سیدجعفر شهیدی از نهیج البلاغه منتشر شد. این لوح فشرده که تا خطبه ۱۱۰ نهیج البلاغه حضرت علی (ع) را شامل می‌شود، تقریباً چهار ساعت به طول انجامیده و با خوانش غلامرضا لایقی از سوی نشر اطلاع منتشر شده است. همچنین لوح فشرده دیگری در مرحله بازخوانی و ویرایش نهایی است که شامل بخش‌های دیگر از این اثر ارزشمند با ترجمه شهیدی است. خطبه‌هایی که در لوح فشرده اول نیامده‌اند، به همراه رسائل و نامه‌ها، کلمات قصار و کلماتی که به تفسیر نیاز دارند، در این لوح فشرده عرضه خواهند شد. همچنین از سوی دیگر، به گفته شکوفه شهیدی - فرزند سیدجعفر شهیدی - در حال حاضر، تنظیم کتاب شرح دیوان خاقانی در دست است که بخش‌های زیادی از آن را خود دکتر شهیدی در زمان حیاتش به انجام رسانده است.

نامه ای از نهیج البلاغه با ترجمه شجاعی

کتاب آیین زندگی: توصیه‌های امیرالمؤمنین به امام حسن مجتبی (ع) به کوشش سیدمهدی شجاعی منتشر شد. این اثر ترجمه و توضیح نامه سی و یکم نهیج البلاغه است که با همکاری نشر کتاب نیستان و سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران در شمارگان یک میلیون و ۵۰۰ هزار نسخه منتشر شده و هفته آینده همزمان با سالروز ولادت امام علی (ع) و روز پدر توزیع خواهد شد. همچنین نمایش نامه گرشمه خسروانی یا مخالف بیداد به طرز همایون اثر دیگری از این نویسنده است که از سوی نشر یادشده به زودی منتشر خواهد شد.

ارسال ۵۰۰ اثر به جشنواره «گام اول»

تاکنون نزدیک به پانصد اثر از سوی دبیرخانه جایزه گام اول شناسایی یا دریافت شده‌اند که در فرصت باقیمانده (پایان شهریورماه) تعدادی هم به آن اضافه خواهد شد. جواد محقق، دبیر علمی جایزه گام اول با بیان مطلب بالا گفت: «این آثار به چهار شاخه شعر کودک، بزرگسال، داستان کوتاه و رمان کودک و داستان کوتاه و رمان بزرگسال تقسیم می‌شوند و در اختیار داوران قرار می‌گیرند. وی افزود: اکنون در مرحله جمع‌آوری آثار از طریق فراخوان و جستجو در سایت خانه کتاب و فهرست‌های مشابه هستیم. محقق درباره اطمینان از نخستین اثر بودن آثاری که به دبیرخانه ارسال می‌شوند، توضیح داد: نام همه پدیدآوردگان کتاب در سال‌های قبل در فهرست‌های خانه کتاب موجود است. در ضمن وقتی اثری به مرحله نهایی برسد، از راه‌های دیگر هم در این باره تحقیق می‌شود. وی اظهار داشت: البته در مورد کتاب‌های ارسالی به دفتر جشنواره، ادعای فرستنده اثر معتبر است و در صورت برگزیده شدن اگر ادعای او کذب باشد و ثابت شود، طبیعی است که پیگرد قانونی دارد. دبیر علمی جایزه گام اول با اشاره به لزوم قرار دادن شرط سنی برای شرکت‌کنندگان اظهار داشت: «من پیشنهاد قرار دادن شرط سنی تا سی سالگی را به خانه کتاب ارائه دادم که رأی نیاورد. اکنون هر کسی در هر سنی که باشد می‌تواند کتاب اولش را طبق مقررات برای جشنواره ارسال کند تا مورد داوری قرار گیرد. وی تعداد داوران سال گذشته را بیست نفر ذکر کرد و گفت: امسال هم با وجود افزایش نسبی آثار و اضافه شدن رمان کودک و نوجوان و بزرگسال که زمان و فرصت بیشتری خواهد برد، حداکثر همان بیست داور را خواهیم داشت. مگر این که در فرصت باقیمانده، عدد و رقم آثار رسیده و استخراجی تغییر چشمگیری داشته باشد. محقق درباره معرفی نام داوران پس از پایان داوری خاطر نشان کرد: «منعی در معرفی داوران نمی‌بینم. اگر چه زمان معرفی ممکن است بعد از اعلام نتایج برگزیدگان باشد.» به گفته محقق برای میزان جایزه هنوز تصمیم قطعی گرفته نشده ولی امید است مقدار آن کمتر از دوره قبل نباشد. به گزارش این‌ها شایان ذکر است دومین دوره جایزه گام اول، آبان‌ماه سال جاری در استان هرمزگان برگزار می‌شود.

زندگی آیت‌الله اشتهاردی

ادامه از صفحه ۲
وی پس از طی مراحل مقدماتی این علوم در سال ۱۳۲۰ به حوزه علمیه قم عزیمت کرد. آیت‌الله اشتهاردی فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی خویش را از سال ۱۳۳۷ آغاز کرد. علاوه بر ارشاد و راهنمایی مردم، افزون بر بیست سال عهده‌دار تدریس دروس سطح چون الروضة البهیة و مکاسب بود و در این رهگذر موفق به تربیت تعداد کثیری از طلاب حوزه علمیه قم شد.

تعلیق و تصحیح کتاب مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان وی در دوره دوم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران به عنوان کتاب سال برگزیده شد. آیت‌الله اشتهاردی صاحب تألیفاتی هم بود که از جمله آنها می‌توان به روضه المتقین علامه محمدتقی مجلسی، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، مدارک العروه، القرآن و العقل و ایضاح الفوائد اشاره کرد.

معاون کتابخانه ملی با اشاره به نسخه‌های خطی در دست مردم عنوان کرد:

۳۰۰ هزار نسخه خطی در شرایط نگهداری نامطلوب



بر اساس تفاهم‌نامه‌ای که با کتابخانه ملی امضای کند، از آن جایی که مالک شرایط نگهداری آثار را نمی‌داند، ما کتاب را از آنها امانت می‌گیریم و پس از آفت‌زدایی و ضدعفونی کردن، آنها را به صورت امانی نگهداری می‌کنیم و در صورتی که مالک میل به فروش یا امانت گذاشتن نداشته باشد، ما به عنوان مشاور به آنها کمک می‌کنیم که کتاب‌های شان ضدعفونی شود و شرایط نگهداری آنها را تبیین می‌کنیم. مدیر پیشین بخش نسخ خطی در کتابخانه ملی همچنین به همکاری کتابخانه ملی با دیگر کتابخانه‌های معتبر کشور برای پرهیز از رقابت در تهیه نسخ خطی، اشاره کرد و در ارائه آماری کلی از نسخ خریداری شده در سال‌های ۸۵ و ۸۶ نیز گفت: «در سال ۸۵، ۴۵۰۰ نسخه‌ی خطی خریداری کرده‌ایم و نزدیک به چهار هزار نسخه‌ی چاپ سنگی را نیز خریده‌ایم؛ در حالی که در سال ۸۶، به دلیل محدودیت منابع مالی، در مجموع حدود چهار هزار نسخ خطی و چاپ سنگی خریداری کرده‌ایم. او همچنین متذکر شد: «با توجه به دلایل گوناگون، معرفی نسخ خطی به آسانی کتاب‌های چاپی نیست و به کار کارشناسی نیاز دارد. یک کارشناس نسخ خطی با توجه به پیشینه‌هایی که دارد، کتاب را مطالعه می‌کند. علاوه بر این که اول و آخر تعدادی از کتاب‌ها افتاده‌اند که مطالعه را سخت‌تر می‌کنند. با توجه به این موضوع، قاعدتاً هیچ کجای دنیا و در هیچ کتابخانه‌ای از جهان کتاب‌های خطی را که به دست آنها می‌رسد، با سرعت نمی‌توانند معرفی کنند و در سیکل اطلاع‌رسانی بگذارند؛ از این رو مدت‌ها در نوبت فهرست‌نویسی می‌مانند و بعد از فهرست‌نویسی است که شناسنامه پیدا می‌کنند و به محققان معرفی می‌شوند.»

گفته می‌شود که معاون کتابخانه ملی از حدود ۳۰۰ هزار نسخه خطی موجود در کشور، نیمی در دست مردم است. حبیب‌الله عظیمی با اشاره به این مطلب درباره اقدامات کتابخانه ملی در حفظ و نگهداری این نسخه‌ها گفت: «ما در دو سال گذشته با بودجه قابل توجه و سرعت زیادی اقدام به خرید نسخ خطی کردیم؛ چون احساس کردیم یکی از راه‌های مبارزه با قاچاق و خروج غیرقانونی نسخ خطی از کشور این است که مراکز معتبر و دولتی مانند کتابخانه ملی با سرعت این نسخ خطی را از مردم و مجموعه‌داران بخرند تا در کتابخانه ملی نگهداری شوند.» این کارشناس نسخ خطی یادآور شد: «قبلاً از موجودی نسخ خطی در ایران بی‌خبر بودیم؛ اما الان برآورد می‌کنیم که حدود ۳۰۰ هزار نسخه خطی در کشور موجود باشد. از این تعداد نسخ خطی موجود، از ۱۲۰ تا ۱۵۰ هزار عدد در کتابخانه‌های معتبر مانند کتابخانه‌های ملی، آستان قدس رضوی، آیت‌الله مرعشی، مجلس شورای اسلامی و دانشگاه تهران است. این کتابخانه‌ها بیشترین نسخ خطی را در خود دارند؛ از این رو شاید حدود نیمی از نسخ خطی در کتابخانه‌های معتبر کشور باشد و حدود نیمی از آن در دست مردم و مجموعه‌داران خصوصی است. از سوی دیگر، مردم و مجموعه‌داران به دستگاه‌های دولتی اعتماد نداشته‌اند که بخواهند تعداد نسخ خودشان را اعلام کنند، که این خودش بدترین آفت بود و سبب از بین رفتن نسخ خطی در کتابخانه‌های شخصی می‌شد که بسیاری از آنها شرایط حفاظت را ندارند.» عظیمی از خریداری نسخ خطی از مردم و مجموعه‌داران به عنوان اولین راه‌حل پیشنهادی کتابخانه ملی یاد کرد و افزود: «ودیع‌الله گزاشتن نسخ خطی نیز راه حل دیگری است. در این ساز و کار، دارندگان نسخ خطی

انتشارات حافظ نوین

منتشر کرد

۱۸۰۰۰ ریال

نویسنده: راندا بایرن

مترجم: الهه مرعشی

انتشارات حافظ نوین: ۸-۵۵۱۶۰۰۵۵

مرکز پخش: انتشارات لوح دانش

۳-۶۶۹۷۲۵۸۱

اولویت مرکز ساماندهی ترجمه؛ مضامین دینی و ادبیات داستانی



رییس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی از فراهم آمدن مقدمات فعالیت مرکز ساماندهی ترجمه و ترجمه آثار فارسی به زبان های دیگر خبر داد. مهدی مصطفوی درباره اقدام های انجام شده برای مرکز ساماندهی ترجمه گفت: با توجه به این که شورای عالی انقلاب فرهنگی اعضای شورای سیاست گذاری را تعیین کرده، ما بلافاصله جلسات مربوطه را تشکیل دادیم. الان اطلاعات اولیه را برای کار ساماندهی ترجمه جمع آوری کرده ایم؛ به این معنا که سعی کرده ایم فهرستی از کلیه کتاب هایی که تا کنون به زبان های مختلف ترجمه شده است، جمع آوری کنیم تا دوباره کاری صورت نگیرد. او در ادامه یادآور شد: مترجمان و مراکز ترجمه خوب را در ایران و کشورهای دیگر شناسایی کرده ایم که بتوانیم با آنها مرتبط شویم و همین طور مراکز انتشاراتی مهم بین المللی را شناسایی کرده ایم. همچنین برای انتخاب کتاب ها، معیارهایی را مشخص کرده ایم که گروهی از متخصصان بتوانند بر اساس آن معیارها، کتاب های مناسب را برای ترجمه انتخاب کنند. مصطفوی تأکید کرد: کتاب هایی که ترجمه می شوند، در حوزه مضامین دینی هستند که البته ادبیات داستانی را نیز دربر می گیرد و در واقع، یکی

از زمینه هایی که باید ترجمه شود، همان حوزه ادبیات داستانی است. او همچنین متذکر شد: البته سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، خارج از این زمینه مربوط به ساماندهی ترجمه، یک سلسله اقدامات را خودش برای ترجمه کتاب ها انجام می دهد که این کار با

فراخوان انتخاب کتاب قرآنی دانشجویان

سازمان فعالیت های قرآنی دانشجویان کشور وابسته به جهاد دانشگاهی به منظور بهره مندی هر چه بیشتر جامعه از اندیشه ها، آموخته ها و آثار دانشجویی و تجلیل و ارج نهادن به کوشش های علمی دانشجویان نویسنده و مترجم، دومین دوره انتخاب کتاب قرآنی دانشجویان را برگزار می کند. تمامی دانشجویان مؤلف و مترجم می توانند با ارسال دو جلد از کتاب خود در این دوره از جشنواره شرکت کنند. شرکت در دومین دوره انتخاب کتاب قرآنی دانشجویان برای دانشجویان کلیه مقاطع تحصیلی آزاد است. موضوع کلی این دوره از جشنواره "قرآن و مفاهیم والای آن" و موضوع ویژه آن آثار میان رشته ای قرآنی (نجوم و قرآن - مدیریت و قرآن - روانشناسی و قرآن و...) است. گفتنی است، همزمانی دوره تحصیل دانشجویان با زمان چاپ و انتشار اثر ضروری است. همچنین اثر منتشر شده باید

دارای مشخصات عمومی کتاب باشد و از تاریخ انتشار کتاب نیز کمتر از پنج سال گذشته باشد. شایان ذکر است، محدودیتی برای ارسال تعداد عناوین و موضوعات وجود ندارد و ارسال کپی متن اصل آثار ترجمه شده الزامی است. شرکت کنندگان باید اثر یا آثار خود را حداکثر تا ۳۱ شهریور به دبیرخانه جشنواره ارسال کنند. تکمیل فرم درخواست شرکت و ارسال آن به همراه تصویر کارت دانشجویی یا گواهی اشتغال به تحصیل از دانشگاه در زمان چاپ و انتشار کتاب نیز ضروری است.

علاقه مندان برای کسب اطلاعات بیشتر می توانند به نشانی www.isqa.ir مراجعه و یا با شماره تلفن ۶۶۴۰۲۸۸۲ تماس حاصل کنند. شایان ذکر است، دبیرخانه کتاب سال قرآنی دانشجویان ایران واقع در تهران، خیابان انقلاب، خیابان قدس، خیابان بزرگمهر، پلاک ۹۷ است.

مدیرکل امور کتابخانه های استان هرمزگان خبر داد

ساخت کتابخانه بزرگ خلیج فارس در مراحل پایانی

مدیرکل امور کتابخانه های عمومی استان هرمزگان گفت: این کتابخانه به همراه دو مجتمع چند منظوره دیگر به همین نام در بخش های "سوزا" و "درگهان" قشم در راستای توسعه انسانی احداث می شوند و دلیل نامگذاری کتابخانه مذکور این است که در قلب خلیج فارس واقع شده است. وی افزود: در نظر داریم با ایجاد امکانات مربوط به کتابخانه مجازی در همین کتابخانه (خلیج فارس) این امکان را برای دانشجویان فراهم کنیم که با استفاده از اینترنت و ابزارهای نوین بتوانند با مراجع علمی دنیا و دانشگاه های معتبر در ارتباط و تبادل علمی باشند.

شد. مجری آن سازمان منطقه آزاد قشم و دستگاه بهر دار آن مدیریت امور کتابخانه های استان هرمزگان است. با توجه به مساحت این مجتمع فرهنگی می توان گفت که تاکنون کتابخانه ای به این وسعت در کل منطقه جنوب کشور نداشته ایم و در واقع کتابخانه خلیج فارس بزرگ ترین کتابخانه این منطقه خواهد بود. پوراشرف اضافه کرد: کتابخانه خلیج فارس ظرفیت ۵۰ هزار عنوان کتاب را خواهد داشت. اعتبارات این طرح نیز از سوی استانداری، سازمان منطقه آزاد و سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تأمین شده است.

بزرگ ترین کتابخانه جنوب کشور با نام خلیج فارس با پیشرفت ۸۰ درصدی در عملیات اجرایی اش به مراحل پایانی ساخت رسید. بهرام پوراشرف مدیرکل امور کتابخانه های عمومی استان هرمزگان از پیشرفت قابل توجه در عملیات اجرایی کتابخانه خلیج فارس خبر داد و گفت: این کتابخانه در حال حاضر به بیش از ۸۰ درصد پیشرفت فیزیکی رسیده و بسیار امیدواریم که تا پایان سال جاری به بهره برداری برسد. وی افزود: کتابخانه بزرگ خلیج فارس در سال ۱۳۸۴ و در زمینی به زیربنای ۴۸۵۰ متر مربع کلنگ زنی

آمادگی نشر دانشگاهی

برای تامین منابع دانشجویان

رییس مرکز نشر دانشگاهی از آمادگی این مرکز برای تألیف و ترجمه کتاب های جامع دانشجویان مورد نیاز دانشجویان خبر داد و گفت: این مرکز همچنین آمادگی دارد بر کیفیت کتاب ها نظارت علمی و جدی داشته باشد، اما این کارها نیازمند بودجه، تخصص و مجری علاقه مند است.

محمد محمودی هاشمی، ادامه داد: در دانشگاه های کشور، برای هر یک از دروس یک منبع معرفی می شود، مثلاً دانشگاه صنعتی شریف یک کتاب فیزیک و دانشگاه کرمان، کتاب دیگری به عنوان مرجع معرفی می کند. در این میان حتی به جای کتاب به آنها جزوه ارائه می شود.

رییس مرکز نشر دانشگاهی با انتقاد از وضعیت موجود منابع درسی دانشگاهی، عنوان کرد: این موضوع هر نیمسال تحصیلی در دانشگاه های کشور تکرار می شود، ولی هیچ کسی نیست که بر این موضوع نظارت داشته باشد. وی با اشاره به شیوه های نوین آموزشی در سامانه تعلیم و تربیت اظهار داشت: دیگر زمان گنج و تخته به پایان رسیده و استادان با استفاده از نرم افزارهای جدید مثل پاورپوینت و... آموزش می دهند، این به آن معناست که باید با پیشرفت های دنیا همگام باشیم.

هاشمی با بیان اینکه نمی خواهیم حق استاد را بگیریم، گفت: استاد در ارائه مرجع درسی آزاد است، اما این آزادی نباید به دانشجو و جامعه علمی کشور ضرر برساند. وی پیشنهاد داد: این مرکز می تواند از میان کتاب های خوب موجود در بازار، سه کتاب را در اسرع وقت ترجمه و به استادان پیشنهاد بدهد تا حداقل منابع مختلفی داشته باشیم. رییس مرکز نشر دانشگاهی یادآور شد: همکاران ما در این کار تجربه کافی و علاقه دارند، این موضوع چندی پیش به رییس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس پیشنهاد داده شد و قرار است طی جلسه ای با حضور مسئولان وزارت ارشاد و وزارت علوم این طرح ارائه و توسط کارشناسان امر بررسی شود.

ترجمه ای تازه از سید عبدالله انوار

سید عبدالله انوار مشغول ترجمه "موسیقی مبارک شاه" است. به گفته انوار تصحیح و ترجمه "موسیقی مبارک شاه" از فیلسوفان بزرگ اهل فارس - از زبان عربی به فارسی صورت می گیرد و فرهنگستان هنر آن را منتشر خواهد کرد. او همچنین در مراحل پایانی تألیف کتاب "منطق ریاضی" است که آن را با استفاده از منابع مختلف ریاضی فارسی، انگلیسی و فرانسه زبان نوشته است. مجموعه ۲۲ جلدی "شفا" یوحنا بوعلی سینا با ترجمه و شرح انوار هم مدت زیادی است که برای چاپ آماده است؛ اما به دلیل هزینه بر بودن چاپ اثر، هنوز مؤسسه یا مرکزی انتشار آن را برعهده نگرفته است. این اثر در مجموع ۴۴ مجلد است و به عقیده انوار، بهتر است ۲۲ مجلد اصل اثر نیز به همراه نسخه ترجمه شده منتشر شود.

قابل توجه شرکت کنندگان در آزمونهای نظام مهندسی

در این مجری می باید:

- فناصه مباحث نظام مهندسی
- نکات کلیدی
- آزمونهای طبقه بندی شده
- تحلیل مسائل بصورت تفریحی

انتشارات پاوریان

تلفن: ۰۲۱-۲۲۵۱۴۲۴ و ۰۲۱-۲۲۳۹۳۱۹

ترجمه ملیحه محمدی

نشر پژوهاکیون منتشر کرد

برنده جایزه نوبل ۲۰۰۲ فرانسه

آدرس: خیابان انقلاب انرسیده به میدان فردوسی، کوی پاریس، کوی جویانگبری، شماره ۱۵ (مجتمع پاس) واحد ۱۰ غربی

تلفن: ۰۲۱-۶۶۷۴۹۹۲۹ - ۶۶۷۲۸۶۲۸

بال نقره ای
بال آفتابی
بال آتشین

نویسندگان به انگیزه روز ملی قلم گرد هم آمدند

وزیر ارشاد، میزبان اهل قلم



بی دریغی که باید از اهالی قلم صورت بگیرد، من واگوکننده گلابه ای هستم که اهل فرهنگ در قیاس با ورزشکاران دارند! اگر چه اهل قلم فراموش نشده اند، اما نیاز داریم که حمایت بیشتری از آنها بشود.

وی ضمن ارائه پیشنهادهایی به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: نخست پیشنهاد می کنم روزی با عنوان روز تاریخ به نام ابوالفضل بیهقی نامگذاری شود و همچنین در بهشت زهرا قطعه ویژه ای به اهل قلم اختصاص داده شود.

وی همچنین به اختصاص دادن بیمه خاصی به اهل قلم و تهیه و ساخت جایگاه های تفریحی و اقامتی در برخی شهرهای تهران اشاره کرد و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خواست نمایندگان ناشران و اهالی قلم را در تهیه یک فرم ثابت قرارداد میان ناشر و آفریننده اثر یاری کند تا راهگشای مشکلات حقوقی اهالی قلم باشد.

وی افزود: بحث معافیت مالیاتی تا حدودی قابل دفاع است و می توان آن را پیگیری کرد، ولی گاهی دایره آن، چنان گسترده می شود که اصل ماجرا را برهم می زند. به عنوان مثال دفتر امور چاپ در سال گذشته پیگیری این مساله بود که چاپخانه های مرتبط با کتاب از مالیات معاف شوند، اما هیأت مدیره وقت انجمن چاپخانه داران، دایره را چنان گسترده کردند که همه معاف شوند و بحث به تشخیص میزبان مالیاتی کشیده شد تا دستورالعمل واحدی به وجود بیاید.

ساکت گفت، دکتر پرویز این قول را به اهالی قلم داد که موضوع معافیت مالیاتی اهالی قلم را پیگیری کند. وی افزود: کمیسیون فرهنگی مجلس هشتم تشکیل شده است و دکتر حداد عادل به عنوان رییس کمیسیون فرهنگی، پیگیری این مساله هستند. بنابراین امیدواریم که این مشکل را حل کنیم.

ضعف در ترجمه آثار ایرانی به زبان های دیگر

فیروز زنوزی جلالی برگزیده چهارمین دوره کتاب فصل و برگزیده پنجمین دوره جشنواره قلم زرین نیز از دیگر سخنرانان این برنامه بود.

نویسنده رمان قاعده بازی با اشاره به اینکه شناخت کشورهای دیگر از ادبیات ایران، شناختی بسیار قدیمی است، گفت: در زمینه ترجمه آثار نویسندگان ایرانی به زبان های دیگر متأسفانه با ضعف روبه رو هستیم. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در یکی دو سال گذشته کارهای چشمگیری در حوزه قلم انجام داده است و جشنواره هایی مثل جایزه جلال، جایزه پروین اعتصامی و کتاب فصل را برگزار کرده است. این خیلی خوب است اما من پیشنهاد می کنم که ناشر برگزیده هم انتخاب شود تا اگر اثر خلاقانه ای منتشر می شود از ناشر آن نیز تقدیر شود.

زنوزی افزود: در بسیاری از عرصه ها، در ادبیات داستانی کاستی هایی داریم. به عنوان مثال به نظر بنده به عنوان یک ناخدای نیروی دریایی نمی دانیم در این سی سال در نیروی دریایی چه اتفاقاتی افتاده و باید در این زمینه تلاش های بهینه انجام شود.

حجت الاسلام دکتر حمید شهریاری برگزیده کتاب سال در رشته حقوق و دکتر صادق آینه بند از داوران کتاب سال نیز در این مراسم به سخنرانی پرداختند. همچنین علی موسوی گرمارودی، حسین اسرافیلی و پرویز بیگی حبیب آبادی نیز در این مراسم اشعاری را برای حاضران قرائت کردند. مراسم بزرگداشت روز قلم که به همت موسسه خانه کتاب برگزار شده بود، با ضیافت شام به پایان رسید.

آثار آنان برگزار کنند. در آن زمان پیشنهاد شد که همزمان با برگزاری اجلاس سران، اجلاسی هم از اهالی قلم تشکیل شود تا مسائل خود را مطرح کنند و طرح های مشترک را در پیش گیرند.

وی با اشاره به اینکه انجمن قلم برنامه های متعددی را برای برگزاری این روز خاص به دولت وقت پیشنهاد، گفت: متأسفانه نامه مادران زمان باکم توجهی به وزیر ارشاد وقت ارجاع شد و از آن طریق هم به شورای فرهنگ عمومی ارجاع داده شد و این روز به یک روز ملی تقلیل یافت که همین هم البته غنیمت بزرگی است؛ ولی امیدواریم مقدمه ای برای تحقق آرزوی بزرگ ما باشد.

خدماتی دانستن کار فکری، جفاست

محسن هجری عضو هیأت مدیره انجمن نویسندگان کودک و نوجوان ضمن شادباش روز قلم گفت: در آیین نامه هایی که در مورد تعریف مشاغل وجود دارد، اساساً کار فکری را زیرمجموعه ای از کار خدماتی محسوب می کنند که شاید جفا در حق کار فکری باشد. چون کار فکری کار تولید اندیشه است. من از این تعریف استفاده می کنم و می گویم اهل قلم، خدمات فکری ارائه می دهند و در تعریف دوم، تولید فکر می کنند.

وی افزود: متأسفانه امروز نمی توانیم بر اهل قلم ایران اطلاق صنف کنیم اما یکی از یادگارهای این دوره از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می تواند کمک به مشخص شدن تعریف صنف اهل قلم باشد و گام بعدی نیز تشخیص منافع صنفی این قشر است. وی ضمن اشاره به آرزوی دیرینه اهل قلم گفت: ای کاش یک مرجع ذی صلاح حقوقی برای رجوع اهل قلم باشد و جایی وجود داشته باشد که از حقوق اهل قلم دفاع کند. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می تواند برای پاسداشت حقوق ضایع شده اهل قلم، این مرجع را تشکیل دهد.

هجری در پایان ابراز امیدواری کرد که نهادهایی مانند انجمن قلم ایران و انجمن نویسندگان کودک و نوجوان و خانه شاعران کمک کنند تا حدود و ثغور صنف اهل قلم مشخص و حقوق اهل قلم ایفا شود.

روز تاریخ به نام بیهقی نامگذاری شود

محمدحسین ساکت داور کتاب سال جمهوری اسلامی یکی دیگر از سخنرانان مراسم روز قلم بود. وی درباره بزرگداشت اهل قلم خطاب به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: گذشته از حمایت های

قلم همچنان ادامه داشته باشد و افزود: لازم است که رسانه ها برای آشنا کردن مردم در معرفی اقدام مثبت نامگذاری روزها بکوشند و در زمانی که روز شعر و ادب فرا می رسد، شاهد فعالیت بیشتر این عزیزان باشیم.

پرویز گفت: یکی از کارهایی که موسسات فرهنگی و تشکل ها لازم است انجام دهند، مجتمع کردن فعالیت های خود در چنین روزهایی است که باعث می شود انعکاس و نمود بیشتری پیدا کند. باید همه نهادهای خصوصی و دولتی عزم خود را جزم کنند که برنامه های مرتبط با چنین روزهایی را برگزار کنند تا موثرتر واقع شود.

وی با اشاره به اینکه این مراسم به دلیل تقارن با روز جمعه، یک روز به تاخیر افتاده است، گفت: ما چون در خودمان احساس وظیفه می کردیم دیروز به روزنامه ها و خبرگزاری ها رفتیم و با عزیزانمان دیدار و گفت و گو کردیم و امیدواریم که همه تشکل های دولتی و غیردولتی نکو داشت ایامی از این دست را در برنامه های خود قرار دهند تا با برگزاری با شکوه تر این ایام و توجه بیشتر به قلم و ادب و شعر و داستان، باعث تعالی جامعه شوند.

دکتر محسن پرویز افزود: بسیاری از مولفان به این مساله معترضند که در صدی از حق التألیفشان کسر می شود. بسیاری از ناشران خصوصی این کار را انجام نمی دهند اما متأسفانه برخی ناشران دولتی همچنان این کار را ادامه می دهند که موارد موجود باید پیگیری شود.

دکتر پرویز در پایان ابراز امیدواری کرد که اهالی قلم، معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را از راهنمایی های بی دریغ خود بی بهره نگذارند.

روز بین المللی یا روز ملی قلم؟

محمد رضا سرشار نایب رییس انجمن قلم ایران نیز ضمن ابراز خرسندی از برگزاری هر چه باشکوه تر مراسم روز قلم گفت: امیدواریم این روز ویژه، مقدمه رسیدن اهالی قلم به شأن واقعی خودشان باشد.

وی درباره چگونگی نامگذاری چهاردهم تیر ماه با عنوان روز قلم گفت: شش سال قبل هیأت مدیره انجمن قلم به رییس جمهوری وقت که در آن زمان رییس سازمان کنفرانس اسلامی هم بود، پیشنهاد داد که روزی به نام روز بین المللی قلم در جهان اسلام تصویب شود تا همه ساله در یک زمان واحد در کشورهای اسلامی جشن گرفته شود و پیرو آن مراسمی برای شأن اجتماعی هنرمندان و تجلیل از

مراسم گرامی داشت روز قلم با حضور جمعی از اهالی قلم کشور، پانزدهم تیر ماه در هتل لاله تهران برگزار شد.

در این مراسم وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ضمن ابراز خرسندی از گردهم آیی اهالی قلم در این مراسم گفت: امیدواریم روزهای خوش قلم در آینده به کام جان یک یک ما خوش تر بیاید و بتوانیم مشکلاتمان را مرتفع کنیم و مهیا شویم تا حق قلم را آنچنان که خداوند قلم اشاره فرموده، ادا و کارهای ناتمام مانده را تمام کنیم و کارهای مغفول را مورد توجه قرار دهیم.

محمدحسین صفار هرندی با اشاره به سی امین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی افزود: امیدواریم بتوانیم امسال را بهانه ای قرار دهیم برای اینکه کارهای بر زمین مانده را به سرانجام خوشی برسانیم و کارهایی درخور این سرزمین و انقلاب این ملت در عرصه های گوناگون انجام دهیم. اگر روز قلم برای ما هیچ اثر دیگری نداشت جز اینکه شمع جمع اهالی فرهنگ و ادب شود، همین برای بزرگداشت این روز کافی بود. از اینکه در این روز صاحبان پربرکت حوزه فرهنگ و ادب این سرزمین را در کنار هم می بینیم، حتماً به فرهنگ کشورمان مباحثات می کنیم که چنین چهره های ارزشمندی را پرورده و بابت این موهبت بزرگ که هنر و فرهنگ موهبت ذاتی اهالی این سرزمین است، خداوند را سپاس مضاعف می گوئیم. وی در پایان سخنان خود از معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و موسسه خانه کتاب به خاطر تلاش در گرد هم آوردن اهالی قلم قدردانی کرد.

حفظ حرمت اهالی قلم

به عهده مسئولان اجرایی است

معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در این مراسم ضمن خوشامدگویی به اهالی قلم گفت: هر چه در خصوص قلم و آنچه با قلم در راه صلاح نوشته می شود بگوئیم، کم گفته ایم؛ چه، هر چه بگوئیم کمتر از آن چیزی است که خداوند در قرآن کریم فرموده و صحبت کردن در این مورد با رجوع مجدد به آیات قرآن مکفی است. سخن گفتن در این باب را بنا نداریم، اما نکته داشتن حرمت اهالی قلم به عهده مسئولان اجرایی است.

دکتر محسن پرویز کمک به انتشار آثار مناسب اهل قلم و فراهم آوردن زمینه برای رسیدن این آثار به دست مخاطبان را از وظایف معاونت فرهنگی دانست و افزود: با همه محدودیت هایی که از نظر امکانات وجود دارد این اقدامات در سرلوحه کار وزارت ارشاد قرار دارد.

وی اعطای درجه هنری به داستان نویسان و شعرا را از جمله اقدامات مثبت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این زمینه دانست و گفت: تا امروز ۲۵ نفر از شعرا و داستان نویسان موفق به دریافت نشان هنری از درجه یک تا چهار شده اند که به گمانم از کارهای مثبتی است که در دوران مسئولیت بنده آغاز شده و فکر می کنم از این پس نیز با صلابت ادامه پیدا کرده و بتواند جریان مافات کند تا به نوعی به زحمات اهل قلم ارج نهاده شود.

دکتر پرویز افزود: بزرگداشت روز قلم و روز شعر که در پیش روست، بر همه دست اندرکاران فرهنگی واجب است و نباید متوقع باشیم که یک تشکل، نهاد یا وزارتخانه به تنهایی این کار را انجام دهد، چون چنین امری مقدور نیست. وی ابراز امیدواری کرد که روند تقدیر از اهالی



دانشنامه نگاران از ویژگی های دایرة المعارف نویسی در ایران می گویند

ویرترین تماشایی دانش ها



دانشنامه در نظر انوشه - چه عمومی و چه تخصصی - باید از این ویژگی برخوردار باشد که به تمام پرسش های خواننده جواب بدهد و او ناگزیر به مراجعه به دیگر کتاب ها نباشد. اگر این اصل را بپذیریم، بسیاری از کتاب هایی که به نام دایرة المعارف منتشر می شود از دایرة دانشنامه ها خارج است. نیاز به آموزش دانشگاهی در این حوزه از مسائلی است که بارها مورد تاکید اهالی فرهنگ قرار گرفته است. به گفته آل داوود وظیفه اصلی دانشگاه تربیت محقق یا دانشجوی فاضل در حوزه های دانشگاهی است. او بر این باور است که دانشگاه ها نه تنها به تربیت محقق برای دانشنامه نویسی عنایتی ندارند بلکه در کمیته های ترفیحات دانشگاه ها نیز به مقالات دانشنامه ای نمره نمی دهند در حالی که دایرة المعارف ها تا امروز توانسته اند محققان را در حوزه دانشنامه نویسی تربیت کرده و پرورش دهند.

یک کار گروهی

یکی از مهم ترین ویژگی های دایرة المعارف شیوه نگارش دانشنامه ها و میزان ورود به جزئیات با توجه به سن یا میزان تحصیلات مخاطبان آنهاست. طبعا باید پذیرفت که این مهم از عهده یک فرد خارج است. ضمن اینکه حجم متغیر دانشنامه ها که می تواند از یک جلد تا دهها جلد - و در مواردی حتی بیش از صد جلد - باشد به این مشکل می افزاید. گردآوری مجموعه هایی با مشخصات و مشخصات دانشنامه سابقه ای بیش از دو هزار سال دارد و غالباً ثمره کوشش های فردی بوده است اما امروزه این امکان وجود ندارد. گروهی بودن تدوین دانشنامه ها و دایرة المعارف ها از جمله مباحثی است که کامران فانی بر آن تاکید دارد و معتقد است که در عصر تخصصی شدن علوم در دوران مدرن قرن شانزدهم و قرن هفدهم به بعد کمتر کسی جرات می کند که خود را در همه علوم صاحب نظر بداند و یک تنه از عهده تالیف و تدوین همه معارف بشری برآید. به باور فانی احتیاط علمی باعث می شود که امروزه دانشنامه نویسی بیش از آنکه یک علم فردی و متکی بر داشته های علمی یک نفر باشد یک کار گروهی به شمار آید و به صورت سازمانی کار شود. انوشه نیز یکی از مهم ترین علت ناکامی دایرة المعارف ها را، قائم به فرد بودن آنها می داند. و بر این باور است که با این رویکرد در گذشت سرپرست دانشنامه ها در گذشت خود دانشنامه ها را در پی خواهد داشت.

صورت کامل نوشته شده است. البته او منکر این واقعیت نیست که نخستین دانشنامه علمی ایران را دانشمند بزرگ ایرانی ابونصر فارابی با عنوان 'احصاء العلوم' به زبان عربی به رشته تحریر درآورد و در آن به طبقه بندی علوم مختلف پرداخت. بسیاری از آثار ابن سینا نظیر 'الشفاء' و 'القانون' را نیز باید در ردیف دانشنامه های تخصصی به شمار آورد، اما بی تردید کهن ترین دانشنامه مهم فارسی مجموعه معروف 'دانشنامه علایی' است. ابن سینا بر آن بود تا علوم مختلف را در مجموعه ای فارسی فراهم آورد، اما فقط موفق به نگارش بخش های الاهیات، طبیعیات و منطق شد. پس از وی شاگردش ابو عبید جوزجانی با ترجمه آثار عربی او بخش های ریاضیات، موسیقی، هندسه و هیئت را نیز فراهم آورد و نام دانشنامه را برای آن مجموعه برگزید. در واقع تا آنجا که می دانیم، نام دانشنامه نخستین بار بر این مجموعه نهاده شده است. دانشنامه های قدیم، برخلاف دانشنامه های کنونی که منابع مرجع به شمار می روند، در حکم کتاب های درسی بودند. از سوی دیگر، همه دانشنامه های قدیم موضوعی بودند و پیدایی دانشنامه های الفبایی پدیده ای نسبتاً جدید است.

دانش دانشنامه نگاری

بحث پیرامون ویژگی های دایرة المعارف و مقالات دانشنامه ای از جمله مسائلی است که شبهات بسیاری را در پی داشته است به طوری که گاه از سوی بسیاری از پژوهشگران و دایرة المعارف نویسان عنوان می شود که نوشتن مقالات دانشنامه ای علاوه بر تسلط نویسنده بر موضوع، خود تخصصی دیگر در عرصه نگارش می خواهد؛ تخصصی که کمتر کسی بر آن تسلط کافی دارد. به گفته انوشه، بسیاری از کتاب ها که نام دانشنامه را بر خود نهاده اند، دانشنامه نیستند بلکه صرفاً مجموعه ای از مقالات هستند که گردآوری شده اند چراکه اطلاعات دانشنامه نو و نگارش آن باید در نهایت اختصار باشد، چراکه به باور او دانشنامه محل جولان دادن قلم نیست. بنابراین گفته سید علی آل داود متن پژوه و دایرة المعارف نویس، دانشنامه های کنونی را می توان به دو دسته کلی عمومی و تخصصی تقسیم کرد. دانشنامه های تخصصی خاص یک منطقه جغرافیایی، یک کشور، یک دوره زمانی یا یک شاخه علمی است. او بر این باور است که دانشنامه های کنونی در واقع مجموعه ای از مقالات جداگانه در موضوعات مختلف اند که متخصصان هر موضوع به نگارش درآوردند. هر مقاله علاوه بر اطلاعات تاریخی و بیان پیشینه موضوع، اطلاعات جدید و پیشرفت های کنونی را نیز دربرمی گیرد.

فهرست منابع برای مطالعه بیشتر، جدول ها، نمودارها، نقشه ها و تصویرها نیز استفاده می شود. سرانجام اینکه از دهه ۱۹۸۰م عصر نوینی در دانشنامه نویسی به صورت لوح های فشرده و ظهور دانشنامه های دیجیتال و اینترنتی پدید آمده است.

دانشنامه نویسی در جهان اسلام

شاید بتوان 'عیون الاخبار' ابومحمد عبدالله بن مسلم این قتیبه دینوری را نخستین دانشنامه جهان اسلام دانست که ۱۰ کتاب را با این عناوین دربردارد: کتاب الطباع و الاخلاق المذمومه، کتاب العلم و البیان، کتاب الزهد، کتاب الاخوان، کتاب الحوائج، کتاب الطعام و کتاب النساء.

دکتر مهدی محقق، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و رییس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی با بیان تاریخچه دانشنامه نویسی در اسلام، بر این باور خود اصرار می ورزد که اساسا دانشنامه نویسی و دایرة المعارف نویسی بیشتر در دوره اسلامی پدید آمده است، زیرا پیش از اسلام علوم در حافظه ها نگه داشته می شد اما با ظهور پیغمبر اکرم (ص) برای جلوگیری از ضایع شدن علم، کتابت آن آغاز شد.

به گفته محقق دایرة المعارف هایی که مسلمانان می نوشتند، بیشتر موضوعی بود و تقریباً می توان گفت کتاب هایی که دانشمندان اسلامی در زمینه های طب، نجوم، حدیث و... نوشته اند، به گونه ای دانشنامه محسوب می شوند، همچنین در اسلام کتاب های اساسی و بنیادی دایرة المعارف به شمار می آیند. او معتقد است که دانشنامه نویسی به سبک جدید بیشتر در نیم قرن گذشته پدید آمده است که متأثر از توجه نسل جوان به علم و دانش و همچنین شیوه دانشنامه نویسی در اروپاست.

در مقابل این عقیده محقق، کامران فانی بر این باور است که دانشنامه به مفهوم کمی جدیدتر در دوره یونانی ها پدیدار شد و در همان زمان در چین هم به کتاب هایی مفصلی برمی خوریم که مجموعه ای از دانشنامه های زمان را گردآورده اند. سنت دانشنامه نویسی در جهان اسلام به باور فانی با تالیف انواع کتاب ها تحت عنوان 'جامع الفنون' و 'جامع العلوم' که عنوان دایرة المعارف و دانشنامه نداشت، ادامه می یابد.

دانشنامه نویسی در ایران

دانشنامه نویسی در ایران سابقه ای طولانی دارد اما این نوع از ارائه اطلاعات به شیوه جدید در حقیقت از دانشنامه فارسی که شادروان دکتر غلامحسین مصاحب به تدوین آن همت گماشت، آغاز می شود. به طوری که انوشه دایرة المعارف سه جلدی مصاحب را که چهل سال نگارش آن به طول انجامید، تنها دانشنامه ای معرفی می کند که در دوره جدید به

بشر با اختراع کتابت و ثبت مجموعه ای از دانش ها و اطلاعات، نیاز به نظم و سامان مجموعه پراکنده دانش ها و اطلاعات به واسطه تدوین و گردآوری را احساس کرد اما از زمانی که فهمید می تواند چند موضوع را در کنار هم قرار دهد به مفهوم دایرة المعارف و یا دانشنامه رسید.

دانشنامه که معادل فارسی دایرة المعارف عربی است، به مجموعه ای گفته می شود که اطلاعاتی جامع و در عین حال فشرده درباره دانسته ها و یافته های بشر در اختیار مخاطب می گذارد. امروز کتاب های فراوانی با عنوان دانشنامه تالیف و برای استفاده مخاطبان روانه بازار کتاب می شوند، اما اهمیت و ضرورت تالیف دانشنامه هنوز آن گونه که باید و شاید برای مخاطبان ایرانی معرفی و روشن نشده است از این حیث بررسی تاریخچه دایرة المعارف ها، ویژگی ها و کیفیت این آثار و آسیب های وارد بر این حوزه از جمله مسائلی است که این گزارش تلاش می کند تا مدخلی بر آن بیابد.

یک مرور تاریخی

برخی ارسطو را پدر دانشنامه نویسی می دانند، زیرا در آثارش به دانش های مختلف روزگار خود پرداخته و خلاصه یافته های خویش و دانسته های دانشمندان پیشین را برای آیندگان به یادگار نهاده است و برخی نیز اسپتوسیوس، فیلسوف یونانی و شاگرد افلاطون را نخستین دانشنامه نویس معرفی می کنند.

بنا بر تاریخ دانشنامه نویسی در روم باستان نخستین بار شخصی به نام مارکوس ترتیوس در کتابی با نام 'کتاب دانش ها' به معرفی علوم عصر خویش پرداخت که عبارت بودند از حساب، دستور زبان، دیالکتیک جدل، طب، معانی و بیان، معماری، موسیقی، هندسه و هیئت. اما مهم ترین دانشنامه رومی تاریخ طبیعی 'در هفت کتاب' و ۹۳ باب، اثر پلینی است و به موضوعاتی چون انسان شناسی، جانور شناسی، گیاه شناسی، کانی شناسی، گیتی شناسی و... می پردازد.

سده ۱۸ میلادی/۱۷۶۸-۱۷۷۱م در صد جزوه در ادینبورگ نقطه عطفی در علم دانشنامه نویسی دانست. از مهم ترین دانشنامه های اروپایی که در این دوره پدید آمده دانشنامه بریتانیکاست که چاپ نخست آن در میان سال های ۱۷۶۸-۱۷۷۱م در صد جزوه در ادینبورگ اسکاتلند منتشر و صحافی شد. این دانشنامه تاکنون بارها ویرایش و تجدید چاپ شده است و از جامع ترین و بزرگ ترین دانشنامه های انگلیسی زبان به شمار می رود.

در دانشنامه های امروزی برای راهنمایی بیشتر خوانندگان از ابزارهای کمکی مانند نمایه های الفبایی و موضوعی، فهرست مأخذ، ارجاعات درون متن،

حاصل تلاشی همگانی

حسن سید عرب: دانشنامه نویسی در ایران در حال حاضر تبدیل به نهضت فرهنگی شده است که می توان مزایا و مضار آن را در مقالاتی مورد نقد و بررسی قرار داد. هر چند که یادداشت پیش رو چنین ادعایی ندارد و نمی تواند محملی برای نقد و بررسی تحلیلی دانشنامه نویسی در ایران باشد.

مدت هاست که برخی از دستاران فرهنگ، به دنبال تالیف و انتشار آثار ملی هستند که دایرة المعارف ها و دانشنامه های گوناگون از این دست به شمار می آیند؛ به گونه ای که دایرة المعارف نویسی در حال حاضر در ایران به شغل تبدیل شده است. در حال حاضر بسیاری از این نوشته ها چاپ شده و تقریباً نیمی از راه خود را طی کرده اند و به

نکته دیگر آن است که در حال حاضر به سبب آن که دایرة المعارف ها به مثابه شغل در جامعه جایگاه خود را یافته اند، سازمان های آنها نیز گسترده شده و این آفت اگرچه در ظاهر مبین تسریع در کار است، اما در حقیقت از موانع بزرگ تالیف دانشنامه ها محسوب می شود از این جهت نباید نظام اداری، مالی و علمی دایرة المعارف ها به شکل روزافزون گسترش یابد. اکنون دایرة المعارف ها تنها نیاز به بخش هایی از جمله مدخل و ویرایش و حروف نگاری و کتابشناسی دارند و بخش های دیگر باید خارج از آن باشند و در حقیقت با فرض سفارش مقاله به افراد متخصص این فرض نیز پذیرفته شده است که آن افراد خود از کتابخانه های شخصی خوبی برخوردارند و یا از کتابخانه های عمومی بزرگ استفاده می کنند؛ با وجود این دیگر نیازی به گسترش کتابخانه ها و تعداد بخش ها و گروه های مختلف در آنها نیست.

نیمه راه رسیده و مراکز تحقیقی و پژوهشی از این نوشته ها بهره می برند. دایرة المعارف های متفاوت که شمار آنها در ایران به بیش از صد اثر می رسد تفاوت های بسیار دارند و هر یک حتی برای خود رسم الخط و شیوه مدخل گزینی و تالیف متفاوتی دارند و متاسفانه از یک اصول و قاعده پیروی نمی کنند. مهم تر آن که این نوشته ها در موضوع هم با یکدیگر تفاوت دارند.

دانشنامه جهان اسلام و دایرة المعارف بزرگ اسلامی اگرچه با شیوه های ابداعی، موسس روش نوین دایرة المعارف نویسی در ایران بوده اند، اما هنوز اغلب آنها از روش هایی پیروی می کنند که کمتر با روش معمول آن منطبق است. از این حیث می توان گفت که نباید شور دایرة المعارف نویسی، کاسته شدن تالیف در حوزه شخصی را در پی داشته باشد چرا که اساسا دایرة المعارف ها حاصل تلاشی همگانی است.

در پنجمین جشنواره و با اهدای جایزه به ۶ اثر برتر

قلم زرین درخشید



پنجمین جشنواره قلم زرین سیزدهم تیر ماه در انجمن قلم برگزار شد.

در این مراسم که به اهدای جوایز کتاب‌های برگزیده در سال‌های ۸۵ و ۸۶ در حوزه‌های شعر، داستان و تحقیق ادبی اختصاص داشت، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: بی تردید همه شاخه‌های فرهنگ و هنر، پابره‌خانه قلم نهاده‌اند و همه هنرمندان و اهالی فرهنگ خود را مدیون نویسندگان می‌دانند. رشته پیوند دهنده میان عرصه‌های گوناگون فرهنگی و هنری قلم است و اگر قلم نقش آفرین نباشد، پای همه عرصه‌های هنری لنگ است.

محمدحسین صفار هندی که در جمع اعضای انجمن قلم سخن می‌گفت، افزود: بخشی از کمبودهای ما در چند عرصه برجسته و مشهود هنر و فرهنگ، به میزان قابل توجهی به این مساله برمی‌گردد که ما در عرصه نوشتن کم آورده‌ایم. وقتی از سینما دلایل مشکلات را سوال می‌کنیم، مشکل فقدان سناریوی مناسب رخ می‌نمایاند که یک سناریوی خوب از دل یک رمان مطلوب شکل می‌گیرد و انتظارات متوجه عرصه ادبیات داستانی می‌شود.

وی افزود: اگر کاوش کنیم در دیگر عرصه‌ها هم با همین مقوله مواجه می‌شویم؛ اینکه همه بار نقصان‌های موجود در عرصه فرهنگ را بر دوش اهل قلم بیندازیم بی‌رحمانه است اما از آنجا که اهل قلم سررشته دار فرهنگ هستند، لاجرم باید شانه زیر بار این سوی قضیه هم بدهند.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به سی امین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی گفت: «مناسبت امسال، بعضی نداشته‌هایمان را به ما متذکر می‌شود. این نشانه‌ها تذکری است برای اینکه به اندازه سی سال گذشته به تناسب هیبت و عظمت انقلاب در حوزه‌های مختلف فرهنگ و هنر چه کرده‌ایم. البته اتفاقات بزرگی در این عرصه‌ها افتاده است که باید از همه تشکر کرد اما آیا به تناسب بزرگی انقلاب در بازنمایی هنرمندانه‌اش کاری صورت گرفته است؟ باید اعتراف کنیم که چنین نیست و شاید سی امین سالگرد پیروزی انقلاب، یادآوری برای بازخوانی کارنامه سی ساله‌ای باشد که کشف آن به عنوان یک رسالت روی دوش ما سنگینی می‌کند.

وی افزود: ما امسال را سال حمایت ویژه از آثار متناسب با موضوع انقلاب قرار داده‌ایم که یادآور همه زیبایی‌های مندرج در این رویداد تاریخی است. ما این سال را چنین نشانه گذاری کرده‌ایم و امیدمان این است که اولین قدم‌های این راه همین امسال برداشته شود.

صفار هندی افزود: در میان اهل فرهنگ، کرامتی که از همه انتظار می‌رود و رواتر و پسندیده‌تر است، تحمل یکدیگر و گروه‌های رقیب و فضا دادن به دیگری است که آنها هم سودایی شبیه ما در سر دارند و آرزوهایی بزرگ برای خود و کشورشان. پس در این سال باید همراهی کنیم و هم افزایی داشته باشیم و ما هم به عنوان خادمان فرهنگ، حمایت از این راه حق را بر عهده داریم.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: «دوستان مادر معاونت فرهنگی، امسال کاری را در انتشار برخی آثار بر زمین مانده انجام دادند که مقدمه‌ای بود و باید بیش از این در کار حمایت از اهل قلم باشند و باشیم. اگر غفلتی از ما دیدید، از اینکه ما را به اثری بر زمین مانده راهنمایی کنید، پرهیز نکنید.»

ارتباط برقرار کند و دایره اهل قلم کشور را سامان دهد.

اشعری در بخش دیگری از سخنان خود گفت: آثار ایرانی موجود در کتابخانه‌های جهان، صرف نظر از آثار ادبیات گذشته، نشان دهنده آنچه در کشور ما می‌گذرد نیست و آنها هم اهتمام و علاقه‌ای به داشتن همه آثار فاخر ایرانی ندارند و معتمدان آنها هم این آثار را بر نمی‌گزینند. اما با توجه به اینکه کتابخانه‌ها در سراسر دنیا کمی از جریانات سیاسی روز به دورند، کتابخانه ملی می‌تواند در قالب یک نهاد فرهنگی به راحتی با آنها تعامل برقرار کند. بنابراین ارتباط از طریق کتابخانه ملی یک جریان دوسویه و پل مناسبی است برای اینکه هر ساله حجم زیادی از کتاب‌های ایرانی به کتابخانه‌های دیگر کشورها راه پیدا کند. از سوی دیگر این مژده را می‌دهیم که به واسطه تشکیل شوراهای علمی در رشته‌های مختلف و در کتابخانه ملی، با رصد کتاب‌های خوب خارجی، این کتاب‌ها را برای استفاده محققان و نویسندگان به کشور وارد کنیم.

داوری درباره هنر با معیار عقیده

حسن رحیم پور از غدی نیز در این مراسم به ایراد سخنانی پرداخت. وی در بخشی از سخنان خود با اشاره به اینکه در عالم فرهنگ نباید به دنبال کمیت باشیم، گفت: در دو عرصه انقلاب و مقابل انقلاب تعداد اهالی قلم بیش از چند صد نفر نیست. باید همان طور که در آن سوی قضیه، ساماندهی صورت می‌گیرد و از کار یکدیگر تقدیر می‌کنند، اهل قلم انقلابی هم این کار را انجام دهند.

وی افزود: در تقسیم بندی که روشنفکران و هنرمندان مسلمان به آن معتقدند، عقیده می‌تواند هنر و هنرمندی را تقسیم کند. در حالی که روشنفکران لائیک از این جریان استفاده کردند و فضا سازی کردند و نسبت به کار خود تعصب داشتند، ما خودمان به کار هم احترام نگذاشتیم. ما به عنوان هنرمندان مسلمان باید پاسخ‌های واقعی نسبت به این شبهه داشته باشیم.

وی افزود: کسانی که به استقلال ایران اعتقاد دارند، می‌دانند که اگر این استقلال و اعتماد به نفس فرهنگی نباشد، استقلال معنی ندارد. ستون فقرات استقلال هر ملت به باورهای فرهنگی آن برمی‌گردد و تشکیل انجمن قلم نیز بر مبنای همین ضرورت بود.

ولایتی در پایان گفت: درهای انجمن برای همه کسانی که دلشان برای این فرهنگ می‌تپد باز است. درهای انجمن به روی هر یک از اهل ادب و شعر که در مبنای با ما مشترک هستند باز است ولو اینکه اختلاف سلیقه‌ای هم در میان باشد. امیدواریم با تقدیم هدیه‌ای که صورت می‌گیرد، انجمن قلم بتواند نشان دهد که در تشویق کسانی که برای ماندگاری این نظام و آیین تلاش می‌کنند، کوتاهی نمی‌کند. وی ابراز امیدواری کرد که جشنواره قلم زرین همه ساله در موعد مقرر برگزار شود.

کشف صاحبان قلم

علی اکبر اشعری مشاور فرهنگی رئیس جمهوری و رییس سازمان اسناد و کتابخانه ملی نیز در این مراسم ضمن ابراز خرسندی از حضور در میان اهالی قلم گفت: دغدغه‌های اصلی که در ذهن داریم باعث شده است که در مراجعه به هر جمع یا پدیده‌ای، به دنبال راه حلی برای این دغدغه‌ها باشیم. دغدغه اصلی ما شکوفایی انقلاب اسلامی و اهدافی است که بسیاری در راه آن جانفشانی کرده‌اند و نگاه من به اهل قلم، از همین منظر است.

وی افزود: در کشور ما استعدادها شایسته‌ای وجود دارد که ساماندهی آنها باعث شکوفایی می‌شود و می‌تواند بر رشد کشور تاثیر بگذارد اما برخی دام گسترده‌اند تا این استعدادها را شکار کنند. بارها دیده شده است که نویسندگانی با استعداد مقاله‌ای را در روزنامه‌ای نوشته است و به سرعت توسط سرویس‌های خارجی نشان شده تا از ظرفیت او در جهت اهداف خود استفاده کنند. بنابراین فکر می‌کنم دور از انصاف نیست که از انجمن قلم انتظار داشته باشیم با ایفای نقش خاص، چتری را در گستره ایران باز کند و بدون انتظار مراجعه صاحب قلم، با آنها

وی با اشاره به اینکه بسیاری از آثار ارزشمند تولید شده در داخل کشور، به بازارهای جهانی راه پیدا نمی‌کند، خواستار توجه جدی‌تر به این مقوله شد و افزود: در کنار این مساله بسیاری از آثار ارزشمند تولید خارج کشور نیز، گویی با اصرار بعضی که در کار برگزیدن آنها هستند، به کشور راه پیدا نمی‌کند، گویا آثار خوب قرار نیست به داخل راه پیدا کند. امروز یک نهضت بزرگ از انتقاد از غرب در خود غرب شکل گرفته است؛ اما جوان ما به دلیل اینکه به آثار مرتبط با این نهضت دسترسی ندارد، از دامنه وسیع برخوردار انتقادی با غرب آگاه نیست. گویا ما باید تنها میهمان فرآورده‌های از معرفت تهی مانده دیگران باشیم؛ که در همین جا از اهل قلم تقاضا می‌کنم که به این مهم توجه لازم را داشته باشند.

تلاش انجمن قلم در تشویق نویسندگان

دکتر علی اکبر ولایتی رییس انجمن قلم ایران نیز در این مراسم با اشاره به فلسفه شکل‌گیری جایزه قلم زرین گفت: در زمانی که پیشنهاد تاسیس جایزه قلم زرین داده شد، انجمن قلم ایران به لحاظ امکانات و شرایط مادی در وضع مناسبی نبود اما باید به نوعی دین خود را به کسانی که اهل قلم هستند و در عین حال به مبنای اسلامی و ملی پایبند و به انقلاب وفادارند، ادا می‌کرد.

وی افزود: تلاش ما بر این بوده است که این حرکت استمرار داشته باشد و امروز اگر جلسه‌ای برگزار شده و به برگزیده‌های دو سال در سه حوزه شعر، داستان و تحقیق ادبی اختصاص دارد، به این خاطر است که بر هر قیمتی جایزه جشنواره قلم زرین در موعد مقرر اهدا شود.

ولایتی با اشاره به زمان شکل‌گیری انجمن قلم گفت: زمانی که این انجمن شکل گرفت، نویسندگان متعددی پایبند به مبنای انقلاب و اسلام و هویت ملی این آب و خاک، در غربت بودند. قبل از انقلاب کسانی از اهل قلم و ادب تشویق می‌شدند که به لحاظ سیره فکری و خط مشی سیاسی با افراد دلبسته به این آب و خاک متفاوت بودند.

رمان «کوچه صمصام» در سرای اهل قلم و اکاوی شد

صدای پای نقد در کوچه داستان

بلکه بیشترین کاری که او انجام داده است «کشف شخصیت نوجوان» است. اینجاست که نویسنده نیاز دارد از خودش خالی و در شخصیت نوجوان حل شود. به عبارتی حمیدرضا نجفی در کوچه صمصام دست به چنین کاری زده است.»

نعیمی گفت: «داستان با این صحنه شروع می شود که می خواهند تابلوی کوچه صمصام را عوض کنند و این آخر داستان است و بعد اکبر به عنوان راوی داستان را تعریف می کند اما این برگشت خطی نیست و پرش دارد که این پرش ها به صورت طبیعی ساخته شده است.»

این منتقد با اشاره به اجزای رمان کوچه صمصام افزود: «نویسنده از طریق ساختن ذهن و زبان راوی که خیلی سخت ساخته شده است، بازیگوشی های نوجوانانه را ارائه داده است و بنابراین خواندن لذت بخش است. اما نکته دیگر این است که زاویه نگاه نویسنده بر این مسئله است که جنگ چه تاثیری بر کلیت جامعه به خصوص این دو نوجوان داشته و درک این دو نوجوان از جنگ که به کلی متفاوت است درکی کلیشه ای نیست.»

حادثه ای که جریان نمی شود

زری نعیمی گفت: «ما در ادبیات کودک و نوجوان درباره جنگ غالباً با ابر روایت ها روبه رو هستیم اما در کوچه صمصام ما به موارد جزئی نگاه می کنیم و برای همین داستان شیرین و شخصیت ها ملموس و باورپذیر شده است. ما شخصیت های متفاوت را می بینم و در طول کوچه سفر می کنیم به عبارتی ما در داستان یک روایت از جنگ را نمی بینم، بلکه به اندازه هر آدمی بر روایت از جنگ را می بینم.»

نعیمی گفت: «داستان از لایه شعرگونه بیرون آمده و ملموس شده است. ما در کوچه صمصام به همراه نوجوان با انبوهی از شخصیت ها همراه می شویم. با این ترفند ماجرا بیان نمی شود و قصدش تنها همراه شدن و کشف ذهن نوجوان است.» این منتقد ادبیات کودک و نوجوان با حادثه دانستن رمان «کوچه صمصام» گفت: «کوچه صمصام یک حادثه است؛ حادثه ای که متأسفانه تکرار نمی شود که به جریان تبدیل شود.»

علی الله سلیمی هم در ادامه در بررسی این کتاب گفت: «یکی از ویژگی های کتاب این است که داستان از انتها شروع می شود و شاید می شد آن را به شکل های دیگری هم تعریف کرد. در اینجا شخصیت ها آنقدر زیادند که شاید به نوعی شخصیت نوجوان غایب است. در داستان افراد بزرگسال را بیشتر می بینم تا نوجوانان را.»

سلیمی گفت: «داستان علی رغم روایت شیرینی که دارد ولی اتفاق اصلی دیر و گره گشایی به تعویق می افتد.»

حمیدرضا نجفی در توضیح غایب بودن شخصیت نوجوان گفت: «علی اکبر در داستان یکی یکدانه خانواده ای در بافتی فرهنگی است که این مسئله به حاشیه راندن او می انجامد در این محیط تک فرزندی یک اتفاق بد محسوب می شود.»

نعیمی درباره به تعویق افتادن اتفاق اصلی می گوید: «این به تعویق افتادن عیب نویسنده نیست. در کوچه صمصام داستان گفته می شود، اما اصل داستان تعریف نمی شود چراکه اصل، گفتن این ماجرا نبوده، بلکه کشف ذهن و شخصیت او بوده است.»

نعیمی سپس به بررسی وضعیت نویسندگان ادبیات کودک و نوجوان پرداخت و گفت: «مهم ترین مسئله ما این است که در حوزه ادبیات کودک و نوجوان قبل از هر چیزی ابتدا باید نویسنده داشته باشیم. برای مثال افرادی چون حسن بنی عامری و محمدرضا کاتب را داشتیم اما می بینیم که بعد از مدتی بنی عامری حوزه کودک و نوجوان را رها کرده و به دنبال رمان بزرگسال می رود و این همان اتفاقی است که برای نجفی هم رخ می دهد. چراکه آنها در حوزه کودک و نوجوان دیده نمی شوند اما در حوزه بزرگسالان خیلی زود دیده و نقد می شوند.»

نعیمی درباره یکی دیگر از آسیب های ادبیات کودک و نوجوان گفت: «سال هاست که کسانی که برای کودک و نوجوان قصد نوشتن دارند ابتدا در قالب یک بزرگسال فرومی روند و بعد به این ترتیب بین خود و مخاطبانشان ایجاد فاصله می کنند.» زری نعیمی گفت: «این طرز تفکر ما را از وادی ادبیات بیرون می راند و به همین دلیل کتاب ها با استقبال خوبی از سوی مخاطبان روبه رو نمی شوند.»

شخصیت پردازی برای نوجوانان

نعیمی سپس درباره تعریف خود از ادبیات کودک و نوجوان گفت: «تفاوت ادبیات کودک و نوجوان با بزرگسالان فقط در نوع شخصیت است، ادبیات کودک و نوجوان و نویسنده کودک و نوجوان کسی را فضاپردازی و شخصیت پردازی می کند که کودک یا نوجوان است. بنابراین تفاوت ادبیات کودک و نوجوان با بزرگسالان تفاوت شخصیت ها، ماجرای شخصیت ها، زبان شخصیت ها و موقعیت های گوناگونی است که این شخصیت ها دارند و اینجاست که آن فاصله ها از بین می روند.»

زری نعیمی افزود: «برای مثال وقتی نجفی باغ های شنی را نوشته فضای داستانش فضای زندان است و شخصیت های او زندانی ها که هر کدام زبان و شخصیت متفاوتی دارند و زیبایی داستان باغ های شنی به گونه ای است که در داستان حتی زبان دو زندانی با هم شبیه نیست و این مسئله در «کوچه صمصام» هم دیده می شود در حالی که ما در ادبیات کودک و نوجوان چنین وضعیتی را نداریم و همیشه فاصله وجود دارد.»

نعیمی گفت: «البته این مسئله تنها خاص ادبیات ما نیست و حتی با توجه به آثار ترجمه شده خواهیم دید که نویسندگان در قالب بزرگترها فرو می روند.»

این منتقد ادبیات کودک و نوجوان درباره رمان کوچه صمصام گفت: «در کوچه صمصام نویسنده در پی این نیست که خودش را در جایگاهی ببیند که درسی بدهد یا مسیر تحول را برای او بسازد

نویسنده از طریق ساختن

ذهن و زبان راوی که خیلی

سخت ساخته شده است،

بازیگوشی های نوجوانانه

را ارائه داده است و

بنابراین خواندنش

لذت بخش است

سمانه سامانی: اولین نشست از سلسله نشست های «چهل هفته، چهل کتاب» با نقد و بررسی رمان «کوچه صمصام» شانزدهم تیرماه در سرای اهل قلم برگزار شد. این نشست ها که با هدف بررسی و نقد کتاب های حوزه ادبیات پایداری برگزار می شود در اولین نشست خود به بررسی «کوچه صمصام» اثر حمیدرضا نجفی پرداخت که در سال ۸۱ به عنوان کتاب سال حوزه ادبیات کودک و نوجوان برگزیده شد.

در این نشست که با همکاری خانه کتاب و انجمن فرهنگی و هنری پژواک نو برگزار شد، زری نعیمی و علی الله سلیمی با حضور نویسنده اثر به نقد و بررسی آن پرداختند.

نشست بررسی کوچه صمصام یکصد و بیست و یکمین نشستی بود که در سرای اهل قلم برگزار می شد.

فرصتی برای نقد

در ابتدای این نشست علی الله سلیمی درباره اهداف برگزاری نشست های «چهل هفته چهل کتاب» گفت: «در طول یازده دوره انتخاب کتاب سال درباره ادبیات پایداری کمتر فرصت نقد و بررسی فراهم شده است. بنابراین این جلسات با حضور نویسندگان و منتقدان سعی در بررسی و نقد این گونه از آثار دارد.»

سلیمی گفت: «کتاب «کوچه صمصام» هم در سال ۸۱ و در زمان چاپ به خوبی معرفی نشد چراکه در آن زمان نویسنده اثر چندان در میان اهالی حوزه ادبیات شناخته شده نبود اما بعدها، زمانی که کتاب «باغ های شنی» از همین نویسنده منتشر شد از او چهره ای شاخص ساخت بنابراین می توان گفت در حق کتاب اول حمیدرضا نجفی کم لطفی شد.»

علی الله سلیمی در معرفی کتاب به بیان داستان کلی روایت پرداخت و گفت: «کوچه صمصام داستانی است که در هفت فصل نگاشته شده است و سعی دارد سرگذشت نوجوانی به نام علی اکبر را بررسی کند که در زمان جنگ در یکی از محلات مرکزی تهران زندگی می کرده و سعی شده است داستان جنگ از دیدگاه این نوجوان بیان شود.»

سلیمی افزود: «شروع این داستان به صورت دوار بیان شده است اما به صورت خطی ادامه پیدا می کند و تمام ماجرا حول محور تغییر نام کوچه است.» در ادامه نشست حمیدرضا نجفی بخشی از کتاب را خواند و زری نعیمی به بررسی ویژگی های این اثر پرداخت.

وقتی بزرگترها می نویسند

نعیمی در ابتدای سخنانش با اظهار تأسف از این که اثر را دیر خوانده است: «متأسفم که به جای سال ۸۲، سال ۸۷ توانستم این کتاب را پیدا کنم و بخوانم چراکه در سال انتشار، کتاب دیده نشد که یکی از دلایل آن توزیع نامناسب کتاب توسط ناشر بود.»

زری نعیمی درباره دلیل اشتیاقش برای مطالعه «کوچه صمصام» گفت: «دلیل عمده این جست و جوها برای یافتن کتاب این بود که من ۲۰ سال است در حوزه ادبیات کودک و نوجوان فعال هستم و به ندرت شاهد اتفاق داستانی بخصوصی در حوزه رمان و داستان در ادبیات کودک و نوجوان بوده ام به گونه ای که شاید تعداد آنها به سختی به انگشتان دو دست برسد و به همین دلیل سخت دنبال چنین اتفاق هایی هستم.»

وی با اشاره به چگونگی داوری درباره هنر و هنرمندان گفت: «به دو لحاظ می شود هنر و هنرمندان را در عرصه های مختلف تقسیم کرد: اول از زاویه منشأ هنر و دوم در نحوه تعامل آنها با انسان و جهان. ما قصد نداریم هنر و هنرمندان را با تیغ جراحی به دو جبهه تقسیم کنیم یا تقسیم یا با مایی و یا بر مایی انجام دهیم. چون این کار، تقسیم بندی آزادی نیست.»

رحیم پور از غدی با اشاره به اهمیت نفس هنرمند در خلق یک اثر هنری گفت: «فردوسی از نظر خاستگاه اجتماعی و سیاسی تفاوت چندانی با دقیقی نداشته است. دقیقی در ۱۰۰۰ بیت شاهنامه خود، به مضامین سلاطین پایبند بوده اما فردوسی همان مضامین قبل از اسلام با مایه زرتشتی و درباری را با روح اسلامی و شیعی صورت بندی کرده است. پس نفس شاعر و هنرمند خیلی اهمیت دارد.»

وی در پایان به انجمن قلم پیشنهاد کرد که کرسی نظریه پردازی در باب فلسفه اسلام و هنر راه اندازی کند و افزود: یکی از مزایای سازمان های غیر دولتی این است که جدا از تحولاتی که در دولت ها اتفاق می افتد، می توانند در امور ثبات ایجاد کنند تا در هر زمانی بشود روی آنها کار کرد. در این زمینه باید نهضت دهه اول انقلاب در حوزه هنری نیز بررسی شود.»

بیانیه هیات داوران

در بخش پایانی این مراسم و پیش از اهدای جوایز، پدram پاک آیین دبیر پنجمین جشنواره قلم زرین به قرائت بیانیه هیات داوران پرداخت.

در بخشی از این بیانیه آمده بود: گزینش داوران جشنواره قلم زرین به لحاظ تجربه و دانش نظری ایشان در مقوله نقد ادبی صورت گرفت. همچنین کوشش شد تا در هر چهار فرایند سرند نخستین، غربال آثار برتر، گزینش نامزدها و سرانجام انتخاب برترین آثار، شیوه نامه های ارزیابی به تناسب حجم کتاب ها و دقت لازم در هر مرحله تغییر یابد؛ چنان که دو مرحله نخست بارویکرد سلبی و آسیب شناسانه و دو مرحله پایانی با روش تحلیلی و انتقادی همراه بوده است.»

در بخش دیگری از این بیانیه نیز آمده بود: «هیات داوران با وقوف به آن که اقناع نخبگان فرهنگی و ادبی کشور، بایسته ترین شرط جوایز ادبی است، از آغازین روزهای کار خود، اسامی داوران، معیارهای داوری و نیز جزئیات شیوه کار خود را با رسانه های گروهی در میان نهاد تا زمینه برای شفافیت هر چه بیشتر روند داوری ها فراهم آید؛ چنان که اکنون نیز اعلام آمادگی می کند تا با برپایی نشست های نقد و بررسی، دلایل انتخاب آثار برتر را شرح داده و نظرگاه های خود را در قبال آثار بازمانده از انتخاب، بیان کند.»

اهدای جوایز

اهدای جوایز، بخش پایانی این مراسم بود که با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رییس انجمن قلم، رییس سازمان اسناد و کتابخانه ملی و معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد. در بخش داستان کتاب های «قاعده بازی» نوشته فیروز زوزی جلالی و «انجمن مخفی» نوشته احمد شاکری، به عنوان آثار برگزیده در سال ۸۶ معرفی شدند.

در بخش شعر، مجموعه شعر «ترنم داودی سکوت» سروده قربان ولیئی به عنوان اثر برگزیده شعر در سال ۸۵ انتخاب شد و مجموعه شعر «دستور زبان عشق» سروده زنده یاد قیصر امین پور عنوان اثر برگزیده شعر در سال ۸۶ را از آن خود کرد. جایزه مرحوم قیصر امین پور را افشین علاء (شاعر و عضو انجمن قلم ایران) دریافت کرد.

در بخش پژوهش ادبی نیز کتاب «ز این باغ شرقی» نوشته دکتر پروین سلاجقه به عنوان کتاب برگزیده سال ۸۵ انتخاب شد و در بخش پژوهش ادبی «آیین آینه» (سیر تحول نمادپردازی در فرهنگ ایرانی و ادبیات فارسی) نوشته دکتر حسینعلی قبادی، عنوان پژوهش ادبی برگزیده سال ۸۶ را به خود اختصاص داد. وی ۱۱ سال از عمر خود را صرف به سامان رساندن این پژوهش کرده است.



سایر محمدی

«داستایفسکی، آثار و افکار» عنوان کتابی به قلم دکتر کریم مجتهدی است که هفته گذشته از سوی نشر هرمس چاپ و منتشر و با اقبال فراوان علاقه‌مندان به ادبیات به ویژه خوانندگان آثار داستایفسکی مواجه شد. دکتر کریم مجتهدی استاد فلسفه دانشگاه تهران تاکنون آثار متعددی اعم از تالیف و ترجمه در حوزه فلسفه و فیلسوفان کلاسیک غرب منتشر کرده است و تصور جامعه بر این بود که کتاب بعدی او نیز در زمینه فلسفه باشد نه ادبیات. چرا که غالباً در جامعه ایران معاصر اندیشمندان و اهل فلسفه برخلاف اسلاف دیرینشان که علاوه بر وقوف بر حوزه فلسفه و علوم اجتماعی نقشی آشکار و روشن در شکوفایی هنر و ادبیات و فرهنگ ایرانی-اسلامی داشتند، از این دایره امکان بیرون گذاشته‌اند. در فرهنگ غرب اما فیلسوفان بزرگ و برجسته‌ای مانند نیچه، هایدگر و ... همچنان که در عرصه فلسفه درخشیدند، ادبیات را نیز زمینه مناسبی برای تالو اندیشه‌ها و انعکاس دیدگاه‌های خود برگزیدند. دکتر کریم مجتهدی شاید به تاسی از همین سنت فرهنگی به تازگی خوانش خود از آثار نویسنده بزرگ روس داستایفسکی را به بازار عرضه کرد تا مورد ارزیابی و داوری فرهیختگان قرار گیرد. کتاب هفته پای صحبت این نویسنده آثار فلسفی که «درد فلسفه» دارد نشسته تا از چند و چون تالیف «داستایفسکی، آثار و افکار» شما را آگاه کند.

همراه با دکتر کریم مجتهدی و «داستایفسکی، آثار و افکار»

درد فلسفه، درس فلسفه



طولانی مدت تأثیر فلسفه در رشد و تعالی جامعه و شکوفایی اندیشه خیلی بیشتر از ادبیات است. شما در کتاب «داستایفسکی ... چه کرده‌اید و چه موضوعاتی را مورد توجه قرار داده‌اید؟» در این کتاب مقدمه‌ای دارم که توجیه می‌کنم چرا داستایفسکی را انتخاب کردم و درباره او و آثارش نوشتم. ضمن این می‌خواهم ایجاد انگیزه کنم تا کتاب خوانده شود. یعنی از ارزش‌های کتاب حرف می‌زنم. مختصری هم به سوابق داستایفسکی‌شناسی در ایران اشاره می‌کنم. اولین کسانی که در ایران آثار این نویسنده را ترجمه کرده‌اند، نام می‌برم. چند جمله‌ای از خانم فاطمه سیاح یکی از اولین منتقدان ادبیات مدرن و استاد ادبیات تطبیقی در ایران آورده‌ام که در نقد آثار داستایفسکی نوشته است. یعنی می‌خواهم بگویم سابقه این امر را از سال‌ها پیش داریم، از اولین کتاب‌هایی که در ایران از داستایفسکی ترجمه شده و از خلاصه زندگی‌نامه‌ای که در هندوستان منتشر شده، گفته‌ام. به خصوص تأکید کرده‌ام از سانچا که داستایفسکی او را دیده یا نه؟ او رنجیده است و جوانی‌اش را در زندان بوده آن هم به ناحق و وقتی که دارند می‌برند که آنها را بکشند، درست در لحظه آخر آنها را بخشیدند. دوره سخت زندگی‌اش را شرح دادم. در واقع چیزی که در این زندگی‌نامه به آن توجه کرده‌ام، این است که داستایفسکی در عین حال مردی خودساخته است. مهندسی نظامی خوانده بود و فرصتی نشد که به خودسازی بپردازد و وقتی به سن پترزبورگ می‌آید، شروع به خودسازی می‌کند. داستایفسکی زحمت فراوانی می‌کشد تا نویسنده بزرگی شود. اگر استعدادی هم باشد یک استعداد خدادادی نهفته در درون بود که با تلاش و پیگیری به منصف ظهور می‌رسد. بعد فهرست وار اسم کتاب‌ها و تاریخ انتشار آنها را می‌گویم و در فصل بعدی به قهرمان‌ها و آثارش می‌پردازم تا خلاصه‌ای از پنج رمان اصلی و

آقای مجتهدی! اخیراً کتابی تحت عنوان «داستایفسکی آثار و افکار» به قلم شما منتشر شده که باعث حیرت مخاطبان شده است. چون نام شما را همیشه روی جلد کتاب‌های فلسفی می‌دیدیم.

واقعیت این است که تالیف و چاپ این کتاب سرنوشت خاصی دارد. این کتاب، جزو آن دسته از کتاب‌هایی است که با برنامه ریزی قبلی تالیف نشده و من قصد انتشار چنین کتابی را نداشتم. مدیر یکی از موسسات انتشاراتی نزد من آمد و با اصرار می‌خواست از من کتاب یا رساله‌ای چاپ کند. در جواب گفتم که چیز خاصی که نوشته و آماده برای عرضه به جامعه باشد ندارم ولی یادداشت‌ها و مطالبی دارم که ناتمام است و این دسته از آثار را نام بردم. آقای ساغروی مدیر انتشارات هرمس را از قدیم می‌شناختم، چون گاهی به کلاس‌های من در دانشگاه می‌آمد، بنابراین در مقابل اصرار ایشان که از من خواست، داستایفسکی را کامل کنم و برای چاپ در اختیار ایشان بگذارم، من هم پذیرفتم که آنچه راجع به داستایفسکی نوشته بودم، تکمیل و آماده کنم. شش ماه بعد هم مطالب آماده شد. البته مشکلاتی به لحاظ ویراستاری بود که با ایشان توافق نداشتم. ولی بالاخره این کتاب چاپ و منتشر شد. گویا فروش خوبی هم داشت.

در کشور آلمان فیلسوفانی مثل نیچه و هایدگر به ادبیات هم توجه خاصی داشتند و به آن می‌پرداختند، مثلاً هایدگر اشعار شاعرانی مانند تراکل و هولدرلین و سلان را می‌خواند و نقد و تفسیر می‌نوشت. اما در ایران اهل فلسفه غالباً به ادبیات توجه نمی‌کنند.

این طور که شما می‌گویید نیست. برای این که کار فلسفی با کار ادبی فرق دارد. در فصل پایانی کتاب این سوال را مطرح کردم که آیا داستایفسکی را می‌توان فیلسوف دانست؟ جواب من به این سوال منفی است. گفتم اگر داستایفسکی را فیلسوف بدانیم، ارزش کار ادبی او را پایین آورده‌ایم.

داستایفسکی یک رمان‌نویس در سطح عالی است. شاید اگر ده رمان نویس بزرگ جهان را بخواهیم نام ببریم، یکی از آنها او باشد. حتی شاید بتوان او را یکی از پنج رمان‌نویس بزرگ جهان قلمداد کرد. ولی اگر داستایفسکی را فیلسوف بنامیم، فیلسوف بزرگی نخواهد بود و یک فیلسوف متوسط به شمار خواهد آمد. داستایفسکی اگر داستایفسکی است به لحاظ ارزش‌های ادبی‌اش است. ولی فلسفه به صورت مضاعفش می‌تواند شعر باشد می‌تواند ادبیات باشد، من خودم در دوران جوانی آثار فراوانی اعم از رمان و داستان کوتاه به زبان فرانسوی نوشته‌ام. اتفاقاً برخی از این آثار در همان دوران تحصیل در فرانسه چاپ شده‌اند چون به ادبیات علاقه داشتم. بگذارید واقعیت را به شما بگویم. من فلسفه را بر ادبیات ترجیح می‌دهم. درست است که فلسفه، مقوله‌ای عامه‌پسند نیست و این آثار به دست همه نمی‌رسد و عمومیت پیدا نمی‌کند و تنها قشر نخبگان و افراد معدودی به مطالعه فلسفه می‌پردازند ولی در

هستید.

در این کتاب این مباحث را مطرح کردم که فلسفه نمی‌تواند به معنای عام کلمه در یک اثر ادبی متجلی باشد. پس هر کسی را می‌توان فیلسوف خطاب کرد. برای من فلسفه یک مقوله دانشگاهی و محدود است. محدود می‌شود به اصول و به مقدماتی که در دانشگاه‌ها معنا پیدا می‌کند.

علت این که از بین نویسندگان قرن نوزدهم به سراغ داستایفسکی رفته‌اید چه بود؟

در مقدمه کتاب اشاره کرده‌ام که وقتی در غرب تحصیل می‌کردم دوره جنگ سرد بین دو اردوگاه شرق و غرب بود. تمام غرب سعی می‌کرد وسیله‌ای برای شناخت روح حاکم بر مردم روسیه پیدا کند، در نتیجه داستایفسکی را به عنوان مظهری از شخصیت روسی و انکار روسی و روح حاکم به ملت روسیه انتخاب کرد و به مطالعه و بررسی آثارش پرداخت. یادم هست که در کلاس‌ها کانت می‌خواندیم، دکارت می‌خواندیم، هگل می‌خواندیم. اما در فضای خارج از کلاس درس، دانشجویان راجع به داستایفسکی و آثارش بحث می‌کردند. می‌خواهم این را بگویم که در محیط کلاس فلسفه‌های جدی دکارت، کانت، هوسرل، در بیرون کلاس و در راهروهای دانشگاه سوربن همه داشتند راجع به راسکولینکف و جنایات و مکافات و برادران کارامازوف ... حرف می‌زدند و بحث می‌کردند. خوب من هم در آن فضا حضور داشتم و این بحث‌ها را می‌شنیدم، من به عنوان یک ایرانی در حالی که هنوز آثار داستایفسکی به زبان فارسی ترجمه نشده بود، این حرف‌ها را می‌شنیدم. البته نکته‌ای را باید بگویم. در کلاس‌های فلسفه در فرانسه وقتی درس حکمت عملی در فلسفه اخلاق داشتیم، حتماً داستایفسکی و موضوع آثارش مورد بحث قرار می‌گرفت. سؤالی که مطرح می‌شد مثلاً این بود آیا هدف وسیله را توجیه می‌کند؟ شما یک هدفی دارید. آیا هر وسیله‌ای را می‌توانید برای رسیدن به هدف به کار بگیرید؟ آن گونه که ماکیاوول می‌گوید داستایفسکی در رمان جنایات و مکافات به این موضوع می‌پردازد. راسکولینکف هدف بسیار بزرگ و خوبی دارد. اما برای رسیدن به هدف راهی را انتخاب می‌کند که از او یک جانی می‌سازد.

اگر اجازه بدهید سوال خودم را به شکل دیگری مطرح می‌کنم. چرا شما و دانشجویان سوربن از بین نویسندگان بزرگ روسیه فقط آثار داستایفسکی را می‌خواندید؟ چرا تولستوی نمی‌خواندید؟ چرا نابوکوف و دیگران را نمی‌خواندید؟

البته این هم می‌تواند انگیزه‌ای برای مطالعه آثار داستایفسکی باشد. در این کتاب هم نوشتم که به یک معنا داستایفسکی را می‌توان فیلسوف هم دانست. برای این که در زمانه خودش زندگی می‌کرد و می‌خواست زمانه خودش را در یابد. وی با چند رمان شاخص و برجسته توانست جامعه آن روز روسیه و روح حاکم بر جامعه را با تمام خصوصیات اخلاقی و رفتاری به بهترین نحو منعکس کند. داستایفسکی صاحب فکر بود ولی فیلسوف به معنای اخص کلمه

نگاهی به کتاب «دین در محدوده عقل تنها» نوشته امانوئل کانت

حاکمیت الهی



سام محمودی: کار مهم کانت که مانیفست عصر روشنگری را با محوریت جسارت خود اندیشیدن نوشت و بر ضرورت خودمختاری عقل پای فشرده، نقد خود عقل، یعنی نشان دادن محدودیت‌ها و شرایط امکان فهم و شناخت در حد تجربه بود. مبانی دین در محدوده عقل تنها اما، یعنی وجود خدا، آزادی و جاودانگی روان، در مقام اصل موضوعه عقل عملی و اخلاق قرار گرفتند که از انسان موجودی صاحب وجدان و انتخاب و مسئولیت می‌ساخت و نتیجه نهایی سیستم او بود. گوهر دین، نزد کانت نیز، هرچند نه غیر عقلانی، که فرا-عقلانی و در خود و بنا بر تعریف، تبیین فلسفی-علمی ماهیت‌اش ناممکن، محکم‌ترین پایه عمل و اخلاق بود. باری انتشار برگردانی موفق از دین در محدوده عقل تنها نگارش این یادداشت را ناگزیر کرد.

می‌توان هدف اصلی کانت را انسانی کردن فرهنگ بیان کرد. این موضوع در یک مطالعه تاریخی و با توجه به آنچه که قبل از کانت اتفاق افتاده قابل درک است. ظهور مسیحیت یکی از پدیده‌هایی است که در زمان کانت حدود ۱۷۰۰ سال از آن سپری شده بود. در آن دوران مفهومی به نام تفکر الهی (به معنی سرچشمه گرفتن ارزش‌های زندگی انسان از یک مبدأ الهی) مطرح شد. در اواخر قرن شانزدهم این مطلب مورد شک و تردید قرار گرفت و در آغاز قرن هفدهم بیکن و دکارت آن را مردود اعلام کردند. در فاصله زمانی قریب به ۱۵۰ سال بین دکارت و کانت، مقدمات برنامه کانت فراهم شد. کار کانت تنها گردآوری عناصر فکری ماقبل خود نبود، بلکه عناصری نو را به آنها افزود. برنامه کانت برای اجرای این طرح تاریخی بود. از نظر کانت، نوع انسان حرکتی تاریخی دارد که کانت آن را حرکت از توحش به تمدن می‌نامد. سه عنصر اصلی مدنیت، آزادی، برابری، و استقلال است. انسان به تدریج به مرحله‌ای می‌رسد که این سه مقوله تحقق پیدا می‌کنند. پس می‌توان در یک جمع بندی گفت که از نظر او انسان موجودی است تاریخی. در درون انسان تضاد عواطف و احساسات از سویی و عقل از سوی دیگر حکمرانی می‌کند. کانت این تقابل را تقابل خیر و شر می‌نامد. از دید او بین عنصر فرشتگی و شیطانی انسان تعارض و تقابل وجود دارد. کانت با تأیید این عبارت هابز که انسان‌ها گرگ یکدیگرند وضعیت آغاز تاریخ را، چنین می‌داند و در نهایت با کشاندن جنگ انسان به یک پروسه تاریخی عواطف را مطیع عقل معرفی می‌کند. از نظر اسپینوزا نیز آزادی یعنی همین غلبه عقل. البته این پدیده به دو صورت ایزکتیو و سوپزکتیو رخ می‌دهد. صورت سوپزکتیو آن در تک تک افراد به تدریج با حاکم شدن عقل بر عواطف و نمایان شدن آثار تکامل انسانی، نمودار می‌شود. پس از این بازه فکری نوبت به عقلانیت ایزکتیو می‌رسد.

تحقق عینی عقلانیت ایزکتیو از دیدگاه کانت در وضعیت سیاسی عبارت است از آن که حاکمیت عواطف از بین برود و عقل مسلط شود. حکومت ایده آل از نظر کانت جمهوری است، یعنی حکومتی که در آن آزادی و برابری و استقلال تحقق پیدا کرده است. انسان‌ها در این حکومت تابع قوانین هستند و این یعنی تابعیت مقتضیات ذاتی خود. اینکه انسان‌ها در تاریخ به تدریج آزاد می‌شوند یعنی غلبه تاریخی خیر بر شر و این تحقق اراده الهی است. شاخص حکومت الهی چنان که مونتسکیو گفته بود مسأله تفکیک قوا است. کانت با استفاده از کلام مسیحی برای خدا سه صفت تعیین می‌کند: قداست که تجلیش در قوه مقننه است؛ خالقیت که تجلیش در قوه مجریه است؛ و عدالت که تجسمش قوه قضائیه است. پس دموکراسی در نظرگاه کانت یعنی تحقق حاکمیت الهی. کانت می‌گوید تقدیر الهی معطوف به تحقق چنین حکومتی است. نکته دیگر اینکه همه این مطالب بر مبنای دین شکل می‌گیرند. تقدیرات تاریخی انسان‌ها از نظر او تقدیرات دینی به مثابه زمینه تمدن است.

از دیدگاه دینی، کانت دو مرحله را در این کتاب تعریف کرده است:

۱- دین پرستش: این دین متعلق است به انسان ناقص.

۲- دین عقلانی: در این دین مسأله پرستش منتفی است.

کانت به عنوان یک متفکر غربی بسیار مشتاق به تقسیمات ثلاثی است، اما در این کتاب تقسیمات را به صورت دیگری می‌آورد. مثلاً تاریخ دیانت را به دو بخش تقسیم می‌کند. در یک تقسیم بندی دیگر تحت تأثیر هابز وضعیت انسان را به دو بخش طبیعی و مدنی تقسیم می‌کند. سپس می‌گوید به لحاظ اخلاقی شیوه عملکرد انسان‌ها دو گونه است:

۱- اخلاقی. رفتار اخلاقی بر اساس وجدان است. در این وضعیت انسان به مرحله‌ای از اخلاق رسیده که جز به ادای تکلیف به چیز دیگری نمی‌اندیشد.

۲- حقوقی یا قانونی مرحله نازل‌تری است که فرد مطابق قانون عمل می‌کند اما عملش وجدانی نیست. او با ضرب این دو مرحله در دو مرحله طبیعی و مدنی به این نتیجه می‌رسد که انسان از چهار مرحله عبور می‌کند: طبیعی حقوقی، طبیعی اخلاقی، مدنی حقوقی، و مدنی اخلاقی، که مرحله اخیر مرحله کمال انسانی است.

ترجمه و فهم اصطلاحات کانت مستلزم آشنایی عمیق با پس زمینه وسیع فرهنگی در عصر رنسانس است. علاوه بر این مشکلات، دوری جهان بینی زبان فارسی از جهان بینی زبان آلمانی، نیز مشکل دیگری در راه فهم اصطلاحات فلسفه کانت ایجاد می‌کند. ترجمه آثار کانت حتی به زبان‌های انگلیسی و فرانسه دشوار است تا چه رسد به زبان فارسی. اما برگردان دکتر منوچهر صانعی دره بیدی که چندی پیش از سوی انتشارات نقش و نگار روانه بازار شد تا حدی توانسته بر این مشکلات فائق آید.

دوره خیلی کم می‌خواندم. فلسفه هایدگر را هم کم می‌خواندم. بعدها البته آثار هایدگر را بیشتر مطالعه کردم. این که چرا هایدگر را نمی‌خواندم یا کم می‌خواندم، به این دلیل بود که برای من درک و تحلیل این آثار سخت بود و در سوربن به ما می‌گفتند کسی که زبان آلمانی نمی‌داند، نباید به سراغ این آثار برود. چون اصل این فلسفه‌ها تحلیل لغت هاست و تمام قدرت فوق العاده هایدگر در فلسفه و سنت فلسفه آلمان در این است که فلسفه را از دل تحلیل‌های لغوی زبان آلمانی استخراج می‌کند. مثلاً در فلسفه، هایدگر لغت انگلیسی - فرانسوی نیچر ناتول را می‌گوید، بعد می‌گوید در زبان یونانی به این می‌گویند فوسیکا، فوسیکا که همان فیزیک شده، ناتورال نیست، طبیعت نیست.

مگر در دوران دانشجویی شما، هایدگر اهمیت امروز را نداشت؟

چرا. اهمیت فراوانی داشت. بحث و تحلیل درباره فلسفه هایدگر آغاز شده بود و من هم معلمی داشتم که اخیراً فوت کرد. این معلم وقتی وارد کلاس می‌شد، دانشجویان سراپا نمی‌شناختند. انگار مشهورترین شخصیت اروپا را دیدار می‌کنند. به شکل اعجاب آوری از او تجلیل می‌کردند، در کلاس ایشان حتی جا برای ایستادن نبود. او استاد جوانی بود که ما را به مطالعه فلسفه تهییج می‌کرد و عشق به تامل، عشق به تفکر، عشق به زندگی را در ما ترویج می‌کرد. من که دانشجویی غریبه بودم، ولی حرف‌هایش همه را می‌گرفت. درست مثل یک قهرمان ورزشی که در میان جماعت محبوبیت دارد، این استاد به همین اندازه شاید بیشتر محبوب بود و شنونده داشت.

این استاد در سال‌های اول دانشگاه فعالیت آکادمیک در سطح بالا انجام نمی‌داد. به ما می‌گفتند اگر زبان آلمانی ندانید این مباحث فلسفی را در نمی‌یابید، البته من بعدها کار کردم و یک کتاب هم درباره هایدگر و فلسفه او چاپ کردم که در آن دونس کاتوس و کانت بر حسب نظر هایدگر، تحلیل و معرفی می‌شوند.

می‌دانید که در جامعه ما چند سالی است که هایدگر خوانی رواج فراوانی یافته و به تعبیری هایدگر خوانی مد شده است. کتاب‌های فراوانی هم از هایدگر یا درباره هایدگر اعم از ترجمه و تالیف چاپ و منتشر می‌شود که...

این را باید بگویم که چند سال پیش کتاب‌هایی که از هایدگر ترجمه می‌شد یا آثاری که درباره هایدگر ترجمه یا تالیف می‌شد، وضعیت بهتری داشت اما متأسفانه در حال حاضر آثاری که در این زمینه منتشر می‌شوند، به لحاظ کیفیت نزول پیدا کرده‌اند. الان درباره هایدگر آثار برجسته و شاخص خیلی کم منتشر می‌شود.

متأسفانه هایدگر در ایران رو به افول است و هر کسی با سواد کم و با اطلاعات ناقص درباره هایدگر حرف زده یا مطلب و کتاب نوشته به گونه‌ای که دیگر مطالعه درباره هایدگر چندان جالب توجه نیست. برای این که اظهار نظر‌ها و تحلیل‌هایی که منتشر می‌شوند، جدی و عمیق نیست و به نوعی فضل فروشی و خودنمایی است که هر کس می‌خواهد درباره هایدگر اظهار نظر و اظهار فضل کند.

برخی از مترجمان ادعا می‌کنند که زبان فارسی در انتقال مفاهیم فلسفه غرب نارسایی‌هایی دارد و آنها ناگزیرند از واژگان خارجی استفاده کنند.

این ادعا بوج است. این افراد فلسفه نخوانده‌اند و فلسفه را نمی‌شناسند. مشکل خودشان هستند، مشکل از زبان فارسی نیست. البته که ترجمه متون فلسفی کار مشکلی است، فلسفه آلمانی را نمی‌توان به سادگی به زبان فرانسوی برگرداند. به سادگی به زبان فارسی منتقل کرد. باید تلاش کرد، رنج برد، عرق ریخت تا آن مفاهیم را در زبان فارسی جا بیندازید. متأسفانه برخی از مترجمان فلسفه نخوانده‌اند، طبیعی است کسی که فلسفه نخوانده نمی‌تواند آثار فلسفی غرب را خیلی راحت به زبان فارسی ترجمه کند. ترجمه چنین متونی مشکل است و دانش و توان و خلاقیت لازم دارد.

که یک سیستم فکری بسازد و به ترتیبی فکر را هدایت کند، نبود. یعنی اگر این کار را می‌کرد نویسنده بزرگی نمی‌شد. داستایفسکی تمام قدرتش در این است که در این جزئی‌نگری‌ها و با نحوه تحلیل‌هایش، اسیر قهرمانان و شخصیت‌های آثارش است. داستایفسکی مثل آن شخصیت نمایشنامه پیراندلو است که شخصیت‌های داستان، مولف را تسخیر می‌کنند و او را به سمتی می‌برند که چه بنویسد و چگونه بنویسد؟ می‌دانید که داستایفسکی بیمار بود، بیماری صرع داشت. این تخیلات او را مسحور می‌کرد. خود این موضوع ارزش دارد. برای یک رمان نویس ارزش ویژه‌ای دارد. اما برای یک فیلسوف هیچ ارزشی ندارد. فیلسوف نمی‌تواند در چنین موقعیتی قرار بگیرد و با این رویکرد به نوشتن بپردازد. این برای داستایفسکی یک عظمت است. رمان نویس را نمی‌توان کوچک شمرد. یک رمان نویس در سطح داستایفسکی برای جهانیان ارزش خاصی دارد.

در بین متفکران ایرانی و اهل فلسفه کمتر کسی را سراغ داریم که مثل شما به سراغ ادبیات رفته باشد و راجع به یک نویسنده یا شاعر - چه ایرانی و چه غیر ایرانی - کتابی بنویسد. چرا؟

درست است، ما روی هم رفته در بین اهل فلسفه، افراد علاقه‌مند به ادبیات کمتر سراغ داریم و ممکن است علاقه‌مند به شعر پیدا شود. چون شعر سنت ایرانی است و گاهی می‌بینید که برخی از فلاسفه معاصر ما اشعار از شیخ شبستری یا مولانا و غیره... می‌خوانند و راجع به آن بحث می‌کنند. چون شعر تفکری است که جنبه عرفانی دارد و وقتی یکی از همین آقایان اهل فلسفه درباره ابن عربی کار می‌کند و از شعر مولانا مثال می‌آورد یا راجع به ملاصدرا کار می‌کند، از شعر شبستری مثال می‌آورد. این چیزها در بین اهل فلسفه هست. اما ادبیات یکی - دو قرن اخیر را کمتر می‌خوانند و درباره آن نظر هم نمی‌دهند.

دلیل این امر چیست؟ چرا این گروه از اهل اندیشه با ادبیات معاصر ایران و جهان بیگانه‌اند؟

دلایلش این است که در بین ما و استادان ما، آن اتکا نفس لازم وجود ندارد. الان که صحبت از داستایفسکی می‌شود، خواهید دید که عده‌ای از بین همین متفکران ما هر مثالی که می‌آورند، از داستایفسکی است. فردا که صحبت هولدرلین می‌شود، برمی‌گردند به هولدرلین. کسی که اعتماد به نفس مضاعف داشته باشد و آن شخصیت خودجوش که خودش را باور داشته باشد و بگوید من حرف خودم را با این مثال می‌خواهم بزنم در بین اهل اندیشه خیلی کم است.

شما آثاری را که امثال هایدگر در زمینه ادبیات نوشته‌اند یا نقد و تفسیرهایی که هایدگر بر شعر هولدرلین نوشته است، مطالعه کرده‌اید؟

نحله‌های ادبی دوره‌های خودم را در کشور فرانسه، مطالعه می‌کردم. در آن زمان بیش از هر چیز فلسفه آگزیستانسیالیسم رایج بود، یعنی آثار و اندیشه‌های سارتر. تقریباً همه آثاری که در این زمینه منتشر می‌شدند، خواندم. شاید شما این را نوعی اغراق گویی بدانید، ولی حاضرم، یک یک این آثار را نام ببرم. البته الان به هیچ کدام از این آثار رجوع نمی‌کنم. در آن دوره، در فرانسه به خصوص با آگزیستانسیالیسم نو رمان خوانی جزئی از فلسفه به شمار می‌رفت. ژان پل سارتر و سیمون دوبووار در این مقوله تحلیل دارند و می‌گویند: برای این که فلسفه بتواند وجود را - آگزیستانس را - به صورت انضمامی دریابد و آن را ترویج کند، باید آن را در سطح رمان‌ها مطرح کند. این که تک تک افراد، چگونه زندگی می‌کنند این موقعیت ایلناسیون یکی از طرح‌های اصلی فلسفه آگزیستانسیالیسم بود. در آن دوره ما تحت تأثیر آن محیط، نمایشنامه‌ها و آثار فراوانی در این زمینه می‌خواندیم، ولی الان نمی‌خوانم.

چرا آثاری که هایدگر در زمینه ادبیات داشت، نمی‌خواندید؟

چیزهایی که سارتر درباره ادبیات و در زمینه ادبیات نوشت، خواندم. اما آثار هایدگر را در آن



نظری به نمایشنامه «ایزیس»
اثر توفیق الحکیم

اسطوره‌های خودمانی

«ایزیس» از نمایشنامه‌هایی است که توانسته با پایبند ماندن به نقشه داستانی یک روایت اسطوره‌ای، مضامین و موضوعات اجتماعی را بیان کند. توفیق الحکیم که او را به عنوان نمایشنامه نویسی کلاسیک در مصر می‌شناسند، با استفاده از طرح داستانی اسطوره‌ای مشهور، دیدگاه و رای خود را نسبت به حکومت‌های استعمارگر بیان می‌کند. توفیق الحکیم اگرچه در این نمایشنامه از بار رمزی و فضا‌های مسحورکننده اسطوره‌ای اوزیریس و ایزیس کاسته است، اما توانسته مطابق همان روش و سنتی در نمایشنامه نویسی عمل کند که تراژدی نویسان بزرگی چون سوفوکل می‌کردند؛ چراکه سوفوکل نیز اسطوره‌ها و نقشه داستانی یک روایت اسطوره‌ای را از هومر می‌گرفت و با تاکید بر شخصیتی یا افزودن و کاستن گفت و گو‌هایی، اندیشه خود را در قالب اسطوره‌ای قدیمی بازمی‌گفت. توفیق در نمایشنامه ایزیس به مردمی می‌پردازد که به خاطر ساده‌لوحی فریب حکومت‌رامی‌خوردند. اوزیریس که در اسطوره‌های مصر نماد کشاورزی است در نمایشنامه توفیق به صورت پادشاهی تصویری می‌شود که گرچه طینت پاک و بی‌ریایی دارد اما تمام حواس خود را به کشاورزی و روش‌های آن معطوف داشته‌است. او به دست برادرش تیفون کشته می‌شود. این اتفاقی است که عینا در اسطوره هم رخ می‌دهد؛ اما تیفون حاکمی است که مردم را می‌فریبند، درباره برادرش اوزیریس دروغ‌پراکنی می‌کند و همگان را تحت ظلم و جور خود قرار می‌دهد. ایزیس نیز که در جهان اسطوره‌ای همسر باوفای اوزیریس است در نمایشنامه با حفظ این نقش به شخصیتی بدل می‌شود که در قبال مردم و جامعه احساس مسئولیت می‌کند و در فکر صلاح و رستگاری آنان است. چنانچه می‌بینیم توفیق در نمایشنامه ایزیس، صرف نظر از تغییرات جزئی، هم به دنیای اسطوره و وفادار می‌ماند و هم اندیشه‌های خود را بازمی‌گوید.

از دیگر ویژگی‌های بارز آثار توفیق الحکیم نوع نگاه دینی او به اساطیر است توفیق الحکیم ضمن آن که دیدگاه رایج نسبت به اسطوره‌های یونان را مورد نقد قرار می‌دهد، معتقد است منبعی که این اساطیر از آن سرچشمه گرفته‌اند بیش از آن که با تفسیر امروزی از اساطیر سازگار باشد، با نوع نگاه و افکار دینی در شرق متناسب است. تلاش‌های او برای بازخوانی اسطوره‌های یونان و مصر با نگاه دینی موجب پدید آمدن گونه‌ای در تئاتر عرب شد که آن را با عنوان «درام دینی» می‌شناسیم.

مترجم نمایشنامه ایزیس، عبدالمحمد آیتی در این نمایشنامه تلاش کرده تا زبان کلاسیک توفیق الحکیم را در ترجمه فارسی حفظ کند. زبان این نمایشنامه گرچه زبانی آرکاییک نیست، اما ویژگی‌های زبان واقع‌گرایانه و روزمره را نیز ندارد. از این حیث زبان نمایشنامه حالت بینابینی دارد که با ماهیت نمایشنامه که از یک سو با جهان اسطوره و از دیگر سو با دنیای واقعی در ارتباط است، سنخیت دارد.



عبدالمحمد آیتی با ده‌ها مقاله ارزشمند و انتشار بیش از چهل عنوان کتاب، یکی از پرکارترین مترجمان و محققان کشورمان در حوزه ادبیات عرب و فارسی، تاریخ و فلسفه اسلامی است. او که از سال ۱۳۶۹ به عضویت فرهنگستان زبان و ادب فارسی درآمد در طول بیش از نیم قرن فعالیت فکری و فرهنگی خود آثار بسیاری را از زبان عربی ترجمه کرده است. توفیق الحکیم یکی از بزرگ‌ترین نمایشنامه‌نویسان تاریخ تئاتر مصر است که آیتی بخشی از وقت خود را در سال‌های اخیر به ترجمه نمایشنامه‌های او اختصاص داده است. توفیق الحکیم در مدرسه حقوق قاهره و نیز در دانشگاه سوربن به تحصیل حقوق پرداخت. اما در تمام طول تحصیل و پس از آن هنر نمایش دغدغه اصلی او بود. توفیق پس از تحصیل ابتدا در دادگاه‌های اسکندریه و قاهره در مقام قاضی و پس از آن در وزارت فرهنگ مصر به کار مشغول شد. او در همه مشاغل دولتی به عنوان عنصری ناسازگار شناخته می‌شد، تا آنجا که سرانجام از کار دولتی کناره گرفت. توفیق الحکیم در سال ۱۹۵۶ به نمایندگی مصر در یونسکو منصوب شد. نمایشنامه «ایزیس» از آثار مطرح توفیق چندی پیش با ترجمه استاد آیتی، توسط نشر پژواک کیوان روانه بازار کتاب شد. نمایشنامه‌های «سلطان سرگران»، «پگمالیون» و «شهرزاد» از دیگر آثار توفیق الحکیم با ترجمه عبدالمحمد آیتی در انتظار چاپ به سر می‌برد.

با عبدالمحمد آیتی مترجم نمایشنامه «ایزیس» اثر توفیق الحکیم

عبور از نقاب دموکراسی



آیا می‌توان نسبت به این نمایشنامه تفسیر یا نگاه اسطوره‌ای داشت؟

چنان‌که می‌دانید توفیق الحکیم اسطوره‌های یونان باستان و اسطوره‌های مصر باستان را به خوبی می‌شناخت. او ادبیات قدیم یونان را مطالعه کرده بود و با آثار اورپید شاعر تراژدی سرای یونانی (حدود ۴۸۰ - ۴۰۶ ق م) و سوفوکل، شاعر تراژدی نویس یونانی (حدود ۴۹۲ - ۴۰۶ ق م) آشنا بود و از ادبیات قدیم شرق آثاری چون هزار و یک‌شب، اشعار ابن رومی و ابونواس و از ادبیات غرب به آثار بزرگانی چون شکسپیر، راسین، مترلینگ، ایسن، پیراندلو و کوکتو اشراف داشت. او همه این آثار را مورد مطالعه قرار داده بود و خواندن همین آثار نیز باعث به وجود آمدن تخیلی نیرومند در او شده بود. همان‌طور که اشاره شد او اسطوره‌ها را به نیکی می‌شناخت و همین نمایشنامه مورد بحث نیز یکی از مصادیق شناخت او نسبت به اساطیر است؛ چرا که ایزیس و اوزیریس هر دو از اسطوره‌های مشهور مصر باستان هستند.

از آنجا که این دو اسطوره یعنی اوزیریس و ایزیس دو شخصیت از شخصیت‌های نمایشنامه‌اند، توضیح درباره آنها می‌تواند مفید باشد.

در فرهنگ اساطیری مصر باستان اوزیریس و داستان‌هایی که در مورد او وجود دارد بسیار مشهور است. مطابق روایت اسطوره‌ای اوزیریس که الهه کشاورزی است، در اوایل امر حاکم و سلطان وادی نیل بود. او با ایزیس، الهه مادر ازدواج کرد. اوزیریس پس از آن که مملکت خود را بر قوانین بلند پایه استوار کرد بر آن شد تا در دنیا سیاحت کند و فنون صلح را به نوع بشر بیاموزد. اما در این میان به دست برادرش تیفون به قتل می‌رسد. تیفون بدن برادرش را تکه‌تکه می‌کند و آن را در بیابان می‌پراکند. از آن پس ایزیس همسر اوزیریس اشک‌ریزان به جست‌وجوی شوهر پرداخته و اعضا و جوارح اوزیریس را جمع‌آوری و در یک مکان دفن می‌کند. پس از چندی ایزیس پسری را که از اوزیریس باردار بود به دنیا می‌آورد. او حوریس است که در جوانی به عموی خود و قاتل پدرش می‌تازد و او را شکست می‌دهد.

همان‌طور که می‌بینید، توفیق، روند داستانی این اسطوره را سرمشق خود در نوشتن نمایشنامه ایزیس قرار داده است. او اتفاقات، روابط و شخصیت‌های اسطوره‌ای را به زمان، مکان و موقعیتی دیگر برده و با کمک این اسطوره‌ها مراد و منظور خود را بیان کرده است.

با این وصف نمایشنامه ایزیس بیشتر گرایش سیاسی - اجتماعی دارد.

بله! همین‌طور است و این از آن جانشئات می‌گیرد که خود توفیق الحکیم گرایش‌های سیاسی اجتماعی داشت. او مقالات سیاسی می‌نوشت و با احوال اجتماعی زمان خود درگیر بود. توفیق پس از بازگشت از فرانسه به مطالعه در وضع زندگی دهقانان استثمار شده مصر پرداخت، زبان و عادات و عقایدشان را مطالعه کرد و از ستمی که از حکومت و زمین‌داران تحمل می‌کردند، نیک آگاه شد. توفیق پس از بررسی زندگی مردم استثمار

شده، آثاری از جمله چند نمایشنامه و داستان درباره وضعیت سیاسی اجتماعی زمان خود نوشت. داستان بلند یادداشت‌های روزانه یک بخشدار که آن را در سال ۱۹۳۷ منتشر کرد و مجموعه داستان‌هایی به نام «خاطرات هنر و قضاوت» که در سال ۱۹۵۳ انتشار یافت و همین‌طور نمایشنامه «معامله» که در سال ۱۹۵۷ بر صحنه تئاتر اجرا شد، از آثاری هستند که حاصل مطالعه توفیق الحکیم در اثرات و لطامات استثمار بر زندگی مردم مصر است. نمایشنامه ایزیس هم چنان‌که پیداست علیه ظلم و ستم نوشته شده است.

آیا توفیق الحکیم در همه آثارش گرایش سیاسی - اجتماعی داشت؟

خیر. او در برخی دیگر از آثارش گرایش‌های غیر سیاسی، اجتماعی را دنبال کرده است. توفیق از آنجا که احساس می‌کرد در قاهره بهتر می‌تواند فریاد خود را به گوش مردم برساند تلاش کرد تا به پایتخت منتقل شود. او در این سال‌ها که شغل قضاوت داشت به نمایشنامه‌هایی روی آورد که بیشتر جنبه فلسفی داشتند. نخستین آنها نمایشنامه «اهل الکف» (اصحاب کف) بود. این نمایشنامه که سروصدای زیادی برپا و توجه مردم و مخاطبان را به خود جلب کرد در سال ۱۹۳۳ نوشته شده است.

در نمایشنامه مردم به گونه‌ای تصویر می‌شوند که فریب قدرت را می‌خورند. آیا می‌توان از این امر نتیجه گرفت که توفیق الحکیم نسبت به دموکراسی غرب‌گرا بدبین بوده است؟

البته توفیق همواره نسبت به نظام دموکراسی غربی منتقد بود. او این نوع نظام دموکراسی را دروغین می‌پنداشت. انتقادهای او در روزنامه هابه چاپ می‌رسید یا به صورت نمایشنامه منتشر می‌شد. به جز ایزیس یکی دیگر از نمایشنامه‌های توفیق که به صورت صریح تری نظام دموکراسی دروغین را نقد می‌کرد معضل فرمانروایی بود. توفیق الحکیم معضل فرمانروایی را با الهام از کمادی نویس معروف یونانی آریستوفان (۳۸۸ - ۴۴۸ ق م) نوشت. باید این نکته را هم ذکر کرد که توفیق الحکیم مبارزه حزبی رانمی‌پسندید و مقالات سیاسی او هم جنبه طرفداری از این حزب یا آن حزب را نداشت.

این که آثار توفیق ناظر بر اوضاع اجتماعی زمان خودش بود، باعث نشد که نمایشنامه‌هایش به مصر یا حوزه زبان عربی محدود شوند؟

اگرچه دغدغه اصلی توفیق الحکیم معطوف به احوال اجتماع و زمان و مکان خودش بود، اما از آنجا که مطالعه آثار هنری باعث بهره‌مند شدن او از تخیلی نیرومند شد، نمایشنامه‌ها و دیگر آثار توفیق تا سطوح عالی فرا رفتند و برای خوانندگان دیگر، از حوزه‌های زبانی دیگر جالب و جذاب نمودند به طوری که بسیاری از آثار او به زبان‌های دیگر ترجمه و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت و تاکنون بسیاری از کتاب‌ها و نمایشنامه‌های توفیق الحکیم به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، اسپانیایی، ایتالیایی، آلمانی، سوئدی، روسی، عربی و فارسی ترجمه شده‌اند.



گزارشی از کتاب «مرد مرده» نوشته جانانان رزنبام

حکایت یک کارگردان شورشی



جانانان رزنبام

ژانر وسترن، یکی از ژانرهای با اهمیت سینماست، چنانچه در انتخاب بسیاری از منتقدان جهان، می‌توان دست کم چند فیلم از این ژانر را یافت. فیلم‌های ژانر وسترن در اغلب موارد انتقادی است به آنچه که منتقدان آن را «غرب وحشی» نامیده‌اند. نمونه‌های شاخص این ژانر به نمایش خشنونت لجام‌گسیخته‌ای اختصاص دارد که گاوچران‌های غربی از خود بروز می‌دهند. نمونه‌هایی همچون «این گروه خشن»، «برای یک مشت دلار»، «خوب، بد، زشت» و «ماجرای نیمروز» که اتفاقاً بارها در شبکه‌های مختلف تلویزیونی ایران به نمایش درآمده و نقد و تحلیل شده‌اند، نشان‌دهنده فرهنگ رایج در این آثار است. با این همه بسیاری از منتقدان آثار سینمایی معتقدند که وسترن کلاسیک چند دهه‌ای است که به تاریخ سپرده شده است، هرچند که آنها تاریخ دقیقی بر این ماجرا قائل نیستند. فاصله بین سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۳ از جمله سال‌هایی است که معتقدند مرگ ژانر وسترن کلاسیک در آن روی داده است. پس از این تاریخ نیز آثاری با ساختار وسترن ساخته شده‌اند؛ فیلم‌هایی که گاه آنها را به دلیل ساختار متفاوتشان با وسترن کلاسیک، پسا وسترن نامیده‌اند.

«مرد مرده» که در سال ۱۹۹۶ در آمریکا به نمایش درآمد، یکی از این آثار است. این فیلم جیم جارموش که خیلی زود به اثری کلاسیک بدل شد به طور سیاه و سفید فیلمبرداری شده و ماجرای سفر یک شاعر انگلیسی به آمریکا است. والت ویتمن، نامی آشنا در عرصه ادبیات است که نگاه خود از آمریکای بی قانون را به زیبایی تصویر کرده و جیم جارموش توانسته این نگاه را به شکلی حرفه‌ای سینمایی کند.

نظرات درباره «مرد مرده» که چند بار نیز از شبکه‌های صدا و سیما پخش شده، متفاوت است. چنانچه جانانان رزنبام، منتقد مشهور سینمای جهان، کتابی که به همین نام نوشته آورده که برخی «مرد مرده» را ضد وسترن نامیده‌اند و برخی دیگر آن را اثری غیر جذاب دانسته‌اند. نکته آنجاست که مطابق استانداردهای سینمای هالیوود که آثاری پرتحرک و خالی از اندیشه را طلب می‌کند، «مرد مرده» فیلمی کم ارزش نامیده شده است. منتقدی درباره آن نوشته است: «یک بار داشتم با قطار ویندهوک به سوآکوموند می‌رفتم. سفر دو روز طول کشید و قطار تهویه نداشت. شب‌ها روی نیمکت چرمی سفتی می‌خوابیدم که از سقف آویزان بود. این سفر برای من کوتاه‌تر از سفر آغاز مرد مرده بود.»

جانانان رزنبام کتاب را به هفت فصل تقسیم کرده است. او پس از مقدمه کوتاه کتاب، در فصل اول به سینمای مستقل جیم جارموش پرداخته و از «مرد مرده» به عنوان فیلمی سنت شکن یاد کرده است. او در این کتاب سیر فیلمسازی این کارگردان را از دهه ۱۹۸۰ شرح می‌کند که چگونه به ساختن فیلمی همچون «مرد مرده» انجامیده است. وی همچنین از آشنایی‌اش با این فیلمساز ضد جریان نوشته و سپس در تمام طول کتاب بخش‌هایی از

گفت و گو با او را نقل کرده است. او درباره جارموش می‌نویسد: «این فیلمساز که همیشه پیشنهادهای هالیوود را رد کرده با ایفای نقش در فیلم‌های دوستانی همچون آکس کاکس و رابرت فرانک، به نوعی شهرت هنری جهانی دست یافته و به این ترتیب الگویی برای سینمای مستقل پی‌ریخته است. با این همه فیلم‌های این کارگردان در ابتدا با استقبال هرچند اندک مطبوعات آمریکایی همراه بود. رزنبام در این مورد می‌نویسد: «زمانی که «مرد مرده» در سال ۱۹۹۵ در جشنواره کن به نمایش درآمد مشخص شد که دوران خوش جارموش با نشریات آمریکایی پایان یافته است، هرچند که شهرت جهانی‌اش دست نخورده باقی ماند.»

جارموش با این همه هرگز خود را گرفتار تهیه‌کننده‌های هالیوودی نکرد. او نمی‌خواست کارمند هالیوود باشد. از این رو تمام تلاش خود را برای مستقل ماندن از جریان روز سینمای آمریکا به کار برد. به نوشته جانانان رزنبام که یکی از منتقدان حامی سینمای مستقل به حساب می‌آید، جیم جارموش را می‌توان الگویی برای فیلمسازی مستقل در نظر گرفت؛ الگویی که البته به هیچ وجه مورد علاقه رسانه‌ها نیست. کار به گونه‌ای بوده است که پخش فیلم «مرد مرده» با یک سال تأخیر در آمریکا صورت گرفت که سابقه چندانی در این کشور ندارد و معمولاً آثار سینمایی زودتر از این به نمایش درمی‌آیند. رزنبام در این مورد می‌نویسد: «علت این تأخیر نیز ظاهراً بی‌میلی میراماکس به پخش فیلم بوده چون جارموش نپذیرفته بود که تغییرات مورد نظرشان را اعمال کند.»

وی می‌افزاید: «این فیلم به نوعی هدف حمایت من قرار گرفته بود و حتی می‌توانم بگویم به آزمونی ناخودآگاه تبدیل شده بود که با آن دیگران را می‌سنجیدم. به نشریه آرت فوروم پیشنهاد دادم که با جارموش گفت‌وگویی درباره «مرد مرده» صورت بدهم و آنها پذیرفتند ولی بعداً لغو کردند. وی همچنین از رای‌گیری آن سال نشریه یاد می‌کند که «مرد مرده» را به عنوان بهترین فیلم سال انتخاب کرد و همین موضوع سبب شد که مسئولان نشریه او را به طرز محسوسی جریمه

کنند: «به اشتباه گمان می‌کردم که سردبیران این نشریه پاسخ گستاخانه را چاپ خواهند کرد. اما سه سال گذشت تا دوباره از من دعوت کنند که در نظر سنجی سالانه این نشریه شرکت کنم.»

به نوشته رزنبام، «مرد مرده» را می‌توان فیلمی سنت شکن دانست؛ فیلمی که اشارات مستقیم سیاسی دارد و به نقد جامعه آمریکایی می‌پردازد. او در این مورد می‌نویسد: «می‌خواهم دقت بیشتری به خرج بدهم و اهمیت سیاسی و ایدئولوژیک «مرد مرده» را از دو نظر بررسی کنم. یکی این که نخستین فیلم وسترنی است که فیلمسازی سفید پوست ساخته و بومیان آمریکا را هم به رسمیت می‌شناسد و هم آنها را مورد خطاب قرار می‌دهد. دوم این که چنان تصویر زشتی از سرمایه‌داری سفید پوستان آمریکا ارائه می‌دهد که در فیلم‌های آمریکایی چندان نمونه ندارد.» به اعتقاد این منتقد مطرح سینمایی شاید ظاهراً چنین به نظر برسد که تمایز اول، تفاوتی جزئی و کم اهمیت است، اما این نکته را باید با دقت بیشتری مورد بررسی قرار داد. او در ادامه مصادیق فراوانی از فیلم را ذکر می‌کند که در آنها جارموش به شکستن اسطوره‌های آمریکایی پرداخته است. او در بخشی از این نمونه‌ها، به مسائل نشانه‌شناسانه فیلم می‌پردازد و آنها را با استفاده از آرای تزوتان تودوروف نقد می‌کند. تزوتان تودوروف که دو سال پیش به ایران آمده بود، نسل‌کشی در آمریکا و از بین بردن نشانه‌های بومی در آن را یکی از دلایل اضطراب‌آمیز بودن «مرد مرده» نام برده است. رزنبام برای اثبات حرف‌هایش از منتقدان آمریکایی موافق با جریان می‌نویسد. به عنوان نمونه او از تک‌گالاکر یاد می‌کند که نوشته بود: «هیچ فیلمی را سراغ ندارم که فردی سفید پوست آن را ساخته باشد و در آن زاویه دید آدم سرخ پوست را نشان داده باشد.»

«مرد مرده» توسط محمد شهباز ترجمه شده است که در نخستین جشن کتاب سال سینمایی یکی از برگزیدگان بود. این کتاب در قالب تک‌نگاری فیلم و توسط نشر هرمس منتشر شده است. در فصل‌های دیگر کتاب مطالبی درباره «داستان»، «درباره توتون»، «درباره خشنونت»، «درباره موسیقی»، «درباره وسترن اسیر» و «شهر شهر مرزی» ذکر شده است.

ایرج کریمی، کارگردان سینما کتابخوانی و اقتباس

خانه ایرج کریمی بی‌شبهت به یک کتابخانه هیجان‌انگیز نیست. بخش اعظمی از خانه را کتابخانه عظیمی تشکیل می‌دهد که نشان از انتخاب باسواس آنها دارد و کمتر کتابی پیدا می‌شود که بیننده را در مقابل خود میخکوب نکند. اغلب کتاب‌ها در حوزه مباحث تئوریک فلسفی، هنری و ادبی قرار دارند.

این کارگردان سینما از آن دست کتابخوان‌های جدی است که نه تنها زیاد می‌خواند، بلکه آگاهی نسبت به چگونگی خواندن کتاب‌ها از او شخصیتی مرتب ساخته است به ترتیبی که ذهن او هر موضوعی را در قالب خاص خود موشکافی و تحلیل می‌کند.

ایرج کریمی بر کتابخوانی زیاد و باسواس خود صحنه می‌گذارد. مقوله مستمر کتابخوانی او و این که تنها گستره مطالعه او به کتاب‌ها محدود نمی‌شود و رسانه‌های مختلف را هم دربرمی‌گیرد یادآوری آخرین کتابی که خواننده است را با تامل همراه می‌کند.

نوع کتابخوانی ایرج کریمی به نحوی است که نمی‌توان از تأثیر یا مضمون خاص کتاب‌های

بر او پرسید.

ایرج کریمی درباره آغاز دوران کتابخوانی‌اش می‌گوید: «کیهان بچه‌ها و اطلاعات هفتگی اولین خوانندگی‌هایی بود که از نظرم گذشت و در کنار آن کتاب‌های پلیسی میکی اسپلین هم آمد.»



او با عنوان این که خودش به سراغ کیهان بچه‌ها و اطلاعات هفتگی رفته است اضافه می‌کند: «به‌رحال کسانی بودند که من را به خواندن تشویق کنند ولی فرد مشخصی در این روند موثر نبود که بخوام از او یاد کنم. اما در سن ۱۳-۱۲ سالگی با خواندن آثار داستانی از عالم کتاب‌های پلیسی بیرون آمدم و وارد عرصه جدی کتابخوانی شدم.»

با ایرج کریمی که سال‌ها در عرصه سینما قلم زده و حالا بیشتر با نام یک کارگردان از او یاد می‌شود درباره اقتباس‌های ادبی که در سینما صورت گرفته است صحبت می‌کنیم. او معتقد است که مقوله اقتباس نسبی است که گاه نتایج مثبتی به همراه داشته است مانند نمونه‌هایی چون «دکتر ژیاگو» اما اصولاً اقتباس‌ها، نسبت به نمونه‌های ادبی شان در سطح پایین‌تری قرار می‌گیرند.

کارگردان «باغ‌های کندلوس» درباره این که اساساً به عنوان یک کارگردان با مقوله اقتباس ادبی موافق است یا نه عنوان می‌کند: «مقوله اقتباس یک مقوله نسبی است که نمی‌توان در مورد آن حکم کلی صادر کرد.»



حمید امیدی از انتشارات کیهان می گوید

سیاست، حوزه پر مخاطب

۵۱ عنوان آنها کتاب های سیاسی است. اما چون انتظار مردم از ما چاپ کتاب های سیاسی است و نیز با توجه به استقبال زیادی که از کتاب های سیاسی صورت گرفته و این که این کتاب ها چاپ های متعددی را تجربه کرده اند، بیشتر از سایر عناوین و حوزه ها به چشم آمده اند. در واقع مادر عرصه های متعدد تاریخی، اجتماعی، روان شناسی، فقهی، کودک و نوجوان، حقوقی، علمی، مذهبی، رمان، هنری، شعر، کاریکاتور و... فعالیت های زیادی داشته ایم که با استقبال خوبی هم مواجه شده است، اما در هر حال پرفروش ترین کتاب های ما کتاب های سیاسی اند.

از آنجایی که انتشارات کیهان به همراه روزنامه کیهان (به عنوان یکی از پر مخاطب ترین روزنامه های کشور) در یک ساختار (موسسه کیهان) قرار دارند، رابطه این دو شاخه به چه صورتی است؟

روزنامه کیهان شاخص ترین مجموعه ای است که در موسسه کیهان فعالیت می کند و در کنار آن روزنامه های دیگری همانند کیهان ورزشی، کیهان عربی و کیهان انگلیسی نیز منتشر می شوند. به علاوه این روزنامه ها، نشریات متعدد دیگری نیز منتشر می شوند. انتشارات کیهان جزئی از پیکره بزرگ موسسه کیهان است که به همراه سایر اجزای سیاست واحدی است. ما برخی از آثار را قبل از این که در قالب کتاب منتشر کنیم، در صفحه پاورقی منتشر می کنیم. زیرا این مطالب هر روز در اختیار مردم قرار می گیرد و باز خورد ها و نظرات آنان در قالب نامه، پست الکترونیکی و... در این باره دریافت می شود که در نتیجه این مطالب تکمیل می شود و در نهایت اثر تکمیل شده را در قالب کتاب به مخاطبان عرضه می کنیم. از سوی دیگر برخی از آثاری که در قالب کتاب منتشر می کنیم، در صفحه پاورقی معرفی و عرضه خواهیم کرد. زیرا این کار مخاطبان گسترده روزنامه را با کتاب آشنا می کند.

از فعالیت های کیهان در عرصه های مختلف و انتشار کتاب های متعدد سخن گفتید. با توجه به کارنامه فعال انتشارات کیهان در عرصه های سیاسی و علوم اجتماعی آیا همکاری نویسندگان با شما تنها به صورت انفرادی و تحویل متن کتاب هاست یا شما از وجود شورای نویسندگان و کمیته های نویسندگی هم بهره می برید؟

شورای نویسندگان نداریم. اما شورایی به نام نشر در انتشارات فعالیت می کند که بر روند تهیه، چاپ و انتشار کتاب ها نظارت می کند. به این صورت که اگر نویسنده ای (اعم از مترجم یا مولف) اثر خود را به انتشارات پیشنهاد کند، ما بر اساس محورهای موجود در شورا، اثر او بررسی می کنیم.

به نظر شما فعالیت های انتشارات کیهان با دیگر ناشران حوزه علوم سیاسی از جمله مرکز اسناد انقلاب اسلامی، دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران و... موازی نیست؟

هر یک از این انتشارات سبک و سیاق خاص خود را دارند و فعالیت های خود را بر اساس آن تنظیم می کنند. مثلاً مرکز بررسی اسناد تاریخی کتاب هایی را که منتشر کرده در ارتباط با رجال و اشخاص است و در واقع این مرکز تنها اسناد مربوط به این اشخاص را چاپ و منتشر کرده است. یا به عنوان نمونه بسیاری از کتاب های منتشر شده در مرکز اسناد انقلاب اسلامی به صورت مصاحبه و گفت و گو با اشخاص مختلف است. اما فعالیت های انتشارات کیهان ضمن تکیه بر اسناد و مدارک به تحلیل و بررسی و سیر تطور تاریخی و موضوعی آن اثر نیز می پردازد.



روان شناسی نیز کتاب های متعددی مانند اصول مشاوره گروهی (دکتر نیکتا)، کلیات فلسفه تربیت، دانستی های ضروری روان شناسی و مکاتب کلاسیک روان شناسان بزرگ را چاپ و منتشر کرده ایم. در زمینه شعر نیز چندین دیوان منتشر کرده ایم. به علاوه در حوزه کودک و نوجوان ورودی جدی را آغاز کرده ایم.

این ورود جدی به چه صورتی بروز پیدا کرده است؟ آیا کتاب های خاصی را در دست انتشار دارید؟

البته همان طور که گفتیم ما پیش از این وارد عرصه کودک و نوجوان شده بودیم و از نویسندگان برجسته ای چون مهری ماهوتی، ناصر نادری، امیر حسین فردی، محمد میرکیانی، محمود گلابدره ای، مژگان شیخی، سمیرا اصلا ن پور، محمدعلی دهقانی، منیژه آرمین، مریم صباغ زاده و شماری دیگر از نویسندگان کتاب های متعددی منتشر کرده ایم. هم اکنون نیز غیر از حوزه های سیاسی، علوم اجتماعی و روان شناسی در سایر حوزه ها مثل کودک و نوجوان سعی می کنیم آثاری را چاپ کنیم که دارای برجستگی و اولویت خاصی باشند.

کاری که اخیراً انجام داده ایم حاوی ۱۴ قصه از ۱۴ پیامبر برای گروه سنی ج (پنجم دبستان و اول و دوم راهنمایی) است. نویسندگانی که این داستان ها را نگاشته اند از مشاهیر و مفاخر عرصه کودک و نوجوان هستند؛ مثل محمد رضا سارشار، مژگان شیخی، مصطفی رحمان دوست، خانم مهریه ماهوتی، ناصر نادری، علی آقاغفار، محسن پرویز، محمد ناصری، امیر حسین فردی و حسین فتحی. تصویرگری این مجموعه نیز که بسیار زیبا و دیدنی است به برجسته ترین تصویرگران کشور از جمله سعید رزاقی، خشیایار قاضی زاده، پرویز اقبالی، حمیدرضا رشیدیان، حسین عصمتی، پرویز حاصلی واگذار شده است.

این مجموعه چه زمانی منتشر خواهد شد؟ انشاء الله در تابستان جاری آن را با شمارگان و قیمت مناسب به مخاطبان عرضه خواهیم کرد.

شما در مورد ورود انتشارات کیهان به عرصه اجتماعی و روان شناسی و همچنین کودک و نوجوان صحبت کردید. اما به نظر می رسد که تصور مردم از انتشارات کیهان، یک انتشارات صرفاً سیاسی است و اگر چه در چند حوزه دیگر عناوینی را منتشر کرده است، اما این کتاب ها چندان تخصصی و قابل اتکا نیستند. آیا انتشارات کیهان با این تصور همخوانی دارد؟

انتشارات کیهان از آغاز فعالیت خود بیش از ۳۵۰ عنوان کتاب منتشر کرده است که از مجموع آنها تنها

علاقه مندی و ذوق مخاطبان به کتاب های سیاسی باعث شده که شاخص ترین کتاب های انتشارات کیهان کتاب های سیاسی باشند که در این بین مجموعه کتاب های «نیمه پنهان» بزرگ ترین مجموعه کتاب های سیاسی است که تاکنون ۳۰ جلد از آن چاپ و منتشر شده و چاپ های متعددی از آن روانه بازار شده است. مثلاً کتاب «سایه شوم» طی چند ماه پنج نوبت چاپ را تجربه کرد. این کتاب که پیش از انتشار در صفحه پاورقی روزنامه کیهان منتشر شده بود به موضوع بهائیت می پردازد. همچنین کتاب «شوالیه های ناتوی فرهنگی» در مدت پنج ماه چندین بار تجدید چاپ شد. بسیاری اوقات مشتریان ما در نوبت خرید این کتاب ها قرار می گیرند و ما برای رفع نیاز آنان به مشکل برمی خوریم.

در این حوزه کتاب های متعدد دیگری به چاپ رسیده است. آمریکابدون نقاب، پایان داستان غم انگیز، براندازی سکوت، در سراسیمه سقوط، مدینت ولایی، بازی ترور، مجموعه شش جلدی سرگذشت سه ساله اصلاحات و ضد اصلاحات و بی پرده با هاشمی رفسنجانی از جمله کتاب های پر مخاطب انتشارات کیهان است. به علاوه سه جلد کتاب از پرفسور مولانا منتشر کرده ایم. جهان اسلام و چالش دنیای معاصر، سوره دموکراسی و ما را کجا می برند سه عنوانی است که مقالات پرفسور مولانا را دربر گرفته است.

در موضوعات تاریخی و علوم اجتماعی فعالیت شما به چه صورتی بوده است؟

در زمینه تاریخی نیز فعالیت های خوبی صورت گرفته است که سه کتاب تاریخ عثمانی، مجموعه سه جلدی تاریخ دولت اسلامی در اندلس، تاریخ تمدن و مناسبات تاریخی ایران نمونه های خوب آنها به شمار می روند. در حوزه کتاب های دانشگاهی نیز با موضوع علوم اجتماعی و روان شناسی که نوعاً کتاب های مرجع درسی شناخته می شوند فعالیت های زیادی داریم که به عنوان نمونه به برخی از این کتاب ها اشاره می کنم. کتاب جامعه شناسی روستایی دکتر وثوقی که تاکنون ۱۲ بار تجدید چاپ شده است. جامعه شناسی سیاسی دکتر صبوری، جامعه شناسی شناخت دکتر رضوی، دیدگاه های نوین جامعه شناسی، فرهنگ علوم اجتماعی و دایره المعارف علوم اجتماعی که دو جلدی و تالیف دکتر سروخانی است همچنین یک دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی منتشر کرده ایم که به کوشش دکتر شایان مهر گردآمده و تاکنون به پنج جلد رسیده است و جلد ششم آن نیز در دست چاپ است. تاکنون نیز سه عنوان روش تحقیق در علوم اجتماعی به چاپ رسانده ایم. در حوزه

بسیاری از مخاطبان، انتشارات کیهان را به عنوان انتشاراتی در دل یک موسسه مطبوعاتی می شناسند و انتظار آنها این است که این ناشر کتاب های سیاسی و رسانه ای بیشتری منتشر کند. اما به گفته مدیر انتشارات کیهان تنها ۱۴ درصد از کتاب هایی که این انتشارات منتشر کرده در حیطه علوم سیاسی جای می گیرند و دلیل این توقع، کیفیت بالای کتاب های سیاسی است. انتشارات کیهان را تقریباً همه می شناسند زیرا به فعالیت در حوزه مشخصی بسنده نکرده است و از انتشار دیوان اشعار شاعران مختلف تا کتاب های کودک و نوجوان همه را در دستور کار خود قرار داده است، اما همان طور که حمید امیدی مدیر آن تاکید می کند، انتشارات کیهان برای کیفیت و برجستگی آثار اهمیت ویژه ای قائل است. این انتشارات که تاکنون بیش از ۳۵۰ عنوان کتاب چاپ و منتشر کرده است، ذیل نام موسسه کیهان و در جوار روزنامه کیهان و نشریات متعدد این موسسه فعالیت می کند. به سراغ حمید امیدی مدیر این انتشارات رفته ایم و درباره فعالیت های گوناگون انتشارات متبوعش گفت و گویی انجام داده ایم.

آقای امیدی! انتشارات کیهان از چه سالی و با چه رویکردهایی آغاز به کار کرده است؟

شروع فعالیت انتشارات کیهان به سال ۱۳۶۴ بازمی گردد. در آن سال انتشارات کیهان در مجموعه موسسه کیهان به عنوان یکی از سازمان های فرهنگی آن تاسیس شد و فعالیت های گسترده خود را تاکنون ادامه داده است. رویکرد انتشارات کیهان با توجه به مدیریت های وقت آن، کمی تفاوت داشته است. در اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه هفتاد یعنی تا پیش از آقای مصطفی زمانی، آقای رضا شریعتمداری مدیریت انتشارات را برعهده داشتند. از آنجایی که ایشان خود حقوقدان بودند، انتشار کتاب های حقوقی در زمان مدیریت وی رونق گرفت. در ادامه آقای زمانی، در سال ۱۳۷۳ مدیریت انتشارات را عهده دار شد. او به حوزه ادبیات کودک و نوجوان علاقه بیشتری داشت و اغلب کتاب های منتشر شده انتشارات کیهان در این حوزه محصول سال های مدیریت ایشان است. این روند تا سال ۱۳۷۶ ادامه یافت تا این که این مسئولیت به من واگذار شد. البته قبل از آقای شریعتمداری، آقای عسگری و آقای بشر دانش نیز چندسالی مدیریت انتشارات را برعهده داشته اند. کاری که ما در سال ۱۳۸۰ انجام دادیم این بود که انتشارات کیهان را به صورت یک شرکت به ثبت رساندیم و کلیه ضوابط و قوانین مربوط به شرکت ها را نیز پذیرفتیم. خط مشی فعلی انتشارات کیهان چاپ و نشر کتاب های علوم سیاسی، علوم اجتماعی و روان شناسی (در حوزه دانشگاهی) است و هدف آن نیز در حوزه کتاب های سیاسی و تاریخی، روشنگری نسل جوان و سوم انقلاب با مبانی تاریخی و سیاسی بود و در زمینه کتاب های علوم اجتماعی و روان شناسی، پوشش این دو رشته مهم و اساسی است تا بر مبنای آن دانشمندان و صاحبان قلم آخرین دستاوردهای خود را به جامعه و به ویژه دانشگاه ها عرضه کنند. از آنجایی که واژه کیهان در نام انتشارات وجود دارد نگاه ها به این انتشارات و انتظارات مردم از آن بیشتر متوجه عرصه سیاست است. البته شناخت مانسبت به نظرات مردم بر اساس اطلاعات آماری و نظرسنجی هایی است که از مخاطبان انتشارات کسب می کنیم. بنابراین،



گزارشی از کتاب «رسانه ها و بازنمایی»

ماموریت در غرب



تأثیر رسانه هادر چند دهه اخیر چنان بوده که بسیاری به درستی قرن مارا قرن رسانه نامیده اند. وجود رسانه های گوناگون سبب شده تا اخبار و اطلاعات به سهولت در اختیار مردم قرار گیرد. اما نکته ای که بیش از این مورد توجه قرار گرفته آن است که آیا رسانه ها، همان چیزی را انعکاس می دهند که روی داده یا واقعیت ها را با تغییر منعکس می کنند؟ جواب این پرسش هر چه هست، از اهمیت رسانه حکایت دارد. سید محمد مهدی زاده در کتاب «رسانه ها و بازنمایی» به این مسئله پرداخته و آن را وا کواوی کرده است. به عقیده این پژوهشگر عرصه رسانه، رسانه ها بر شناخت و درک عموم از جهان تأثیر می گذارند، به این معنا که آگاهی و ذهنیت مردم نسبت به جهان بستگی به محتوایی دارد که از رسانه ها دریافت می کنند؛ زیرا رسانه ها واسطه و میانجی بین آگاهی های فردی و ساختارهای گسترده تر اجتماعی و سازنده معنا هستند. وی در مقدمه ای که بر کتاب «رسانه ها و بازنمایی» نوشته، آورده است: «رسانه ها همچون آینه برای انعکاس واقعیت عمل نمی کنند، بلکه بر ساخت اجتماعی واقعیت تأثیر می گذارند. بر این اساس، بازنمایی، ساخت رسانه ای واقعیت است.»



وی سپس به مسئله رسانه و زبان می پردازد و به دریافت جامعه غربی از این مسئله اشاره می کند. به عقیده مهدی زاده، در کشورهای غربی، زبان نه امری شفاف برای انعکاس معنا و واقعیت که سازنده معنا و واقعیت است، به گفته وی «معنا» امری آشکار در واقعیت نیست که در زبان یا رسانه منعکس می شود، بلکه حاصل روابط ساختمند در زبان است؛ به این معنی که پدیده ها دارای معنای ذاتی نیستند بلکه معنا حاصل روابط به ویژه روابط تقابلی است. وی در تشریح این نکته، می افزاید: «سیاهی معنا ندارد مگر آن که در برابر سفیدی قرار گیرد. از همین روست که بازنمایی را باید ساخت رسانه ای و زبانی واقعیت دانست. بازنمایی نه انعکاس و بازتاب معنای پدیده ها در جهان خارج که تولید و ساخت معنا بر اساس چارچوب های مفهومی و گفتمانی است.» به عقیده این پژوهشگر عرصه رسانه از آنجایی که رسانه فراگیرترین نماد تولید، بازتولید و توزیع معرفت و آگاهی در جهان نو به حساب می آید، می توان محتوای آن را منبع قدرتمندی درباره جهان اجتماعی دانست. وی «بازنمایی رسانه ای» را از آن رو دارای اهمیت می داند که شناخت و باور عمومی را شکل

می دهد. او با ذکر این نکته که گفتمان و بازنمایی در کنار محتوای رسانه، سبب اعتلای فرهنگی می شود، نتیجه می گیرد: «بنابر این بازنمایی رسانه ای، معنا سازی خنثی و بی طرف نیست، چراکه هر گونه بازنمایی ریشه در گفتمان و ایدئولوژی ای دارد که از آن منظر بازنمایی صورت می گیرد.» وی گفتمان را نوعی چارچوب و نظام معرفتی عنوان می کند که از طریق زبان اعمال می شود. این پژوهشگر با شرح این نکته که گفتمان، ترکیب دانش و قدرت است، می افزاید: «به عبارتی گفتمان نوعی از دانش و معرفت را تولید می کند که به استقرار و استمرار مناسبات قدرت بینجامد.» وی در ادامه می نویسد: «هر دانشی بر خاسته از مناسبات قدرت و در عین حال گسترش و تثبیت آن مناسبات است، چنان که گفتمان استعماری غرب که مبتنی بر مناسبات قدرت میان غرب و شرق است، نوعی دانش را در قالب شرق شناسی تولید می کند تا شرقی ها و به ویژه مسلمانان را به گونه ای بازنمایی کند و از آنان معنای ای بسازد که در خدمت روابط و مناسبات قدرت مورد نظر خود باشد.»

در ادامه این مقدمه تحلیلی، نویسنده به شرح این نکته می پردازد که غرب چگونه مسلمانان، سیاه پوستان و زنان را با ابزارهای تبلیغاتی خود مورد هدف قرار می دهد. وی از شگردی با عنوان «طبیعی سازی» نام می برد و می نویسد: «طبیعی سازی نه امری طبیعی، که محصول و فراورده ای اجتماعی و فرهنگی است. چنین است که خصوصیات و ویژگی هایی که برای مسلمانان، سیاه پوستان و زنان در رسانه های غرب بر شمرده می شود، ویژگی ها و خصلت های ذاتی و طبیعی فرض می شود که البته این خصلت ها نه طبیعی که طبیعی سازی، یعنی برساخته ای اجتماعی و فرهنگی است.»

او سپس به مفهوم های «خود» و «دیگری» می پردازد که جهان غرب همواره آن را باز تعریف کرده است. به گفته این پژوهشگر علوم رسانه، در تمایز «خود» و «دیگری» با غیر سازی و نسبت دادن ویژگی های منفی به «دیگری»، «خود» به صورت مثبت تعریف می شود. وی هویت و معنای «خود» را امری طبیعی و ذاتی قلمداد نمی کند، بلکه آن را تقابلی آشکار با «دیگری» می داند و می افزاید: «غرب به لحاظ گفتمانی و تاریخی برای اثبات و تعریف خود، شرق شناسی را به لحاظ فرهنگی و سیاسی ساخت و اختراع کرد.»

سید محمد مهدی زاده معتقد است که بر اساس گفتمان استعماری غرب، شرقی ها و به ویژه مسلمان ها همواره به عنوان «دیگر» یا غیر خودی به تصویر کشیده شده اند. وی از برخی سفرنامه ها، داستان سرایی ها و متون ادبی غربی یاد می کند که شرقی ها در آن افرادی تصویر شده اند که باید شناسایی، کشف و سپس کنترل شوند. این پژوهشگر می افزاید: «در برابر، غربی ها متمدن، پیشرفته، مدرن و موجوداتی خردورز معرفی شده و می شوند که رسالت تاریخی تمدن گسترتری را بر دوش دارند.»

امروز به مدد رسانه ها، این گونه بازنمایی های شرق شناسانه بسط و گسترش و پیچیدگی بیشتری یافته است. به گفته مهدی زاده، در کنار ادعای برتری نژادی و قومی، رسانه های غرب همچنین مدعی نوعی برتری جنسیتی نیز هستند. او از گفتمان پدرسالارانه یاد می کند که در آن مردان موجوداتی عقلانی، منطقی، قوی و در مقابل زنان موجوداتی احساسی، عاطفی و ضعیف به تصویر کشیده می شوند: «گفتمان پدرسالاری در غرب، کلیشه هایی از زنان می سازد که نظام تقسیم کار جنسیتی را باز تولید و حفظ کند و در سلسله مراتب قدرت، زنان را در موقعیتی فرودستی و مردان را در موقعیت فرادستی نشانند.»

از سوی دیگر، بر اساس گفتمان نژادپرستی، اقلیت های نژادی و قومی با بر شمردن و لقب گرفتن خصلت های منفی، مرتباً به عقب رانده می شوند. به گفته مهدی زاده، اگر چه تفاوت رنگ پوست امری طبیعی است، اما سفید پوست بودن، به لحاظ فرهنگی و اجتماعی در غرب به گونه ای تعریف می شود که بر اساس آن، سفید پوست انسانی باهوش، عاقل، متمدن و در مقابل سیاه پوست انسانی کند ذهن، خشن و عقب مانده معرفی می شود.»

کتاب «رسانه و بازنمایی» در چهار فصل نوشته شده است. در فصل اول نویسنده به تعریف واژه می پردازد و ارتباط آن با مصادیق همچون زبان، گفتمان، ایدئولوژی و قدرت را بررسی می کند. وی در فصل دوم به مسئله «گفتمان استعماری غرب: سیاست بازنمایی شرق» می پردازد که در ذیل آن مسئله «بازنمایی اسلام و مسلمانان در رسانه ها» مورد بررسی قرار می گیرد. فصل سوم کتاب به مسئله «گفتمان پدرسالاری، بازنمایی جنسیت» اختصاص دارد و بخش چهارم مسئله نژادپرستی و بازتاب آن در رسانه ها را محور اصلی بحث قرار می دهد. کتاب «رسانه ها و بازنمایی» توسط دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها منتشر شده است.

با خبرنگاران کتاب

سارا برومند

حق التحریر وقتی کار از کار گذشته!

جواد ماه زاده از آن دست خبرنگارانی است که به گفته خودش تجربه های حرفه ای اش را جدی نمی گیرد و لحظات هیجان انگیز آن را به خاطر نمی سپارد.

او هر چند فارغ التحصیل رشته تئاتر است اما به حوزه فرهنگی و به ویژه کتاب می پردازد. ماه زاده این روزها با خبرگزاری مهر همکاری می کند.

اولین کتابی که خواندید؟

کتاب های درسی.

مهم ترین شباهت میان کتاب ها و آدم ها؟

شباهتی ندارند بیشتر مکمل هم هستند.

زمانی که به کتاب خواندن اختصاص می دهید؟

حداقل یک ساعت در روز.

درباره کتاب های عامه پسند چه فکر می کنید؟

بخشی از ادبیات ما را تشکیل می دهند.

تا به حال تحت تأثیر شهرت یک نویسنده، کتاب خریده اید؟

سال دوم هنرستان بادیکن نام و عکس کوروساوا کتابی خریدم.

نویسنده گمنامی که با مصاحبه شما به شهرت رسیده باشد؟

چنین تجربه ای نداشته ام.

اولین بار که با یک نویسنده دیدار کردید؟

محمد محمدعلی.

زیباترین نام کتاب؟

صد سال تنهایی.



بهترین جمله از کتاب هایی که خوانده اید؟

سلامت را نمی خواهند پاسخ گفت.

زیباترین طرح جلدی که دیده اید؟

طرح جلد کتاب «کافکا در ساحل».

کتاب های جزیره تنهایی؟

«جسد های شیشه ای»، «حافظ»، «آلبوم

خاطرات» و «هانس هرلین».

کتابدار ایده آل؟

خودم.

گرانیهاترین کتابی که خریده اید؟

«خواب آشفته نقت» محمدعلی موحد بایست

هزار تومان قیمت.

سرعت کتابخوانی؟

بستگی به موضوع دارد.

بهترین نقدی که خوانده اید؟

نقد های فتح الله بی نیاز.

توصیف کتاب های جیبی در یک جمله.

برای آغاز کتابخوانی موثرند.

لحظه دریافت حق التحریر؟

زمانی که کار از کار گذشته.

زیباترین علامت نگارش؟

علامت سوال.

اگر با خودتان مصاحبه کنید اولین سؤالاتان چیست؟

شرح حال خودتان را بیان کنید.



نگاهی به مجموعه داستان «سی امین حکایت سیتا»

قصه تجربی

داستان نویسی همواره دو مسیر را در جهان دنبال می‌کند. همچنان که این مسیر دوگانه را می‌توان در علوم نیز دنبال کرد. مسیر اصلی و بدنه جریان به داستان‌هایی اختصاص دارد که مخاطب‌های وسیع‌تر دارند و از شکل‌های کلاسیک و کار شده ادبیات سود می‌جویند. اما در مسیر دوم ما با داستان‌هایی روبه‌رویم که قصد نوآوری در ادبیات را دارند. این داستان‌ها، به همین دلیل شگردها و فرم‌های تازه‌ای را به خدمت می‌گیرند که اغلب برای مخاطب آشنا نیستند. آنها چنان چه یک شیمیدان، یک نظریه‌پرداز یا به‌بوته آزمایش می‌گذارد، ساختار و نگاهی نو را تجربه می‌کنند. اما تفاوت‌هایی که میان علوم انسانی (از جمله ادبیات داستانی) و علوم طبیعی وجود دارد، سبب آن است که آثار تجربی ادبیات در دسترس همگان قرار گیرد. نویسندگان، منتقدان و کارشناسان ادبی با راهگشایی این ترندهای ادبی، آنها را نظام‌مند می‌کنند و آنگاه داستان‌نویسان جریان اول از این قوانین در داستان‌های خود سود می‌جویند.

مجموعه داستان «سی امین حکایت سیتا» که توسط رضا مختاری نوشته شده را می‌توان در دسته دوم جریان داستان قرار داد. نویسنده در هفت داستانی که در این مجموعه نه چندان قطور منتشر شده، به تجربه‌های تازه‌ای در عرصه ادبیات داستانی دست یافته است. یکی از شیوه‌ها، بهره‌برداری از فرم روایت حقه‌های عامیانه در داستان است. هر چند که پیش از این نیز از این شگرد در داستان‌های کوتاه استفاده شده، اما هنوز استفاده از این فرم، بیش از استفاده آن در بدنه داستان نویسی ایران است. رضا مختاری این کاربرد را چه در شکل ظاهری و چه در شکل درونی آن به کار می‌برد: این داستان را روح الله مفیدی می‌نویسد، مردی کاملاً زنده و کلاسی و حاضر برای پاسخگویی به هر ادعایی. در دل یک تابستان گرم روح الله مفیدی با مراجعه به یک چشم‌پزشک متوجه می‌شود سوی چشم‌هایش کم شده و به زودی در اثر بیماری اچ.ام.سی. وی قرینه، از دیدن خیلی چیزها محروم خواهد شد. هر چند او در این سطرها، فرم روایی قصه‌های عامیانه را به شیوه‌ای دیگرگونه استفاده کرد. اما می‌توان طنین «جانم برایتان بگویم» را به لای این سطرها شنید. اسطوره درونی را نیز می‌توان در کارها مشاهده کرد. به عنوان نمونه در قصه «یک نفر آن دورها می‌دود» این شگرد به خوبی به کار رفته است: گذشت و گذشت تا مساله این آقای که شما می‌گویید پیش آمد. استوار به ما گفت شما باید این بابا را ببری شمال، کنار دریا. تو هم حالا برو ماموریت، برو گیلان»

استفاده و تاکید رضا مختاری بر نقش زبان، یکی از مواردی است که نشان‌دهنده سبک ویژه نویسنده است: «در سطرهای بالا آمده بود که تا سر کوچه سکوت بود. بعد از آن هم سکوت بود؟ چه صدایی بود؟»

تغییر روای داستان‌ها، شکستن روایت‌های تودرتو، لحن و نثرهای متفاوت و استعاره‌زبانی از دیگر مسائلی است که رضا مختاری در کارش مورد استفاده قرار داده است.

«سی امین حکایت سیتا» توسط نشر چشمه و در شمارگان ۱۲۰۰ نسخه منتشر شده است.



بارضا مختاری، نویسنده مجموعه داستان «سی امین حکایت سیتا»

طرح نویسنده بر بوم داستان



دارند، وجودش را مدیون ساختار منسجم خود است. او در این مورد می‌گوید: «حضور نقاش بر این بوم، کنترل کردن آن سیبی است که به‌طور عینی وارد کار می‌شود. در اینجا مال خود کردن سبب به وسیله کشیدن و خلق آن حاصل نمی‌شود، بلکه شکل عینی آن وارد کار می‌شود.»

یکی از دیگر نکاتی که نویسنده «سی امین حکایت سیتا» در داستان‌هایش آن را مورد توجه قرار داده، آوردن اسم‌های واقعی در کارش است. او درباره کارکرد روایی این نکته می‌گوید: یکی از نکاتی که همواره مورد توجه من بوده، توجه به خرده‌ریزها و مسائل کوچک است. از طرفی من دغدغه واقعیت دارم و از ترکیب این دو، این علاقه در من شکل می‌گیرد چون من شیفته دخالت و بازی با واقعیت هستم، یعنی گاهی در عین آن‌که واقعیت‌های موجود را در داستان مورد توجه قرار می‌دهم، شوخی‌هایی نیز با آن انجام می‌دهم تا جنبه واقعی بودنش کمی لوث شود. وی آوردن اسم‌های واقعی در دل قصه را نیز در این راستا ارزیابی می‌کند و آن را آدای واقعیت در آوردن عنوان می‌کند و معتقد است که این نکته می‌تواند به داستانی شدن روایت بیشتر کمک کند.

رضا مختاری داستان‌های خود تا پیش از سال ۱۳۸۰ را در مجموعه «سی امین حکایت سیتا» جمع‌آوری کرده است. او داستان‌هایش را ویرایش و بازنویسی نمی‌کند و آنها را به همان صورتی که در برداشت اول نوشته شده‌اند، باقی می‌گذارد. وی در این مورد می‌گوید: «من معمولاً مدت زیادی به یک داستان فکر می‌کنم، اما وقتی آن را می‌نویسم، دیگر بازنویسی‌اش نمی‌کنم و تقریباً هیچ‌کدام از کارهای کتاب اخیرم، بازنویسی نشده‌اند. وی می‌افزاید: «برخی کارهایشان را بازنویسی می‌کنند. نمی‌دانم این نکته تا چه اندازه درست است، اما کمتر پیش می‌آید که من کاری را دوباره بنویسم.»

بیان واقعیتی به کار می‌رفت که پیش رویش قرارداد است، این بار دوربین نیز وارد روایت شده است. او با تعبیر قرار گرفتن فیلم و پشت‌صحنه آن در کنار یکدیگر موافق است و آن را تعبیر درستی برای این نوع و شگرد روایی عنوان می‌کند. نویسنده کتاب «سی امین حکایت سیتا» گسترش روایت به این حواشی را یکی از علائق خود عنوان می‌کند و بر این باور است که پوسته‌ای که ما همواره شخصیت‌های قصه را از پشت آن دیده‌ایم دارای اهمیت است و باید به آن نیز توجه کرد.

وی ضمن رد تاثیر از فضای فاصله‌گذارانه برشتی، نگاه خود به این شیوه را بیشتر به لذت خواندن متن و ایجاد چندصدایی در متن معطوف می‌داند. او سرخوشی‌های روایی را دارای اهمیتی ویژه عنوان می‌کند و معتقد است که رویکردش با رویکرد برشت به تمامی متفاوت است. او زبان و لحن داستان‌ها را نیز در ارتباطی تنگاتنگ و دوسویه با این شگرد روایی عنوان می‌کند.

برخی از داستان‌های کتاب همچون «ن و دیواری از چوب و علف کشیده به دور شهر» از نثری ساده بهره می‌برد که یادآور شعر سبک خراسانی است و در برخی دیگر از داستان‌ها، نثری دشوار را به کار می‌گیرد. مختاری درباره این تغییر لحن می‌گوید: «هر داستان طبعاً از اجزا و شخصیت‌های متفاوتی بهره می‌گیرد. همواره خواسته‌ام صداهاراهمان‌گونه که هستند وارد قصه‌ام کنم به گونه‌ای که ماهیت زبانی و روایی آنها حفظ شود. آن‌گاه به گمانم هم‌کناری این صداهای گوناگون، آنها را به تفایلی روایی بدل می‌کند.»

رضا مختاری، نویسنده را میزبانی عنوان می‌کند که در عین شنیدن صداهای گوناگون در یک جشن، آنها را هدایت می‌کند. او معتقد است که روایت صداهای گوناگون باید چنان باشد که انگار خود در داستان حضور دارند. او داستان را شبیه یک کولاژ می‌داند که در عین آن که اشکال مختلف در آن حضور

کسانی که نشریات تخصصی و فصلنامه‌های ادبی را در حوزه ادبیات داستانی دنبال می‌کنند، نام رضا مختاری را بارها به عنوان نویسنده داستان‌های کوتاه و مطالب تئوری مرتبط با این عرصه شنیده‌اند. با این همه او تاکنون کتابی مستقل در این حوزه عرضه نکرده بود و نامش بیشتر در کتاب‌های گزیده داستان کوتاه و نشریات این حوزه مطرح بود. انتشار مجموعه داستان «سی امین حکایت سیتا» گامی بود تا مختاری حرکت در عرصه انتشار کتاب را از دایره و سواست خارج کند. او مجموعه داستان دیگری را نیز در راه انتشار دارد، هر چند که گفت‌وگوی ما با او درباره تجربه‌هایش در کتاب اول انجام شده است.

نوع و ساختار قصه‌های رضا مختاری مبتنی بر نوعی فاصله‌گذاری است. او مدام در قصه‌ها (به جز قصه برف که اندکی متفاوت) است به خواننده گوشزد می‌کند که در حال خواندن یک داستان است و به قولی خواب قصه‌وار او را می‌پراند تا او غرق روایت نشود. این نکته سبب می‌شود تا مخاطب و خواننده داستان مدام در نقد و بررسی چیزی باشد که می‌خواند. این شیوه روایی، هر چند به گونه‌ای متفاوت، پیش از این در آثار نویسندگانی همچون برتولد برشت نیز وجود داشته است. رضا مختاری در این مورد می‌گوید: «کل مجموعه بر پایه آن چیزی شکل گرفته که ما آن را با عنوان پیشروی هستی‌شناسانه می‌شناسیم. این نکته در سنت تئاتری جهان و در آثار پست مدرنیستی وجود دارد. در این نگاه ما با نوعی حیاط و واقعیت روبه‌رویم که هرگز وارد بازی نمی‌شده و حالا ما این حیاط را نیز جزئی از بازی کرده‌ایم و به گونه‌های مختلفی می‌شود این فضا را تعریف کرد. به گفته مختاری، این شعر به صورت حضور روای در روایت، نمایش اجزای روایت و چند مورد دیگر شکلی عینی در داستان به خود می‌گیرد. وی در توضیح بیشتر می‌گوید: اگر تاکنون نوشتار تنها محلی برای روایت بود و این که فضای داستان منتقل شود، این بار نقشی دیگر را نیز به او می‌افزایم. یعنی اگر دوربین قبلاً صرفاً برای





با مرتضی امیری اسفندقه درباره کتاب «آن شاعر روشن بین»

بوی جوی مولیان



امسال به مناسبت هزار و صد و پنجاهمین سال تولد قافله سالار شعر فارسی، رودکی سمرقندی، مراسم گوناگونی در سطح کشور و حتی در سطح جهان برپا شده است. در کنار این فعالیت های فرهنگی، چند کتاب نیز به مناسبت تولد این شاعر ایرانی منتشر شده و برخی نیز در راه انتشار است. از جمله آثار در دست انتشار می توان به کتاب «آن شاعر روشن بین» اشاره کرد که توسط مرتضی امیری اسفندقه و با حمایت دفتر مطالعات، برنامه ریزی و توسعه کتابخوانی تهیه شده است که زیر نظر معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فعالیت می کند. این کتاب با نگاهی جامع به زندگی رودکی پرداخته است و بسیاری از ناگفته ها و مجهولات زندگی این شاعر بزرگ ایرانی را مطرح کرده و مورد بررسی قرار داده است.

عنوان کتاب برگرفته از شعری از ناصر خسرو است. چنانچه امیری اسفندقه می گوید، در ابتدا قرار بود علیرضا قزوه کتاب مورد بحث را تهیه و تنظیم کند، اما به دلیل پاره ای مشغله ها که این شاعر داشت، کار به من سپرده شد، با این توضیح که ترجمه اشعار رودکی از خط سیریلیک به فارسی توسط قزوه انجام گرفت. امیری اسفندقه در توضیح بیشتر می گوید: «یکی از خصوصیات کتاب شاعر روشن بین آن است که در کنار اشعار رودکی، اشعاری که درباره او سروده شده نیز آمده است. در نتیجه ما در کنار اشعار ایرانیان فارسی زبان، از اشعار تاجیک ها نیز بهره گرفته ایم.» مرتضی امیری اسفندقه، از مقدمه مفصل با شرح و توضیح قابل توجه به عنوان یکی از خصوصیات کتاب یاد کرد و عنوان می کند که در این مقدمه، موقعیت، مقام و منزلت رودکی از حیث دارا بودن لقب «پدر شعر فارسی» مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است. او می افزاید: «سوال اینجا بود که با توجه به شاعرانی که پیش از رودکی به سرایش شعر فارسی اشتغال داشته اند، چرا وی این نام و عنوان را بر خود دارد که در کتاب به تفصیل در این مورد سخن گفته شده است. وی مسئله نایبایی رودکی را یکی دیگر از محورهای مقدمه عنوان می کند. اسفندقه مسئله را چنین عنوان می کند: «مسئله این بود که این چشم ها نایبنا بوده یا بعدها نایبنا شده است؟ و اگر او بعدها نایبنا شده، آیا این اتفاق به صورت طبیعی روی داده یا اتفاق خاص تاریخی در میان بوده است و به طور کلی بیش از آن که به اثبات مطلب پردازیم به اظهار آن پرداخته ایم. یعنی مستندات گزارش و نقل شده است. در این مقدمه همچنین از احوالات رودکی سخن گفته شده و به این مطلب اشاره می شود که رودکی در حالی که برای ریزش دندان هایش قصیده ای بلند دارا ماهرگز شعری درباره نایبایی اش نسروده یا شعری با این مضمون از او به ما نرسیده است.»

مقایسه شعر فارسی قبل و بعد از رودکی از دیگر محورهای عنوان شده در مقدمه کتاب «شاعر روشن بین» است. این نکته با موضوع مورد بحث در ارتباط است و می تواند پاسخی برای این پرسش باشد که چرا و چگونه رودکی عنوان پدر شعر فارسی را از آن خود کرده است؟ در این بخش از مقدمه، ساختار و فرم شعر فارسی در دوران پیش از رودکی هر چند به صورت کوتاه مورد بحث و تحلیل قرار گرفته و سپس این ساختار با اشعار بعد از او مقایسه شده است. نگاه به رودکی و مقایسه او با نیما یوشیج به عنوان دو

موسس در شعر فارسی از دیگر مسائل مطرح شده در مقدمه مفصل کتاب «شاعر روشن بین» است. به گفته امیری اسفندقه این دویکی در گذشته و دیگری در دوران معاصر تحولات زیادی در شعر فارسی ایجاد کرده اند که نگاه و مقایسه این دو، ظرفیت های هر دو را بیش از پیش به ما نشان خواهد داد.

اشعاری که شاعران درباره رودکی گفته اند، بعد از مقدمه مفصل کتاب آمده است. این شعرها فاصله زمانی رودکی تا حال را در بر می گیرد. مرتضی امیری اسفندقه در توضیح این مطلب می گوید: «یکی از تلاش های ما در کتاب یاد شده آن بود که شعرهای درباره رودکی را به ایران محدود نکنیم و از اشعار سایر پارسی گویان نیز بهره ببریم. در همین راستا اشعار شعرا تاجیک که درباره رودکی است در کتاب گرد آمده است.» در بخش شعرهایی که برای رودکی سروده شده ما شاهد سه فصل هستیم. فصلی از کتاب به شعر شاعران متقدم اختصاص دارد و بخشی از آن به شعر شاعران تاجیک و سومین بخش هم به شعر شاعران معاصر تعلق دارد، با این توضیح که در بخش شاعران متقدم، درباره نوع نگاه آنها و نظراتشان درباره رودکی مقدمه ای کوتاه آمده است و در بخش شعر شاعران تاجیک که با توجه به نوع و قالب تقسیم بندی شده، نوع نگاه این شاعران نقد و بررسی شده است.

در بخش دیگر کتاب که به نوعی پایان بخش آن نیز هست، اشعاری از رودکی آمده است اما بیش از آن به استقبال هایی اختصاص دارد که شاعران از اشعار این شاعر بزرگ پارسی گو داشته اند. مرتضی امیری اسفندقه در پاسخ به این پرسش که در این

بخش چقدر به «تضمین» و «استقبال» توجه شده است، می گوید: «هر چند شعر او بارها مورد تضمین قرار گرفته، اما ما در این بخش از کتاب، شعرهایی را عنوان کرده ایم که شعر رودکی را استقبال کرده اند و جالب اینجاست که بیشتر این استقبال ها نیز از امهات قصاید رودکی بوده است.»

چنانچه امیری اسفندقه می گوید، رودکی را نمی توان به سبک خراسانی محدود کرد. او معتقد است که نشانه های دیگر سبک های شعر فارسی از جمله سبک هندی و عراقی از حیث ظاهر و محتوا در کار این شاعر وجود دارد. وی می افزاید: «یک پدر نمی تواند برای فرزندان ارث نگذارد. آن هم پدر ثروتمندی مثل رودکی که همه آنچه را که باید برای شاعران بعد از خود به جا گذاشته است.» وی از شاعران هم عصر رودکی همچون حنظله بادغیسی و فیروز مشرفی یاد می کند که اتفاقاً شاعران بسیار خوبی بوده، اما در اندازه های رودکی نبوده اند. امیری اسفندقه می افزاید: «آنچه از این شاعران مانده، اشعار خشک، بی روح و غیر خلاقانه نیست اما در برابر رودکی، آنها شاعرانی ضعیف بودند و رودکی معمار نهایی است.»

مرتضی امیری اسفندقه از شاعران و پژوهشگرانی نام می برد که برای به تحقیق پیوستن کتاب «شاعر روشن بین» تلاش فراوان کرده اند. به گفته وی رستم عجمی، فرزند محمدعلی عجمی، یکی از این افراد بود که در مورد اشعار منتسب به شاعر تاجیک کمک های فراوانی انجام داد. کتاب «شاعر روشن بین» به زودی منتشر می شود و می تواند یکی از منابع جامع شناخت این شاعر بزرگ ایرانی باشد.

یادداشت

یوسف داوودی



لزوم توجه به مفاخر فرهنگی در عرصه کتاب

دریچه ای رو به قله ها

در میان تجلیل هایی که از بزرگان فرهنگ و هنرمان برگزار می شود، انتشار کتاب یکی از ماندگارترین آنها به حساب می آید. این کتاب ها می توانند نشان دهنده ارزش ها و ویژگی های کار این مفاخر فرهنگی باشند و از سویی تفکرات آنها را مورد ارزیابی قرار دهد. بررسی اندیشه ها و بازخوانی مجدد آنها می تواند درس های زیادی برای ما داشته باشد و از همین روست که انتشار کتاب، گاه از بسیاری مجالس فرهنگی گامی فراتر می نهد، هر چند که نتیجه بسیاری از مراسم فرهنگی نیز غالباً به یک یا چند کتاب موثر و کارآمد منجر می شود.

یکی از مهم ترین نکاتی که در این آثار مورد توجه قرار می گیرد، بازخوانی اندیشه ها و رفتار بزرگان اندیشه و ادب ماست.

جدا از مسئله شرح و تاویل، گردآوری نقدهایی درباره مفاخر فرهنگی، نوشته هایی که دیگران درباره ایشان نوشته اند و حاشیه هایی که درباره آنها گفته می شود نیز از دیگر مواردی است که به شناخت ما از ایشان کمک می کند.

به عنوان نمونه چه کسی هست که اشعار مولانا را بعد از خواندن کتاب «مجالس سبعه» و یا کتاب «مکاتب» به گونه ای دیگر مورد توجه قرار نداده باشد؟ مولوی در این دو کتاب که یکی به خطبه هایش و دیگر به نامه هایش اختصاص دارد، به نکته هایی می پردازد که توجه به آنها می تواند به درک شعر او کمک کند. به طور حتم شرح این دو کتاب و ارجاع آنها به مسائلی که پیرامون شعر و زندگی مولوی وجود دارد به شناخت بیشتر از او کمک خواهد کرد. نمونه دیگر کتابی است که به تازگی توسط مرتضی امیری اسفندقه تهیه و تالیف شده و وی در آن به زندگی و آثار رودکی پرداخته است. وی در این کتاب شرح داده که چرا این شاعر بلند آوازه ایرانی را پدر شعر فارسی می دانند. او از سویی دیگر، اشعار شاعران تاجیک و ایرانی را درباره رودکی آورده که این نکته نیز به شناخت بیشتر رودکی کمک خواهد کرد، چراکه هر کدام از این شاعران، او را از دریچه نگاه خود مورد توجه قرار داده اند و این بازکننده دریچه های نو به اندیشه های رودکی است. این کتاب که به حمایت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شده، فتح بابی است برای شناخت بیشتر این فخر ادبیات فارسی.

از سوی دیگر، نگاه این گونه به بزرگان ادب فارسی که برگرفته از نگاهی فرهنگی است، خود سبب پیدایی آثاری از این دست خواهد بود. هر کدام از مقاله ها، یادداشت ها، شرح ها و گزارش هایی که از بزرگان ادب فارسی نوشته می شود، می تواند به طرح سوال و نکته درباره ایشان منجر شود که سبب پیدایش آثاری در ادامه این کتاب ها خواهد شد. از همین روست که انتشار آثاری درباره بزرگان و مفاخر ادب فارسی را باید به فال نیک گرفت و آن را گامی موثر در جهت شناخت فرهنگ اصیل و ملی ایران دانست؛ فعالیتی که به طور مسلم به شناخت و خودباوری ما از خویش یاری خواهد رساند.



فصل مهربانی

شعر امروز دستمایه‌های متفاوتی را محمل خود قرار می‌دهد. عاشقانه‌ها و تغزل‌ها، یکی از مواردی است که شاعر امروز به آن می‌پردازد. او در تلاش با انتخاب مضامینی لطیف و در عین حال شاعرانه، مخاطبانی از سطوح مختلف جامعه را با خود همراه کند. البته برخی از شاعران نیز به این مسئله توجه ندارند و با سرودن اشعاری که نمی‌تواند با عموم مخاطبان شعر ارتباط برقرار کند، مسیری جدا را دنبال می‌کنند. محمود معتقدی در کتاب «پاره‌های عاشقی» چنانچه از نامش برمی‌آید، فضایی عاشقانه را محمل آثارش قرار داده است. این شاعر تجربه‌های شاعرانه خود را در قالب تصویرها، استعاره‌ها و بیانی نوستالژیک بیان کرده است. نوشته‌های او همواره با بارقه‌ای از امید همراه است: «رستم / از سایه روشن هوا / بر می‌شود / می‌خواهم / نفسی تازه کنم / در تمامی این شب باران / راستی چقدر / در کشاکش آمدنت / این همه دریاچه‌های بسته / بازو بازتر می‌شود / پرستوهای عاشق شاید / از همین فاصله‌ها می‌آیند.» از سوی دیگر شعرهای معتقدی اغلب با تصاویری ملموس همراهند؛ تصاویری که اغلب از دل طبیعت گرفته شده است. او با نگاهی دیگرگونه به توصیف‌های طبیعت گرایانه، نگاهی استعاری به آنها می‌دهد. به عنوان نمونه او در شعری، از ابر به عنوان پرده آسمان یاد می‌کند و می‌نویسد: «پرده‌های آسمان / به کناری می‌روند / جایی که / به تماشای باد / تو به نجوایی در خود فرو ایستاده‌ای...» از همین روست که مرتباً از مخاطب شعرش می‌خواهد که نگاهی بیشتر و دقیق‌تر به اطرافش داشته باشد. این فراخواندن به نگاه دقیق‌تر، همواره با فعلی امری تحقق می‌یابد، اما شرط لازم و کافی آن، اجرا شدن یک فعل امری نیست. می‌توان این نگاه شاعرانه را در فرم‌های دیگری نیز دید که اجرای آنها توسط معتقدی، مخاطب را به خوان نگاه، دعوت می‌کند: «... نگاه کن / تمام سطرهای کوچک / چگونه / در تو / خلاصه می‌شوند / این کوچکی‌های پر از آفتاب / حس و آوازه‌هایت را / به یاد خواهند داشت.»

زبان محمود معتقدی زبانی ساده و آسان فهم است. او دایره واژگان چندان گسترده‌ای ندارد و این به مخاطبان گسترده‌ای که او در نظر دارد کمک می‌کند تا ساده‌تر با کارش ارتباط برقرار کنند. تکرار واژگانی همچون دریا، ابر، سکوت، پرند و کودکی سبب می‌شود تا نوعی هارمونی در شعرها ایجاد شود. او جهانی را پیش روی ما می‌گذارد که با وجود همه سختی‌هایی که دارد، با لذت‌ها و زیبایی‌های کوچکی همراه است که به خواننده نوید روزهای خوش را می‌دهد. او حس می‌کند که اگر دردی هست، اگر نگاه سردی هست، اگر کسانی هستند که خوب به زندگی نگاه نمی‌کنند، اما می‌توان همچنان زیبایی‌ها را دید و با آنها زیست. این نگاه به زیبایی زندگی پیش از این نیز در آثار شاعرانی همچون سهراب سپهری وجود داشته است. شعر مشهور او «تاشقایق هست زندگی باید کرد» به شیوه‌های گوناگون توسط معتقدی اجرا شده است: «گیاهی سرخ / در چشم‌های تو / شعله می‌کشد / ما به تمام خلوت خویش / دوباره بازی می‌گردیم / تصویرهای بلند عشق / بر دریاچه‌های دوست داشتن است / خاطره سبزی است / بر نیمکتی که فراموش نمی‌شود» و یا «می‌خواهم / بر ایوان‌های تو / بنشینم / تا پرستوهای عاشق / به پروازی دوباره / در آیند / بر عصرهای این همه پاییز / پنجره‌ای به روزهای تو / باز می‌شود / می‌خواهم کنار رویاهای تو / نفسی تازه کنم.»

«پاره‌های عاشقی» توسط نشر ثالث و در شمارگان ۱۱۰۰ نسخه منتشر شده است.



با محمود معتقدی، شاعر مجموعه «پاره‌های عاشقی»

کوتاه اما شاعرانه



محمود معتقدی شاعری است که در طول بیش از چهار دهه فعالیت خود، پنج مجموعه شعر منتشر کرده است که این نشان از وسواس و دقت او نسبت به آثار منتشر شده خود دارد. معتقدی که علاوه بر شاعری، دستی نیز در نقد ادبی دارد، اولین کتابش را تحت عنوان «فصل رویاهای گمشده» منتشر کرد. وی آثاری از جمله «دستی میان پنجره و باران»، «عشق همچنان می‌تازد»، «مثل پاره‌های بامدادی» و «پاره‌های عاشقی» را نیز منتشر کرده است. گفت‌وگوی حاضر درباره آخرین کتاب وی صورت گرفته که به تازگی توسط نشر ثالث منتشر شده است. با آن که معتقدی در فضای شاعرانه موضوع‌های متفاوتی را مد نظر داشته اما اشعار او فضای تغزلی دارد. مجموعه شعر «پاره‌های عاشقی» نیز دارای چنین خصلتی است. شعرهای این کتاب در حال و هوایی عاشقانه سروده شده‌اند. وی در این مورد می‌گوید: «مدتی است که من دو عامل را در شعرهایم مورد توجه قرار می‌دهم. از سویی به کوتاهی آنها توجه دارم و از سویی دیگر فضای عاشقانه بیشتر مورد توجهم بوده است. وی معتقد است که با توجه به گرفتاری‌ها و زمان اندکی که مخاطب امروزی با آن دست به‌گریبان است، شعر بلند نمی‌تواند او را به خود جلب کند. معتقدی در مورد فضای نوستالژیک کارهایش، می‌افزاید: «شعرهای عاشقانه به دلیل بافت و فضای خود راحت‌تر با مخاطب ارتباط برقرار می‌کنند اما آن فضای نوستالژیک که شما به آن اشاره کردید، از پس زمینه‌ای عاطفی برخوردار است که سال‌هاست با من زیسته و حالا خود را در قالب شعرهای عاشقانه به نمایش گذاشته است. کتاب «مثل پاره‌های بامدادی» هم در چنین فضایی شکل گرفته است. در آثار بعدی‌ام نیز با عنوان «پاره‌های دل‌پایسی»، «پاره‌های دوست داشتن و...» با تمی مشابه رو به‌رو خواهید بود.»

محمود معتقدی برخلاف برخی از شاعران معاصر که توجه چندانی به مخاطب ندارند، توجه ویژه‌ای به این مسئله داشته است. او معتقد است که شاعر امروز نمی‌تواند در خلاء حرکت کند. شاعر در جامعه زندگی می‌کند و این سبب می‌شود که او در فضایی تعاملی، رو به سمتی حرکت کند که آثارش خواننده شود. وی در ادامه می‌گوید: «توجه به مخاطب، امری ضروری برای هر نویسنده و شاعر است و اگر این گونه نباشد، آثار روی هم تلبنار می‌شوند و کسی به آنها توجه نخواهد داشت.»

معتقدی دو عامل کوتاهی و تغزل‌وارگی را از عوامل جذب مخاطب شعر معاصر فارسی عنوان می‌کند. او تجربه شخصی را عاملی برای رسیدن به این شناخت معرفی می‌کند و با بیان این نکته که هر شاعر، جدا از هر مسئله‌ای،

یک جست‌وجوگر در زبان است، می‌افزاید: «شاعر برای آن که به تجربه‌های تازه‌ای در عرصه زبان برسد، علاوه بر کار مستمر و جست‌وجو در خود، باید آثار دیگران را نیز به دقت مطالعه کند. این شیوه برخورد با شعر که با حرکت و تحول در نگاه به تم، قالب، فرم، محتوا، بیان و رفتار با زبان همراه است، سبب می‌شود تا شاعر آفاق‌های تازه‌ای را تجربه کند. هر شاعر باید میلی به آینده داشته باشد. به باور این شاعر و منتقد رسیدن به شاخصه‌های علاقه قشر کتابخوان و اهل مطالعه در شعر کار دشواری است، اما می‌توان از راه تجربه در زبان و فرم به آن دست یافت. وی از عواملی

مثل کوتاهی و تغزل‌وارگی به عنوان اتفاق‌های زبانی یاد می‌کند و بر این باور است که کشف آن از مطالعه شعرهای موفق گذشته و حال به دست آمده است. وی می‌افزاید: «مطالعه شعرهای موفق و حتی ناموفق این خوان را پیش روی شاعر می‌گسترده که او به شناختی از خود می‌رسد و همچنین می‌تواند مرتباً خود را از نظر زبان، نگاه و موضوعات شعری ویرایش کند. به گمان من همه این مسائل با ظرافت و در کنار هم اتفاق می‌افتد.»

یکی از وجوهی که می‌تواند به توجه بیشتر مخاطبان منجر شود، قالب‌های شعری است. تجربه اثبات کرده که آثاری با قالب کلاسیک همچون غزل، رباعی و دوبیتی، توجه قشر وسیع‌تری از مردم را معطوف به خود می‌کند، حال آن که شعرهای محمود معتقدی در قالب سپید سروده شده‌اند. وی در این مورد می‌گوید: «همه قالب‌های شعری مخاطب خود را دارند و می‌توانند با طیفی از مردم ارتباط برقرار کنند، هر چند که به دلیل قدمت، قالب‌های کلاسیک بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند. به گفته این شاعر و منتقد،

با توجه به اتفاقاتی که در چند دهه اخیر در حوزه شعر روی داده، شاعر نمی‌تواند خود را محدود به یک قالب و فرم کند.

او معتقد است که فرم‌های مختلف، فرصت‌های گوناگونی را پیش روی شاعر می‌گذارند و او با توجه به محتوا می‌تواند یکی از این فرم‌ها و قالب‌ها را برگزیند. معتقدی می‌افزاید: «طبیعی است که در این ارتباط دوسویه، مخاطب

و نویسنده باید به یک فضای مشترک برسند، چرا که ما معتقدیم نوآوری در حوزه زبان و اندیشه، بازتابی است از وقایعی که در جامعه روی می‌دهد. این امری است تدریجی که باید در زبان و شعر روی دهد. به گفته این شاعر و مترجم، غزل هنوز قالبی کارآمد برای شعر فارسی است و شاعر می‌تواند بسیاری از مسائل را به این زبان و فرم بیان کند. وی سپس به محتوا و نوع نگاه در آثارش اشاره می‌کند و می‌گوید که این نوع نگاه با شعر سپید بهتر قابل بیان بوده است. معتقدی می‌افزاید که غزل امکانات منحصر به فردی دارد، اما نباید با توجه به یک قالب شعری، راه



را بر قالب‌های دیگر ببندیم. وی با اشاره فرم‌های تازه‌تری که در غزل روی داده و از آن با عنوان «غزل نو» یاد می‌شود، می‌افزاید: «آثاری که در این فرم خلق شده‌اند، آثاری درخور و قابل اعتناست. چه این فرم‌ها در قالب کلاسیک تجربه شوند و چه در شعر سپید روی دهند، با مردم ارتباط برقرار خواهند کرد.» محمود معتقدی بر این اعتقاد است که شعر امروز باید خود را با توجه به مقتضیات زمان همراه کند و در آثارش رفتاری مناسب با زبان و فرم داشته باشد. وی از امکانات زبانی به عنوان ابزار و امکانات شاعر یاد می‌کند و می‌افزاید: «گاه ممکن است با اثری مواجه باشیم که شاعر در آن با همه امکاناتی که می‌تواند مورد استفاده قرار دهد، خود را در مواجهه بگذارد. این سبب می‌شود که او نتواند جهان بینی خود را به طور کامل عرضه کند. وی می‌افزاید: «ممکن است کوتاه گفتن کار دشواری باشد، به ویژه آن که شاعر نتواند از ابزار زبانی موجود بهره‌برداری کند و این نکته‌ای است که شعر امروز به شدت به آن نیاز دارد.»

شاعر مجموعه «پاره‌های عاشقی» سپس به استفاده شاعر از زبان روزمره و فرهنگ رایج در جامعه اشاره می‌کند. او معتقد است که همان‌طور که شاعر بر جامعه تاثیر می‌گذارد و عبارات و اصطلاحاتش می‌تواند به دل جامعه رسوب کند، او نیز باید از جامعه خویش تاثیر بگیرد. به باور معتقدی، شاعری می‌تواند موفق باشد که نوآوری‌های زبانی و فرمی خود را بر اساس حرکت مردم جامعه‌اش طرح‌ریزی کند. او می‌افزاید: «کسی که از این قافله عقب بماند، به طور حتم مورد توجه قرار نخواهد گرفت. ذهن شاعر باید همواره با واژه‌های نو و جهان بینی او با زبانی نو همراه باشد. اگر شاعر خود را روزآمد نکند و از جامعه و دیگر شاعران تاثیر نپذیرد، محکوم به درجا زدن است.» معتقدی بهره‌برداری از امکانات و پیشینه فرهنگی را نیز امری بسیار مهم ارزیابی می‌کند و می‌گوید: «ما نباید پیشینه فرهنگی خود را به سادگی فراموش کنیم. نگاه به گذشته و درس گرفتن از آن، راهی است برای حرکت به سوی آینده.»



درباره جهان داستانی ایتالو کالوینو

موشکافی تضادها با ذره بین قصه نویسی

ایتالو کالوینو بیشتر برای رمان های سه گانه اش "بارون درخت نشین"، "ویکت شقه شده"، "شوالیه ناموجود" و همچنین رمان "اگر شبی از شب های زمستان مسافری"، بین کتابخوان های ایرانی شناخته شده است. او نویسنده ای است که در کنار محتوا، همواره به فرم داستانی توجه ویژه ای داشته است. انتخاب قالب قصه و داستان های خیالی از طرف ایتالو کالوینو هرگز با هدف فرار از واقعیت صورت نمی پذیرد. او قالب و فرم داستانی را برای بیگانگی تمثیلی با واقعیت و درک بهتر آن به کار برد تا علاوه بر بیان داستان به مسائلی فراتر نیز بیندیشد. کالوینو در حالی به تعقل و منطق دوران روشنگری توجه می کند که نسبت به محدودیت های آن واقف است و آن را به شدت نقد می کند؛ چرا که عقلانیت در دنیایی به نمایش درمی آید که انسان را به خود پیچیده و در حال له کردن آن است.

تکنیک های روایی که کالوینو به خدمت می گیرد، تاکید دیگری بر این نوع تفکر است؛ استفاده وی از راوی شاهد که در داستان نقشی فرعی دارد، به جای دانای کل یا راوی اول شخص داستانی، اثباتی بر این فاصله گذاری آگاهانه است که یاد آور تلاش این نویسنده برای مشاهده ژرف تر واقعیت از دور است. او این بیان را بدون آنکه با موضوع به چالش بيفتد، انجام می دهد و این سبب می شود که بیان داستانی او، با آن که منتقدانه و در رد فلسفه ابزاری غرب است، نگاهی داستانی و غیر تئوریک پیدا کند.

ویژگی های خاص و منحصر به فرد کالوینو باعث توفیق آثار او خارج از مرزهای ایتالیا است. کالوینو عمیقاً در سنت های مردمی یا قدیمی ترین مسائل موجود در فرهنگ های مختلف ریشه دارد. توانایی قابل توجه او در بیرون آوردن عمیق ترین معانی از دل سنت ها که از گذشته جدا شده و در عوض با شرایط انسانی سر و کار پیدا می کند و هنوز هم به وضوح در کار برجسته او بر افسانه های ایتالیایی نمایان است. از طرف دیگر، کالوینو ادیب است نه فیلسوف یا حتی نظریه پرداز. خود او در این باره می نویسد: "نویسنده ای که می خواهد با موشکافی دقیق شخصیت های خود با فیلسوف رقابت کند در بهترین حالت دچار سردرگمی روزمره ذهن می شود بی آنکه به آن اجازه تنفس در بلندای تفکر را بدهد". با این وجود، کالوینو قادر است از طریق یک کار زیبایی شناختی به انتقال یک مفهوم اخلاقی بپردازد. آثار کالوینو، طبیعی، روان، زیبا و عاری از تصنع است. اما در پس این طبیعی بودن یک طرح زیبایی شناختی دقیق یا به عبارتی یک نظم استوار وجود دارد. در کارهای او اصول زیبایی شناختی روشن و واضحی به چشم می خورند.



ایتالو کالوینو

در درس های هاروارد [در ایران با عنوان "شش یادداشت برای هزاره بعدی" منتشر شده است]، کالوینو به بیان پنج معیار اساسی یا به نوعی معیار کار یک نویسنده می پردازد: "سبکی، چالاکي، درستي (دقت)، مرئی بودن (وضوح) و کثرت (چندگانگی)؛ او همواره سعی داشت این قواعد را با صحت و دقت خاص به کار ببرد. به نظر من ارزش دارد که روی یکی از این قواعد یعنی کثرت یا به تعبیری پیچیدگی کمی تأمل کنیم. اصالت و غنا در آثار کالوینو از کثرت اشیا و نقطه نظرها نشأت می گیرند، از یک کثرت زیبایی شناختی و همچنین فلسفی؛ کالوینو نویسنده پیچیدگی است اما هنر درخشان او این است که این پیچیدگی را با دقت و صحت همراه کرده است.

از انتشار اولین ترجمه های آثار کالوینو به فارسی نزدیک به چهار دهه می گذرد اما اقبال دوستان ادبیات داستانی به او نه تنها کم نشده بلکه روز به روز افزایش یافته است؛ این مساله نشان می دهد که توجه مخاطبان ایرانی به ایتالو کالوینو و آثارش از موج هایی نبوده که سریعاً همه گیر شود و زود هم فرو بنشینند. سبک شوخ طبعانه و قصه گویی غالباً روان و سراسر است کالوینو با ذوق و سلیقه ما ایرانی ها همخوان است و همین موضوع باعث شده که ایتالو کالوینو یکی از خوش اقبال ترین نویسندگان خارجی در ایران باشد و بخش مهمی از آثار او را مترجمان سرشناس به زبان فارسی ترجمه و منتشر کنند.

درباره کالوینو

ایتالو کالوینو نویسنده، خبرنگار، منتقد و نظریه پرداز ایتالیایی است که در سال ۱۹۲۳ به دنیا آمد و فضای انتقادی آثارش او را به مهم ترین داستان

نویس ایتالیا در قرن بیستم مبدل کرده است. تا پنج سالگی رادر کوبا زیست و سپس به ایتالیا رفت در سال ۱۹۴۵ به نهضت مقاومت علیه نازی ها پیوست. ایتالو کالوینو در ۱۹۴۷ با نوشتن پایان نامه ای درباره جوزف کنراد در رشته ادبیات تطبیقی فارغ التحصیل شد. در آن سال ها با ایویوتورینی و ناتالیا گینز بورگ آشنا شد. این دو بعدها در زمره بهترین و نزدیک ترین دوستان کالوینو درآمدند. مرگ ویتورینی که از بهترین مترجمان و رمان نویسندگان ادبیات قرن ۲۰ ایتالیا است و همچنین خالق دو رمان معروف و مهم (گفتگو در سیسیل) و (میخک سرخ) است در سپتامبر ۱۹۶۶ تأثیر ژرفی بر روحیات کالوینو گذاشت. وی در دهه ۱۹۶۰ به زادگاهش کوبا رفت و در سفری کوتاه در هاوانا با رنستو چه گوآرا دیدار کرد. کالوینو از پایان دهه ۶۰ میلادی با حفظ سبک اصلی و طنز خاص خود به ادبیات علمی - تخیلی و فانتاستزی روی آورد داستان های "سفرهای مارکو والود"، "کمدهای کیهانی" و "شهرهای نامرئی" را نوشت. این نویسنده در طول حیات ادبی خود در ژانرهای گوناگونی قلم زده است و داستان کوتاه، رمان، مقاله و رساله علمی و ادبی نوشته و تحقیقات فراوانی کرده است. مشخصه بارز نوشته های او از هر سنجی که باشد، کالوینویی بودن آنهاست چرا که سبک و سیاق خاص او در تمامی آثارش به چشم می خورد.

کالوینو نویسنده ای مبدع و نوآور است. تسلط او در جمع مباحث علمی و جذابیت داستان نویسی راه ها و شیوه های نوینی در چشم انداز ادبیات معاصر جهان خلق کرده است. کالوینو در سال ۱۹۸۵ در ایتالیا درگذشت.

شهری بزرگ دارم تا شهرستان آبا و اجدادی ام. برای مدتی بین انتخاب تورین و میلان دو دل بودم. بی شک انتخاب تورین دلایل خاص خودش را داشت و بی نتیجه هم نبود، اگر چه الان هم دلایل و هم نتایج را فراموش کرده ام پیش از آن دست به قلم شده بودم. خیلی آسان کارهایم منتشر شد و خیلی زود طرفداران و همدلانی پیدا کردم. ولی این مربوط به پیش از زمانی بود که متوجه شدم و خودم را متقاعد کردم که این فقط از روی یک خوش اقبالی بوده است... از آنجا که در یک انتشاراتی کار می کردم، بیشتر وقتم را با کتاب های دیگران می گذراندم تا با کتاب های خودم. پشیمان نیستم؛ آنچه که برای زندگی دسته جمعی به شیوه ای متمدانه مفید است، استفاده بهینه از انرژی است. این سطور، پاره هایی از زندگی نامه خودنوشت ایتالو کالوینو بود که "فرناز حائری" آن را ترجمه کرده است.

یادداشت

سجاد صاحبان زند



انحراف قطار مدرنیته



ایتالو کالوینو یک نویسنده پست مدرن است، البته نه به آن معنا که برخی می پندارند. او برخلاف بسیاری از نویسندگان وطنی که این شیوه ادبی را در نوشتار مبهم، ناجذاب و مغشوش می جویند، داستان هایی جذاب، منتقدانه و در عین حال متکی به سنت های ادبی رادر چارچوب پست مدرنیسم به نگارش در آورد که می تواند الگویی مناسب برای این نوع ادبی به شمار آید. البته پیش از آن که برخی از دوستان به این نکته خرده بگیرند که پست مدرنیسم ادبی را نمی توان یک نوع ژانر به حساب آورد، باید این نکته را شرح دهیم که این آرا بر اساس آن چیزهایی شکل گرفته اند که ژانر فرانسوا لیوتار و چارلز جنکس در کتاب هایشان به آن پرداخته اند و آنها را از شاخصه های پست مدرنیسم بر شمرده اند و نکته بعدی آن که نگارنده از تفاوت های پست مدرنیته و پست مدرنیسم آگاه است، اما نیازی نمی بیند در یک یادداشت کوتاه تا این حد جزئی به مسئله بپردازد.

ایتالو کالوینو یکی از نویسندگانی بود که همواره در نقد دنیای مدرن می نوشت. او اعتقاد داشت که انسان غربی، از عقل ابزاری به عنوان تهدیدی برای جامعه اش و بشریت بهره می برد و از این رو، تکنولوژی به دشمن بشریت بدل شده است. کالوینو در همین کتاب «سوداگری ساخت و ساز» به مسئله خانه و مسکن در دنیای مدرن می پردازد. او با توصیف هایی که در دل قصه می آورد به خوبی نشان می دهد که «خانه های قوطی کبریتی»، منظم و خالی از روح دنیای مدرن تا چه اندازه با روح بشری در تناقض است. داستان بافضایی متناقض شروع می شود. مردی سوار قطار و در حال خواندن کتاب است. قطار به عنوان نمادی از مدرنیته، مرد را در دنیای واقعی حرکت می دهد و کتاب قطار ذهنی او است که به دنیای خیالاتش می برد. حال او منظره اطراف را به شکل حصار شهر، درخت انجیر، قرقره چاه، نزار و صخره رو به دریا می بیند. این تصاویر سرشار از تناقضی درونی با همدیگرند، چنانچه حصار شهر با درخت انجیر نمی خواند و حرکت حسن قطار با حرکت ذهنی کتاب، همخوان نیست.

کالوینو در قصه ای که بسیار ساده و روان پیش می رود و تنها وجه پست مدرنیستی آن تنها نقد پست مدرنیسم و رجوع به سنت های ادبی پیشامدرن است، بی آن که متنی تئوریک و غیر داستانی را خلق کند به اهدافش می اندیشد: «ما هر بار چیزی مزاحم لذت بردن از کار همیشگی اش می شد و او را به خطوط کتاب بازی می گرداند. مزاحمی بود که خودش هم نمی دانست چیست. آری مقصد این خانه ها بودند. تمام این ساخت و سازهای جدید سر به فلک کشیده، این بلوک های تخت مسکونی هفت هشت طبقه ای که... نمونه هایی از این دست در کارهای کالوینو و از جمله همین کتاب «سوداگری در ساخت و ساز» بسیاریند و که شاهدهی بر ادعای نگارنده اند، از جمله (... حالا بیا این ور، دیگه نتونستن دید رو به شرقمون ببندن، ولی اون پشت بوم جدید نیگا کن که از اونجا سر در آورده. به خاطر همون پشت بوم حالا دیگه خورشید یه ساعت دیرتر به اینجا می رسه».

سوداگری در ساخت و ساز، ایتالو کالوینو، ترجمه مرگان مهرگان، کتاب خورشید زمستان ۱۳۸۶.

کالوینو از زبان کالوینو

سمبل ماه تولدم، میزان است. به همین خاطر در شخصیت من توازن و عدم توازن بر هم تاثیر می گذارند تا تعادل ایجاد کنند. وقتی به دنیا آمدم والدینم قصد کردند پس از سال ها زندگی در سواحل کارائیب به وطن بازگردند. این ناپایداری جغرافیایی باعث شد تا من همیشه در آرزوی جایی دیگر باشم. تخصص والدینم منحصر به قلمروی سبزیجات بود، اعجاز گیاهان خوراکی و خواص آنها. ولی من مجذوب نوع دیگری گیاهخواری شدم که دنیای نوشته ها بود... در دوران دیکتاتوری بزرگ شدم و در سن سربازی گرفتار جنگ، به محض پایان یافتن جنگ، حس کردم که تمایل بیشتری به زندگی در



زهره نیلی

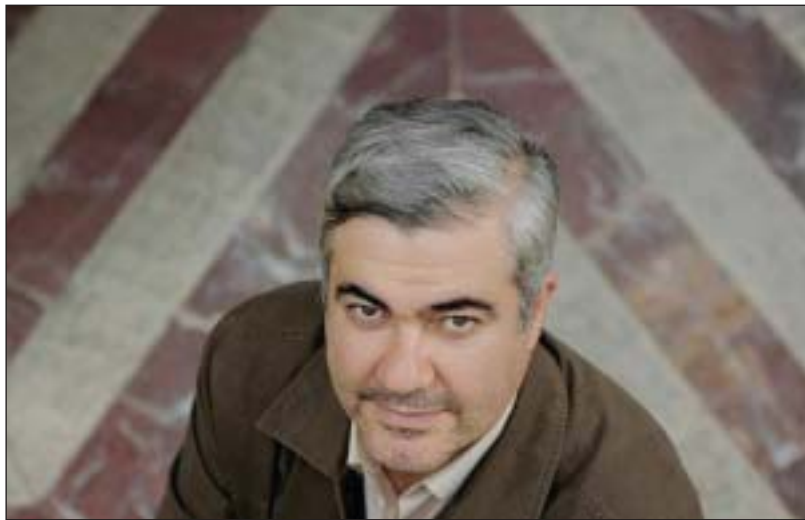
با عبدالمجید نجفی درباره «۳۵ داستان برای نوجوانان»

گشت و گذار در روستای فطرت

نسیم شب، رد پای اشک را روی گونه‌های مراد خشک کرده بود... علت گرایش به زبان شاعرانه در «۳۵ داستان برای نوجوانان» چیست؟

زبان، به باور من، از عناصر مهم پرداخت یک اثر هنری است و باید نویسندگان به این عنصر تأثیرگذار توجه کنند، به گونه‌ای که یک زبان نامنظم هرگز نمی‌تواند ظرف خوبی برای مکاشفه متعالی ما باشد و زبان شعر، زبانی است که به نگاه و اندیشه شما یاری می‌رساند و موجب می‌شود که تفکر شهودی خود را از دست ندهید و از دیدن هر چیز، آنچنان شگفت زده شوید که گویی برای نخستین بار است که آن را می‌بینید. برای مثال خورشید در نظر ما، یک گوی آتشین و درخشان است اما خاقانی ده‌ها تصویر متفاوت از خورشید ارائه می‌کند که هر کدام با دیگری فرق دارد. اما زبان شعر و داستان با یکدیگر متفاوت است و نمی‌توان حجم استعاره‌ای که در شعر به کار می‌رود را در داستان هم به خدمت گرفت؟

در درون هر نویسنده ایرانی، یک شاعر زندگی می‌کند. اگر چه نباید مسیر اغراق را پیمود اما استعاره به حجم و ظرفیت زبان می‌افزاید، در حالی که زبان علمی به کاهش و اقتصاد کلمه توجه دارد و در پی بیان مقصود خود با کمترین کلمات است چرا که با تعقل آدم‌ها سروکار دارد اما شاعر و نویسنده ناگزیر از استفاده از استعاره‌های تازه و بدیع است تا اثری صیقل یافته خلق کند.



فولکلور آشنا باشند. زیرا انسان بدون اسطوره تنهاست و افسانه‌ها با ذات و فطرت او هماهنگ هستند. آن هم در دنیایی که بزرگ‌ترین مشکل آدم هایش، پس از گرسنگی، تنهایی است. به هر حال، ادبیات با تکیه بر نمادها و اسطوره‌ها می‌تواند از حالت تک ساختی بیرون آمده و وجوه مختلفی را دربرگیرد و افسانه‌های عامیانه این امکان را به ادبیات می‌دهند.

درختان، نماد انسان‌هایی هستند که در برابر مشکلات می‌ایستند و پایداری می‌کنند.

اشاره به شخصیت‌های تاریخی در جهت آشنا کردن نوجوانان با این اشخاص است یا به دنبال یادآوری بعضی ارزش‌ها؟

مردم ما دچار از خود بیگانگی شده‌اند و ما باید آنها را با ارزش‌های والا آشنا کنیم؛ از این رو کسانی چون امیرکبیر، میرزا کوچک خان جنگلی و... نمودهای عینی این ارزش‌ها هستند و نویسندگان با پرداختن به آنها هم به ارائه الگوهای حقیقی به نوجوانان و جوانان پرداخته‌اند و هم دین خود را به این بزرگان ادا کرده‌اند.

شما زمان گذشته و حال را به هم پیوند زده‌اید و امروز را، نه برشی دیگر از زمان که در امتداد دیروز و شخصیت‌های آن دانسته‌اید. برای مثال عمو کمال در داستان «پشت تمشک‌های وحشی» نمود امروزین میرزا کوچک خان است...

زمان، یکی از دغدغه‌های اصلی و همیشگی من است. دیروز، امروز و فردا، مفاهیمی اعتباری هستند، آن هم برای مایی که در محدوده زمان و مکان زندگی می‌کنیم و گرنه تا زمانی که دیروز خود را در نیابیم، نمی‌توانیم امروز خوب و موفق داشته باشیم.

در داستان «چرا کلاغ‌ها به خانه نمی‌رسند» حتی شخصیت‌های داستان را از میان کلاغ‌ها انتخاب کرده‌اید.

همیشه تلاش کردم به ورطه شعار و سطحی‌نگری نیفتم. در این داستان به دنبال نوعی آشنایی زدایی و بیان این تفکر سهراب سپهری بوده‌ام که «من نمی‌دانم که چرا می‌گویند اسب، حیوان نجیبی است، کبوتر زیباست/ او چرا در قفس هیچ کسی کرکس نیست». به هر حال کلاغ هم، یک پرنده است و گاهی اخبار خوشی را به دیگران منتقل می‌کند، اگر چه هیچ وقت به منزل نمی‌رسد و خود این می‌تواند وجه نمادین داشته باشد، به این معنی که برخی افراد و هوشمند، هرگز به سر منزل مقصود نمی‌رسند.

در «مصیبت ناگهانی مامان سربه»، باورهای عامیانه و در داستان «آب حیات»، با نقش اسطوره‌ها رو به رو می‌شویم؛ باورها و افسانه‌هایی که در داستان‌های دیگر نیز تجلی پیدا می‌کنند. گرایش به افسانه‌ها و اسطوره‌ها به چه دلیل است؟

کسانی که می‌خواهند تخیل و خلاقیت خود را پرورش دهند باید با باورهای عامیانه و افسانه‌های

«نسیم شب، رد پای اشک را روی گونه‌های مراد خشک کرده بود. ماه ساعتی پیش، در آمده بود و همه دشت را از نور نقره‌ای آکنده بود. از سایه‌های کوتاه سنگ‌های خزه‌پوش و درختچه‌ها کمی می‌ترسید. برای همین پشت به سنگ چین داده بود و در حالی که در خود می‌چاله بود، به دور دست مرموز نگاه می‌کرد...» انتشار کتاب «۳۵ داستان برای نوجوانان» از سوی کتاب‌های بنفشه، وابسته به انتشارات قدیانی ما را بر آن داشت تا به گفت‌وگو با عبدالمجید نجفی، نویسنده کتاب بپردازیم. نجفی در سال ۱۳۳۹ در تبریز به دنیا آمده و پس از گذراندن دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، به تدریس صاحب‌نظری ادبیات داستانی پرداخته و در دوره‌ای، کارشناس و مربی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بوده است. «برف آباد»، «کوچه‌های خالی»، «ستار خان»، «دختری به نام پریا»، «کابوس ژنرال»، «چشم‌های مادرم»، «پرنده‌های سحرآمیز»، «آوازهای نارنج» و... از جمله آثار اوست.

یکی از بن‌مایه‌های اصلی این مجموعه، بازگشت به دوران کودکی است؛ موضوعی که برای خوانندگانی که دوره نوجوانی را پشت سر گذاشته‌اند، نو ستاژیک و زیباست اما نوجوان امروزی تا چه اندازه می‌تواند با این موضوع ارتباط برقرار کند؟

من باور چندانی به این تقسیم‌بندی‌ها ندارم و تلاش می‌کنم داستانی که می‌نویسم، لایه‌های مختلف و خوانندگان متفاوتی را دربرگیرد. به این معنی که هر کدام از خوانندگان در حد فهم و درک خود بتوانند با داستان و شخصیت‌های آن ارتباط بگیرند و بازگشت به کودکی، یکی از بن‌مایه‌هایی است که می‌تواند خوانندگان مختلف را تحت تأثیر قرار دهد، اگر چه بر این باورم که کودک و نوجوان امروز، بسیار متفاوت با هم‌سن و سالان خود در ۱۰ یا ۲۰ سال گذشته است اما ادبیات آمانگراست و همواره می‌توان در آن از شرافت، انسانیت، عشق به زندگی و عشق به خوبی سخن گفت. این همواره از عشق و خوبی گفتن به ادبیات دور از واقع نمی‌انجامد؟

در داستان‌هایی که برای نوجوانان نوشته می‌شود هم می‌توان از مرگ، فقر و... گفت اما چگونه مطرح کردن این موضوعات بسیار مهم است. باید دید چگونه می‌توان به بیان این گونه موضوعات در قالبی تأثیرگذارتر و دلنشین‌تر پرداخت. مسلماً هیچ نویسنده‌ای در کودکی

خود، محصور نمانده اما تمایل به صداقت و صراحت که ویژگی بارز کودکان است، در همه انسان‌ها وجود دارد.

بیشتر اتفاقات داستان در روستا و فضاهای روستایی شکل می‌گیرد. در صورتی که امروزه اکثر مردم ایران، شهرنشین هستند. بازگشت به روستا هم نمادین بوده است؟

بازگشت به فضاهای روستایی هم می‌تواند نمادین باشد. به این معنی که روستا، نشانه معصومیت و پاکی و به طور کل، همه ارزش‌هایی است که ما نمی‌توانیم بدون در نظر گرفتن این ارزش‌ها، وارد دنیای مدرن شویم.

حتی جنگل در داستان‌های شما مفهوم استعاری می‌یابد...

بله، جنگل، استعاره از جامعه‌ای آرمانی است که سبزی، صداقت و اعتماد در آن جریان دارد. حتی

خانه کتاب

فراخوان

دومین دوره جایزه گام اول

به همت خانه کتاب برگزار می‌شود

این جایزه با هدف کشف استعداد و تشویق هر چه بیشتر پدیدآورندگانی است که برای نخستین بار کتاب منتشر کرده‌اند.

موضوع‌های مورد ارزیابی هیئت داوران عبارتند از:

الف: مجموعه شعر یا داستان کوتاه، بلند و رمان برای کودکان و نوجوانان

ب: مجموعه شعر یا داستان کوتاه، بلند و رمان برای بزرگسالان

از تمامی نویسندگان و شاعرانی که اولین اثر خود را از اول سال ۱۳۸۶ در زمینه‌های یاد شده به چاپ رسانده‌اند، دعوت می‌شود سه نسخه از اثر منتشر شده را تا پایان مرداد ۱۳۸۷ به نشانی دبیرخانه گام اول ارسال نمایند.

نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین صبا و فلسطین جنوبی، ساختمان شماره ۱۱۷۸، طبقه اول

تلفن: ۶۶۴۶۰۵۱۹ دورنگار: ۶۶۴۱۵۳۶۰





درباره ویرایش کتاب‌های کودک و نوجوان

روتوش متن برای کودک



همه ما حکایت 'بخشش، جایز نیست او را بکشید' و 'بخشش جایز نیست، او را بکشید' را شنیده و با خود گفته ایم؛ عجب! این نشانه‌ها تنها صورت ظاهر نیستند و به نقطه و ویرگول و خط تیره خلاصه نمی‌شوند... چه بسا این نشانه‌ها بتوانند جان بی‌گناهی را از مرگ نجات دهند. اما امروز با وجود رشد صنعت نشر و انتشار کتاب‌های بسیار در زمینه‌های گوناگون، ویرایش و ویراستاری به جایگاه شایسته خود دست نیافته است و این ضعف در حوزه کودک و نوجوان، بیشتر به چشم می‌آید.

دکتر قدمعلی سرامی، شاعر، نویسنده و پژوهشگر، ویراستاری کتاب‌های کودک و نوجوان را یکی از واجبات می‌داند و معتقد است: 'بعضی از نویسندگان کودک و نوجوان از دانش و تجربه کمتری برخوردارند و همین مساله، ضرورت ویراستاری برای این گروه سنی را موجب می‌شود.'

نویسنده کتاب 'سیمین غ' و آفتاب، از دیگر دلایلی که موجب ضرورت ویرایش کتاب‌های کودک و نوجوان می‌شود را ساده‌انگاشتن ادبیات این گروه سنی می‌داند و می‌گوید: 'هنوز ادبیات کودک و نوجوان را جدی نگرفته‌اند و آن را بسیار ساده می‌پندارند در صورتی که این ادبیات، به معنی واقعی کلمه سهل و ممتنع است زیرا به راحتی نمی‌توان برای کودکان نوشت و با آنان ارتباط برقرار کرد و نویسنده کودک و نوجوان باید، زبان و دنیای کودکان را بشناسد و با خواسته‌های آنان آشنا باشد.'

سرامی، آشنایی با زبان معیار را یکی از لازمه‌های کار ویراستاری برای کودکان می‌داند و معتقد است: 'ویراستار کودک و نوجوان باید زبان معیار را بشناسد و با لغات مورد استفاده برای هر گروه سنی آشنا باشد، چرا که هر واژه‌ای را نمی‌توان برای کودکان و نوجوان به کار برد و هر چه سن و سال بچه‌ها کمتر باشد، تعداد واژه‌هایی که برایشان ناآشناست و معنی آن را نمی‌دانند بالاتر می‌رود. همچنین ویراستار کتاب کودک و نوجوان باید با کتاب‌های درسی به طور کامل آشنا باشد زیرا بچه‌ها زبان گفتاری - شنیداری را در خانه و زبان نوشتاری - شنیداری را در مدرسه و از طریق کتاب‌های درسی می‌آموزند.'

شاعر مجموعه 'صاف و ساده مثل آب'، ویراستاری شعر را متفاوت با ویراستاری داستان‌های بزرگسالان می‌داند و معتقد است: 'کسانی که به ویرایش داستان‌های کودکان می‌پردازند، لزومی ندارد که خود داستان‌نویس باشند و ذهن و زبان بچه‌ها را بشناسند، تنها باید با زبان معیار آشنا باشند اما دخالت ویراستاری که شعر را نمی‌شناسد، اصلاً جایز نیست و باید شاعری که در حوزه شعر کودک به رسمیت شناخته شده به ویراستاری شعر بپردازد.'

محمدرضا شمس، نویسنده کودک و نوجوان با اشاره به این که در ایران، سرویراستار به معنی واقعی کلمه، آن هم در حوزه کودک و نوجوان وجود ندارد می‌گوید: 'در برخی کشورها، سرویراستاری وجود دارد که تمامی سبک‌های ادبی را می‌شناسد و همواره در کنار نویسنده و حتی در جایگاهی بالاتر از او قرار گرفته و کاستی‌های کار را به او گوشزد می‌کند. از سوی دیگر این سرویراستار به خاطر آشنایی که با ویراستاران و نویسندگان دارد، به خوبی می‌داند که هر کار را به چه کسی بسپارد.'

شمس با اشاره به این که بسیاری از ویراستاران کودک و نوجوان، حتی به اندازه نویسندگان کودک و نوجوان با اصول ویرایش، آشنایی ندارند می‌گوید: 'ویراستاران باید، چیزی به متن نوشته بیفزایند و آن را

ساده و روان کنند به عبارتی باید بتوانند همچون تصویرگران، چیزهایی را که در دل متن گم شده پیدا و برجسته کنند.'

شمس، به دقت در ویرایش کتاب‌های ترجمه شده اشاره می‌کند و می‌گوید: 'ویراستاری که با ادبیات زبان‌های دیگر آشنا نباشد، چگونه می‌خواهد به ویرایش کتاب‌های ترجمه شده بپردازد؟ برای مثال کسی که رول‌دال را نمی‌شناسد و از ترفندهای زبانی او بی‌خبر است، چگونه می‌تواند به ویرایش متن ترجمه شده کارهای او بپردازد. به همین خاطر است که ترجمه‌های گوناگونی از یک اثر منتشر می‌شود، بدون این که کامل و بدون نقص باشد، همان گونه که شازده کوچولو بارها ترجمه شده و هنوز هم نکات بسیاری در آن ناشناخته باقی مانده در حالی که اگر ویراستاری باشد که هم آگروپری و سبک و زبانش را بشناسد و هم ظرایف زبان فارسی را، شاید نیازی به وجود این همه ترجمه‌های گوناگون نباشد.'

نویسنده 'بادکنک و اسب آبی'، اقتصاد نشر را یکی دیگر از عوامل موثر در ویرایش می‌داند و معتقد است: 'ناشران و نویسندگان ما آن گونه که باید و شاید به اهمیت ویرایش کتاب‌های کودک و نوجوان بی‌توجه‌اند و حتی اندک ناشرانی که کتاب‌های این گروه سنی را پیش از انتشار به دست ویراستار می‌سپارند، آن قدر بهای اندکی به عنوان حق ویرایش به ویراستاران پرداخت می‌کنند، که نمی‌توان انتظار کاری بیش از این از آنان داشت.'

جعفر ابراهیمی هم مانند شمس بر این باور است که ویراستار حرفه‌ای در حوزه کودک و نوجوان وجود ندارد و ویراستاران تنها به هماهنگ و یکدست کردن رسم الخط کلمات بسنده می‌کنند بدون آن که به ویرایش محتوا بپردازند، هر چند، حتی اگر بخواهند از ظاهر کلمات بگذرند و به باطن آن برسند، نمی‌توانند چون برخی از آنها افراد آگاه و خبره‌ای نیستند و به کلیت کار آسیب می‌رسانند.'

وی ویراستار خوب را کسی می‌داند که علاوه بر شناخت زبان معیار با سبک و طرز نگارش نویسنده هم آشنا باشد و می‌گوید: 'ویراستار خوب کسی است که علاوه بر شناخت زبان معیار و آشنایی با دایره واژگان کودک و نوجوان، با لحن و سبک نگارش نویسنده هم آشنا باشد زیرا نویسنده نمی‌تواند از بیرون به کار خود نگاه کند و یکی از محاسن سپردن متن به یک ویراستار این است که او از بیرون به درون متن می‌نگرد و بدون جانبداری، کاستی‌های آن را برطرف

می‌کند.'

ابراهیمی به لزوم ارتباط میان نویسنده و ویراستار اشاره می‌کند و می‌افزاید: 'ارتباط میان نویسنده و ویراستار موجب می‌شود تا کلماتی که جایگزین می‌شوند، همان واژه‌های مورد نظر نویسنده باشند و منظور و مقصود او را برسانند. به ویژه آن که بیشتر کتاب‌های داستانی به ویرایش نیاز دارند.'

حسین فتاحی، نویسنده کودک و نوجوان که خود از ویراستاران کتاب‌های این گروه سنی هم هست، ضرورت وجود ویراستار برای کار کودک را بیش از بزرگسال می‌داند و می‌گوید: 'دایره واژگانی کودک و همین طور فهم و درک او از لغات، بسیار محدود است و نویسندگان کودک بهتر است از کلمات دوپهلوی استفاده نکنند به همین خاطر، ویرایش یک متن برای کودکان و حتی نوجوانان، بسیار لازم و ضروری است.' وی نویسندگان را به دو دسته تقسیم می‌کند و می‌گوید: 'نویسندگان خلاق با دنیا و زبان کودکان آشنا هستند و به راحتی می‌توانند به ویرایش نوشته خود بپردازند و با آوردن جملات کوتاه که بچه‌ها را خسته نمی‌کند و لغاتی که با آن آشنا هستند، اثری خوب و خواندنی بیافرینند و تنها ممکن است به یک ویرایش رسم الخطی نیاز داشته باشند اما دسته دیگری از نویسندگان آن گونه که باید و شاید کودکان و زبان آنها را نمی‌شناسند و کم تجربه هستند و حتماً باید کار خود را به یک ویراستار حرفه‌ای بسپارند؛ ویراستاری که بتواند کاستی‌های کار آنان را برطرف کند.'

سبک نویسنده باید حفظ شود

یکی از مسائل مهمی که باید در نظر گرفت و به آن پرداخت، تعیین میزان دخالت ویراستار در متن است. بعضی بر این باورند که ویراستار با نظر نویسنده می‌تواند حتی به بازنویسی متن بپردازد اما برخی دیگر بر آنند که سبک و لحن نویسنده در هر حال باید حفظ و به خواننده منتقل شود.

قدمعلی سرامی بر این باور است که ویراستار نباید به ویرایش محتوا و اندیشه نویسنده بپردازد مگر با نظر و موافقت او بلکه ویراستار تنها باید به روان و یکدست کردن متن توجه کند و به آرایش زبان بپردازد، زیرا ادبیات کودک و نوجوان باید روان، طبیعی و سیال باشد و ویراستار نیز باید به این جنبه توجه کند.

شمس نیز با این نظر موافق است و می‌گوید: 'هر نویسنده‌ای سبک و سیاق خاص خود را دارد و ویراستار باید با سبک نویسنده‌ای که به ویرایش اثرش می‌پردازد آشنا باشد. برای مثال، گاهی نویسندگان، به عمد جای واژه‌ها را تغییر می‌دهند و پس و پیش می‌کنند و ویراستاران نمی‌توانند بدون در نظر گرفتن آنچه مورد نظر نویسنده‌ها بوده، به جابه‌جا کردن کلمات بپردازند، بلکه باید به روان تر و پخته تر کردن متن کمک کنند.' جعفر ابراهیمی هم معتقد است: 'هر نویسنده‌ای یک سبک کلی را در نوشته‌های خود رعایت می‌کند و ویراستار باید با این سبک و لحن آشنا باشد و به میل خود و بدون مشورت با نویسنده آن را تغییر ندهد. اما کمتر ویراستاری است که دانش این کار را داشته باشد و سبک و سیاق هر نویسنده‌ای را بشناسد.'

اما حسین فتاحی بر خلاف آنچه گفته شد معتقد است: 'اگر چه باید یک ارتباط دو سویه میان نویسنده و مترجم وجود داشته باشد اما ویراستارانی که با زبان کودکان آشنا هستند می‌توانند به کمک نویسندگان کودک کم تجربه بیایند و حتی ساختار نوشته آنها را تغییر دهند. به این معنی که حتی فصلی را اضافه و یا کم کنند و به پرورش موضوع بپردازند؛ هر چند این کار قطعاً باید در تعامل با نویسنده شکل بگیرد.'

چهره‌های نورانی

سخن گفتن از مذهب و شخصیت‌های مذهبی - آن هم برای کودکان و نوجوانان - کاری بسیار ضروری اما دشوار است. ضروری از آن جهت که باید این گروه سنی را با شخصیت‌های تاثیرگذار دینی آشنا کرد و دشوار از آن رو که نویسندگان کودک و نوجوان که به نوشتن داستان‌های دینی می‌پردازند از یک سو باید با مفاهیم دینی و شخصیت‌های مذهبی آشنا باشند و از دیگر سو داستان و عناصر داستانی را به خوبی بشناسند.

'پیامبر (ص) و علی (ع)'، عنوان کتابی از آذر نفیسی با نقاشی‌های حسین همدانی است که به تازگی از سوی انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

خوابیدن حضرت علی (ع) در بستر پیامبر (ص)، نبرد حضرت علی (ع) با عمرو بن عبدود و هلاکت عمرو بن عبدود به دست حضرت علی (ع)، کندن در خیبر به دست حضرت علی (ع)، حضرت علی (ع) با حسین (ع) در نخلستان، غدیر خم و... مواردی است که در این کتاب به آن پرداخته شده است. نویسنده کتاب اگر چه کوشیده تا ماجراها را در قالب داستان بیان کند اما آن گونه که باید و شاید موفق نبوده و بیشتر به بیان گوشه‌هایی از زندگی حضرت علی (ع)، با زبانی مستقیم و گزارش گونه پرداخته است.

این کتاب به همت مرحوم حسین همدانی، از نقاشان پیشکسوت سبک قهوه‌خانه‌ای ایران و در آخرین روزهای زندگی وی به تصویر کشیده شده؛ یعنی همان روزهایی که نیمی از بدن حسین همدانی به خاطر بیماری فلج شده بود. از این رو وجود برخی شکستگی‌ها در خطوط تصاویر نه از سر بی‌دقتی که به خاطر ناتوانی جسمی وی رخ داده است اما سوال اینجاست که نقاشی قهوه‌خانه‌ای تا چه اندازه می‌تواند برای نوجوانان جذاب باشد؟!

در انتهای کتاب نیز توضیحاتی به اجمال درباره نقاشی قهوه‌خانه‌ای آورده شده؛ گونه‌ای از نقاشی که بیش از دو قرن پیش در میان مردم کوچه و بازار ایران رواج داشته و بیشتر به تصویر کردن روایات، داستان‌های دینی و حکایات مندرج در متون کهن ادب فارسی می‌پرداخته است.

نقاشان قهوه‌خانه‌ای از جمله حسین همدانی که نقاش این کتاب نیز هست، در سال‌های اوج این گونه از نقاشی در قهوه‌خانه‌ها اقامت می‌گزیدند و تابلوهای خود را همان‌جا می‌کشیدند و به نمایش می‌گذاشتند و دلیل نام‌گذاری این شیوه نیز همین بوده است؛ سبکی از نقاشی که در سال‌های اخیر با رونق افتادن قهوه‌خانه‌ها، از رونق افتاد و امروزه تعداد انگشت‌شماری از استادان سالخورده، همچنان در غربی و گمنامی به کار ترسیم تابلوهای قهوه‌خانه‌ای مشغول هستند. باید گفت که انتشار این گونه کتاب‌ها از سوی ناشران موجب می‌شود تا کودکان و نوجوانان این سرزمین با نقاشی قهوه‌خانه‌ای و استادان آن آشنا شوند.

طراح گرافیک کتاب 'پیامبر (ص) و علی (ع)'، کوروش پارسا نژاد بوده و انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان این کتاب را در شمارگان ۳۰۰۰ نسخه برای گروه سنی «ح» و «د» و به قیمت ۲۵۰۰ تومان منتشر کرده است.

موانع ترجمه متون فلسفی کلاسیک در گفت و گو با کارشناسان

جای خالی کلاسیک ها



تحت الشعاع قرار می دهد. به طوری که علایی معتقد است که نیاز بازار بخشی از ترجمه ها را ایجاد می کند. به این معنی که شاید خود مترجم به ترجمه اثری علاقه نداشته باشد؛ اما نیاز بازار، او را به این سمت می برد؛ بنابراین ممکن است بخشی از ترجمه ها به دلیل نیاز مادی مترجم شکل بگیرد. در عین حال، بخشی از علت های ترجمه نشدن آثار جدی فلسفه مربوط به زبان فارسی است که هنوز آمادگی لازم را برای پذیرش این متون به لحاظ ساختار و دایره واژگانی ندارد و جوایگوی نیاز ساختار و دایره واژگانی زبان مبدأ نیست. به گفته وی تشخیص اهمیت اثر در انتشار آن نقش جدی دارد و چنان چه جزو متون کانونی و بسیار مطرح باشد، شانس بیشتری برای ترجمه شدن دارد و از سویی، ضرورت دارد مقدمات ترجمه اثری در کشور فراهم شود؛ بنابراین اهمیت متن و زمینه های لازم در ترجمه اثر دخالت دارند.

گرایش به مد

یکی از مشکلاتی که از فحوا کلام بر مخی ترجمان قابل درک است گرایش به مد در مورد خوانش و ترجمه آثار فیلسوفان جدید غربی است به طوری که پرویز کلاتریان مد بودن فیلسوفانی مانند دریدا، فوکو و هابرماس را مزید بر گرایش مترجمان و مخاطبان به فلسفه مدرن می داند و بر این باور است که اگر به آثار این فیلسوفان مراجعه کنیم، می فهمیم که خیلی از آنها فیلسوف به معنای واقعی نیستند.

به گفته این مترجم آنچه ما از فلسفه فرانسویس بیکن و باروخ اسپینوزا داریم، چیزی نیست جز آن که فوکو به ما می آموزد و دارای وسعت فکری آنها نیست.

عباس مخبر از دریچه دیگری به این موضوع می نگرد و بر این باور است که فلاسفه معاصر با مسائل جدیدتر و روزمره مانند مدرنیته و جهانی شدن ارتباط دارند پس گرایش مترجمان برای ترجمه آثار معاصر و به دنبال آن گرایش خوانندگان به این آثار طبیعی است.

او گرایش به فلسفه معاصر را طبیعی می داند و می گوید: خوانندگان ما فیلسوف یا دانشجوی فلسفه نیستند، من به دنبال خواننده عام هستم و می خواهم بدانم او به چه احتیاج دارد و می خواهد بخواند؛ به طور طبیعی لزومی ندارد که او بنشیند و فلسفه کلاسیک را مطالعه کند. یک خواننده عام، چرا باید افلاطون یا ارسطو را بخواند؟

این مترجم بر این باور است که گرایش به فلسفه معاصر در کشورهای اروپایی نیز وجود داشته و آنها نیز فلسفه کلاسیک را نمی خوانند.

وی با اعتقاد به این که ارسطو، سقراط و افلاطون، جزو تاریخ فلسفه هستند، می گوید: این فیلسوفان برای علاقه مندان که مطالعات جدی تری در فلسفه دارند، جالبند ولی برای آدم های معمولی که یک رشته سوالات کلی داشته و در پی یافتن پاسخی برای آنها هستند، بدیهی است که به مطالب معاصر گرایش بیشتری داشته باشند.

پرسش بی پاسخ...

چه باید کرد؟ از سویی نمی توان منکر این واقعیت بود که خلأهای زیادی در ترجمه وجود دارد. از این حیث که ترجمه در ایران کمتر تابع برنامه منظمی بوده و هنوز بسیاری از آثار فلاسفه به فارسی ترجمه نشده است به طوری که بسیاری معتقدند حتی به برخی از مکتب های مهم فلسفی اصلا توجه نداشته ایم.

چه باید کرد؟ طبعاً نمی توان راهکار منطقی و کوتاه مدتی برای حصول به این مقصود یافت اما به هر حال باید چاره ای اندیشید. ضمن اینکه باید به نیمه پر لیوان نیز توجه داشت.

ولی به هر حال نمی توان نیمه خالی لیوان را دید. او از دیالوگ های افلاطون که به همت دکتر لطفی ترجمه شده و چند متن مهم از ارسطو به فارسی یاد می کند، با این توضیح که هنوز بعضی متن های مهم دیگر باقی مانده یا ترجمه مطلوبی از آنها در دست نیست؛ مانند ارغنون یا منطق ارسطو و...

فولادوند در یک بازخوانی تاریخی به فلاسفه قرون وسطی می رسد و از برگردان اخیر یکی از متن های مهم آن دوره -اعترافات سنت آگوستن- یاد می کند، هر چند شهر خدا از همین فیلسوف هنوز ترجمه نشده است. به گفته او در فلسفه جدید از رنسانس به بعد، چند متن پایه از کانت، هگل، هیوم و بعضی فلاسفه قرن نوزدهم و بسیاری از فلاسفه قرن بیستم که تعدادشان رو به افزایش است وجود دارد.

البته عباس مخبر درباره دلیل رکود ترجمه آثار کلاسیک در ایران، معتقد است که ترجمه آثار کلاسیک در ایران وضعیت بدی نداشته و بسیاری از آثار کلاسیک یونان یا فلسفه غرب ترجمه شده اند و خیلی کم پیش آمده که اثر قابل توجهی ترجمه نشده باشد.

تقاضا یا عرضه؟ مساله این است!

نیاز بازار از جمله مسائلی است که وضعیت نشر را

پای علاقه مندان فلسفه حرکت کرده و جوابگوی استقبال جامعه است ولی درباره کیفیت آثار چون و چرا وجود دارد و به تعبیری ترجمه آثار فلسفی هنوز به سطح مطلوب نرسیده است.

برخی از مترجمان نظیر مشیت علایی در بازخوانی این موضوع از در دست نبودن ترجمه فارسی منابع کلاسیک فلسفه غرب به عنوان یک خلأ جدی یاد می کنند و بر این باورند که هنوز حجم زیادی از آثار کلاسیک ترجمه نشده و همچنان بخشی از آثار کانت، هگل، دکارت، شوپنهاور، نیچه و آثار فلاسفه قرن بیستم ترجمه نشده است. هر چند معدود آثار مطرحی در این زمینه ها ترجمه شده اما هنوز حجم زیادی از این متون، ترجمه نشده است.

عزت الله فولادوند نیز با علایی در مورد اینکه هنوز متون کلاسیک زیادی در زمینه فلسفه ترجمه نشده، هم عقیده است اما می گوید که نمی توان از متن های جدید غافل ماند.

به اعتقاد این مترجم متن های فلسفی طی سی سال گذشته، بسیاری از متن های اصلی و پایه ای فلسفه به فارسی در آمده که در حد بالای علمی نیز هستند، البته از نظر کیفیت ترجمه، تعداد این آثار نسبتاً کم است؛

چرا باید کلاسیک ها را خواند؟ این را بهتر است از کالونیو پرسید که در پاسخ به آن، کتابی به همین عنوان نوشته است. البته عمده رویکرد کالونیو به این موضوع ادبی است و این پرسش را برای گوشزد کردن اهمیت خوانش متون کلاسیک ادبی و تاریخی مطرح می کند. هر چند که نمی توان منکر واقعیت تاریخ در این پرسش بود چرا که اساساً بحث درباره متون کلاسیک هر حوزه ای باید در یک بستر تاریخی مطرح شود تا بتوان از یک منظر تاریخی به آن پاسخ داد.

بنا بر یک باور منطقی متون کلاسیک اساساً نقاط عطفی هستند که خط سیر اندیشه از آنها می گذرد و هر اندیشه با استناد به گفته هگل تاریخ آن اندیشه است. البته باید گفت که کلاسیک خوانی کار سختی است و دشواری ماجرا زمانی چهره تهدیدآمیز به خود می گیرد که بخش عمده ای از این آثار کلاسیک مهم به زبان اصلی هستند و اغلب به دلیل سنگینی زبان نویسنده، هر مترجمی جرات برگردان آنها را ندارد. هر چند نمی توان منکر این واقعیت مهم بود که خوانش کلاسیک ها به مثابه فتح قلعه کوه های بلند، صعب اما آموزنده و شیرین است.

در این میان متون فلسفی با دشواری های بسیاری در مقایسه با دیگر حوزه ها نظیر علوم طبیعی یا ادبیات و هنر مواجه هستند و طبعاً ترجمه این کتاب ها نیز دشوارتر از آن آثار هستند. البته غیر از مسائلی نظیر دشواری متن، کمبود متخصصان زبان های خاص، ترجمه های موازی و... رکود ترجمه آثار کلاسیک در ایران موضوعی است که بحث پیرامون آن و ریشه یابی دلایل اصلی این رکود با دشواری های خاصی همراه است. از این حیث گزارش حاضر سعی دارد تا در این شماره بخش هایی از دلایل مطرح در نظر برخی کارشناسان و مترجمان حوزه متون علوم انسانی و فلسفه را مورد بازخوانی قرار دهد.

آیا باید کلاسیک ها را خواند؟

طبعاً اهمیت ترجمه آثار کلاسیک محل اعراب ندارد اما پرویز کلاتریان بر این نکته پافشاری بیشتری می کند.

او در پاسخ به این سوال که چرا باید کلاسیک ها را خواند؟ سعی می کند آن را در محدوده جغرافیایی خودمان مورد بازخوانی قرار دهد.

به باور او کسانی چون عنایت که آثار هگل، لطفی که کارهای افلاطون و فولادوند که برخی از آثار کانت را ترجمه کرده اند جزو ماندگارترین مترجمان این کشور هستند.

به گفته کلاتریان هر چه در این ترجمه های پیش رویم و درباره آثار این فلاسفه کار کنیم، مطمئنانه نتیجه بیشتری خواهد داشت.

مشیت علایی نیز از عزت الله فولادوند، سیاوش جمادی و... به عنوان مترجمان فلسفی جریان ساز یاد می کند و بر این باور است که هر چند خودش برای دسترسی به منابع مرجع خارجی مشکلی رویه رونویس، اما مخاطبان فارسی زبان در ایران با کمبود مرجع فلسفی در زبان فارسی مواجهند.

او ضمن ارزیابی مثبت جریان کلی ترجمه طی ۳۰ سال گذشته معتقد است که ترجمه به جامعه ما خدمت بزرگی کرده است و در این ۳۰ سال توانسته به انباشتگی فرهنگی جامعه کمک کند.

سطح کیفی و کمی ترجمه ها

بازخوانی تعداد ترجمه های موجود از آثار کلاسیک موضوعی است که در بادی امر باید مورد بررسی قرار گیرد چرا که با وجود این عقیده که ترجمه آثار فلسفی به لحاظ کمی، تا حدودی پا به

راه رفتن بر لبه تیغ

افسانه نجاتی: چرا آثار کلاسیک دست اول از این جنس و نوع در پستوهای تاریخ دارند خاک می خورند و کسی به سراغشان نمی رود؟ چه باید کرد؟ راه حل کجاست؟ هر چه فکر می کنم می بینم توقع از برخی محافل رسمی با جنس کارهای فرهنگی از این دست، نمی خواند. برگردان متون کلاسیک دست اول که سرو کارش با وجود است و تعالی، مگر جز به لرزش سرانگشتان خیال و خون دل و اشک چشم و ... ممکن می شود؟ کار مترجم آثار کلاسیک فلسفی و کلامی از آنجا دشوارتر می شود که این متون ذوو جهین هستند یعنی از یک سو در جایگاه متون نظری دقت فوق العاده ای را می طلبند و کوچک ترین خطایی را بر نمی تابند و چنانچه ترجمه ای نسبت به این وظیفه محتوم، سهل انگاری و بی اعتنائی کند، قطعاً به این جرم از جرگه آثار مانا رانده می شود. از سوی دیگر این متون جلوه ادبی نیز دارند یعنی می توان از حیث سبک نگارش و شیوه بیان، آنها را در ژانر ادبی گنجانند. همه ما گاه ترجمه های متعددی از یک اثر را خوانده ایم اما از آن میان ترجمه ای را به خاطر سپرده ایم که به دلمان بیشتر نشست است. این اتفاق وقتی می افتد که پای انتخابی شورمندانه در میان آید. مترجم با متن همدل شود و لاجرم همزبان! گرچه در نظر داشتن این هر دو وجه در یک اثر بی شباهت به راه رفتن بر لبه تیغ نیست. برای حصول نتیجه ای مقبول در این عرصه باید به صورت انگیزشی به سراغ کاری رفت و نه سفارشی. مترجم در اولین گام گزینش اثری به نیت ترجمه، باید با خودش اتمام حجت کند. خودش را نسبت به کارزاری که در پیش دارد آماده سازد، انتظاراتش را به صفر برساند و نسبت به موضوعی که انتخاب کرده است، اطلاعاتی همه جانبه کسب کند، از نقد و بررسی های مشفقانه استقبال کند و هرگز مهر خاتمت بر روند کار ترجمه اش نهد. یک ترجمه بالنده اگر توفیق چاپ مجدد را داشت باید در هر چایی به مثابه کاری تازه، از جانب مترجم بررسی و اصلاح شود. اینها همه دست به دست هم می دهند تا به متنی مجوز جلوه گری در جوار آثار کلاسیک و ماندگار را بدهند و گرنه جز عرض خود بردن و زحمت دیگران دادن هیچ نیست!



دیداری از بنیاد ریحانه الرسول در یزد

گنجینه یادها و یادگارها

عموما تمرکز فرهنگ در پایتخت، موجب انزوای فرهنگی استان‌ها می‌شود و در این میان تلاش دولت برای تمرکززدایی فرهنگی در صورت عدم اقبال و استقبال اهالی قلم و فرهنگ استان‌های کشور راه به جایی نخواهد برد، چرا که اساسا هر تلاشی مستلزم پیگیری از سوی مراکز استان‌ها است.

تلاش‌های مسئولان فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز بر همین اساس استوار بوده است و امروز می‌توان مدعی شد که در طی چند سال گذشته تاکید بر تمرکززدایی از پایتخت و تسری دادن امور فرهنگی به مراکز استان‌ها موجب شده است تا بحث رشد و شکوفایی فرهنگی کشور در همه ابعاد جغرافیایی با موفقیت‌های قابل توجهی همراه شود. نمونه بارز این مدعا اتکای فرهنگی - پژوهشی استان یزد به استعدادهای بومی است و شاید اگر بخواهیم مصداقی بر این مدعا بیابیم باید به کتابخانه و موزه آستان مقدس امامزاده جعفر(ع)، بنیاد فرهنگی - پژوهشی ریحانه الرسول و... اشاره کرد که در این گزارش سعی شده تا تلاش‌های صورت گرفته در این دو مرکز فرهنگی تبیین شود.

چیزی حدود هشت - نه سال پیش بود که شهر یزد به عنوان نقطه ثقل فرهنگی دشت کویر، میراث عظیمی از تفکر اسلامی را در هیات پژوهشگرده‌ای در ذیل بنیاد فرهنگی - پژوهشی ریحانه الرسول بنیان نهاده شد.

این بنیاد که در سال ۱۳۷۸ با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با مسئولیت میرزا محمد کاظمینی آغاز به کار کرده، رویکرد اصلی خود را معطوف به سامان دادن پژوهشگران استان یزد برای انتشار و ارائه پژوهش‌های بنیادین کارآمد در حوزه‌های مختلف فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و هنری کرده است. آنچه در پی می‌آید بازخوانی عملکرد این بنیاد و بخش‌های مختلف آن در حوزه فرهنگ در خلال گفت‌وگو با موسس و مدیر بنیاد فرهنگی - پژوهشی ریحانه الرسول است.

میرزا محمد کاظمینی که خود دانش‌آموخته رشته تاریخ اسلام در مقطع دکتری است، بنیاد فرهنگی - پژوهشی ریحانه الرسول را ایجاد مرکزی برای ارائه پژوهش‌های کارآمد معرفی می‌کند و بنا بر گفته او، این بنیاد تاکنون با برگزاری همایش‌های علمی - فرهنگی و نمایشگاه‌های مختلف کتاب و انتشار چیزی حدود ۶۷ اثر در حوزه‌های تاریخ و فرهنگ اسلامی گامی در جهت پاسداری از باورها و ارزش‌های اسلامی - ایرانی برداشته است.

یکی از بخش‌های اصلی این بنیاد، گروه پژوهشی ریحانه الرسول است. این پژوهشگرده با دارا بودن مرکز اسنادی با هشت هزار زندگی‌نامه از بزرگان یزد، مدارک و عکس‌های متعددی را برای استفاده در اختیار پژوهشگران فرهنگ بومی قرار می‌دهد.

به گفته کاظمینی مرکز اسناد پژوهشگرده، محلی است که وظیفه دریافت، ثبت، حفظ و نگهداری کلیه سوابق اسناد، نامه‌ها، پرونده‌ها و گزارش‌های فرهنگی و تاریخی را بر عهده دارد و با یک شیوه مدیریت یکسان در مراحل نظیر کنترل اطلاعات دریافتی از لحاظ تشخیص، تفکیک و طبقه‌بندی و بازبینی اطلاعات دریافتی توسط مسئول واحد بخش (با تایید مدیر پژوهشگرده بنیاد) انجام می‌دهد و در همین اثنا می‌توان به همکاری چیزی حدود چهارصد پژوهشگر استان در حوزه‌های مختلف با این پژوهشگرده اشاره کرد که حاصل آن انتشار آثار درخوری در حوزه‌های یزدشناسی، تاریخ اسلام،



فرهنگ و تمدن اسلامی و... است.

تربیت ویراستار (که امروزه یکی از ضروریات حوزه کتاب و فرهنگ است) جزو دیگر تلاش‌هایی است که کاظمینی بر آن تاکید دارد و معتقد است که علم‌ورایش در طی سال‌های گذشته بنا بر ساختارهای زبانی و مصوبات جدید فرهنگستان زبان و ادب فارسی به شکل روزآمدی در دستور کار این پژوهشگرده قرار گرفته است.

یادها و یادگارهای مفاخر

بنیاد ریحانه الرسول در حوزه یادمان مفاخر بومی، قدم‌های محکمی برداشته است و مراسم نکوداشت بزرگان یزدی نظیر استاد مهدی آذریزدی و مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین وزیري نمونه بارزی بر مدعای مدیر این بنیاد فرهنگی است. البته باید گفت که حوزه کاری این بنیاد و ستاد یادمان‌های آن محدود به جغرافیای استان یزد نیست، بلکه پیگیری و مشارکت در برگزاری مراسم آیین حامیان نسخ خطی که همه ساله در هفته کتاب توسط کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی با همکاری مجمع ذخایر اسلامی قم و رسانه ملی برگزار می‌شود، تلاشی است که این بنیاد برای تکمیل وظیفه فرهنگی خود در عرصه ملی صورت می‌دهد و بنا بر گفته مدیر عامل بنیاد ریحانه الرسول نکوداشت برخی از شخصیت‌های فرهنگی و علمی در دستور کار این ستاد در سال‌های آتی است.

انتشارات ریحانه الرسول (س)

از دیگر فعالیت‌های بنیاد که نقطه عطفی در تاریخ نشر کتاب در استان یزد به شمار می‌رود ایجاد یک مرکز انتشاراتی، وابسته به بنیاد بوده است. حوزه کاری این انتشارات فرهنگ و تاریخ است و متولیان این مرکز انتشاراتی سعی کرده‌اند تا در زمینه تولید کتاب از برجسته‌ترین کسانی که در زمینه ویراستاری، حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی و خوشنویسی فعالیت داشته‌اند استفاده و کتاب‌های خود را از نظر شکل با آراستگی هر چه تمام‌تر به بازار نشر عرضه کنند. به گفته کاظمینی نخستین نمایشگاه تخصصی انتشارات ریحانه الرسول (س) در یزد از تاریخ ۱۳۸۴/۷/۱۴ ش الی ۱۳۸۴/۸/۲۴ به مدت ۱۰ روز برگزار شده و این انتشارات قصد دارد علاوه بر شرکت مستمر در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران همه ساله نمایشگاه‌هایی تخصصی در حوزه تاریخ و تمدن اسلامی و یزدشناسی در استان یزد برگزار کند. کتابخانه آستان مقدس امامزاده جعفر(ع) یزد از جمله منابع مهم در دستیابی مخاطبان کتاب‌ها و آثار پژوهشی در استان یزد به شمار می‌آید.

بنیادگذاری این کتابخانه که بخش‌های مختلفی نظیر موزه، گنجینه اسناد و نسخه خطی، گنجینه عکس، گنجینه سکه و اسکناس، گنجینه نگین، مهم و اشیاء تاریخی، تمبر و... دارد در بادی امر در سال ۱۳۸۵ وقف این آستان مقدس شد و به نام موزه کاظمینی مشهور است. البته کتابخانه آستان مقدس امامزاده جعفر پیش‌تر آثار قابل توجهی داشت ولی وقف و اهدای بیش از بیست هزار عنوان کتاب، ده هزار نشریه و اسناد مطبوعاتی در زادروز ولادت حضرت زهرا(س)، توسط میرزا محمد کاظمینی موجب گسترش این کتابخانه شد.

به گفته مسئول این کتابخانه، بخش عمده‌ای از آثار موجود در حوزه‌های مختلفی نظیر یزدشناسی، تاریخ اسلام، فرهنگ اسلامی، دین و... است. اما موزه کاظمینی شش گنجینه نفیس دارد که می‌توان مهم‌ترین آن را گنجینه اسناد و نسخ خطی دانست که چهل هزار سند ارزشمند خطی، دو هزار نسخه خطی و دو هزار نسخه چاپ سنگی را در خود گردآورده است.

به گفته مسئول گنجینه اسناد و نسخ خطی آستان مقدس امامزاده جعفر(ع) کهن‌ترین نسخه این گنجینه، تعدادی قرآن مجید با قدمت هفتصد سال است. پس از آن نسخی از دهه نهم هجری به بعد، چون سبحة الابراجی و کلیات سعدی آراسته به تصویرهای مینیاتوری زیبا، دیوان حافظ به سفارش سلطان

فریدون حسین میرزا باقرآ، جام‌جم واحدی مراغه‌ای، فرهاد و شیرین وحشی بافقی و بخشی از اوستاس. همچنین طومار سی و شش متری شجره‌نامه آدم تا خاتم(ع) و سلسله سادات عریضی یزد و اصفهان با قدمت سیصدسال از نسخه‌های منحصربه‌فرد گنجینه به شمار می‌آید. فرمان‌های حکومتی، عهدنامه‌های تاریخی، نکاح‌نامه، وقف‌نامه‌ها و ادعیه مختلف از دیگر اسناد موجود در این گنجینه است.

عکس‌های تاریخی، بزرگ‌ترین تبیین‌کننده رخدادها و حوادث و معرف چهره‌ها، صنوف و طبقات اجتماعی هر دوره‌ای است. به طوری که به باور بسیاری از پژوهشگران، عکس از برخی از متون تاریخی موثق‌تر است. چراکه در مورد متون بیم تحریف می‌رود، اما چنین شبهه‌ای در مورد عکس وجود ندارد.

بنا بر گزارش دفتر امور فرهنگی آستان مقدس امامزاده جعفر(ع) در این گنجینه سی هزار عکس تاریخی نگهداری می‌شود.

آرزوی دست‌یافتنی

بزرگ‌ترین آرزوی فعالان فرهنگی یزد، درخشش مجدد این نگین دشت کویر ایران در عرصه‌های فرهنگی، دینی و اجتماعی است. آرزویی که با وجود تلاش‌های موجود چندان دست‌نیافتنی به نظر نمی‌رسد اما به هر تقدیر حمایت‌های دولتی می‌تواند این روند را سرعت ببخشد.

فراخوان

نخستین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد

اولین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد با مشارکت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مؤسسه خانه کتاب، دوم آذر ماه ۱۳۸۷، همزمان با سالروز تولد نویسنده توانا و صاحب سبک جلال آل احمد برگزار می‌شود.

موضوع‌های مورد ارزیابی هیات داوران عبارت‌اند از:

- داستان بلند
- داستان کوتاه
- نقد ادبی
- کتب تاریخ نگاری
- کتب مستندنگاری

از تمام نویسندگان، منتقدان، ادیبان و تاریخ‌نگاران دعوت می‌شود آثار خود را که در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ به چاپ رسیده است، تا تاریخ ۳۱ تیر ۱۳۸۷، به دبیرخانه ارسال کنند.

نشانی دبیرخانه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر، شماره ۱۰
سرای اهل قلم، طبقه پنجم

تلفن: ۶۶۹۶۶۲۱۴ تلفکس: ۶۶۹۶۶۲۱۸



هنر به مثابه درمان

قدیمی ترین آثار هنری را در غارها یافته اند، غارهایی که به باور اکثر باستان شناسان، محل سکونت انسان های نخستین بوده و به باور 'زنه گون' حکیم، نمادشناس و عالم فرانسوی ماوراءالطبیعه، محل عبادت آنها بوده است.

به این امر اشاره کردم تا گمان نکنیم که هنر، محصول تمدن شهرنشینی و فرهنگ پیشرفته صنعتی است. هنر زاده نیاز بشر به بیان خویشتن، رابطه برقرار کردن با دیگران و تبیین درک فرد از جهان است. موسیقی، نقاشی، شعر و قصه گوئی از آغاز پیدایش آدمی طنین افکنده است؛ آوای خوش پرندگان، صدای آبخاران و رودخانه ها، صدای باد در میان برگ های درختان و سپس صدای آدمی که نخستین ابزار موسیقی اوست. تردیدی نیست که زیبایی مبتنی بر هارمونی، تقارن و هماهنگی موجب سرور و شادی بشر می شده و انسان که در دوره های گذشته به فطرت و طبیعت خویش نزدیک تر بوده است و آنانی که هنوز در گستره های پهناور طبیعت سرسبز یا در کوهستان یا کویر زندگی می کنند و هنوز به فطرت خویش نزدیک هستند، با خواندن آواز، نواختن بر طبل یا سرودن شعری قادر بوده و هستند که هیجانات و عواطف شدید خود را، چه مثبت و چه منفی تلطیف کنند و تعادل بخشند.

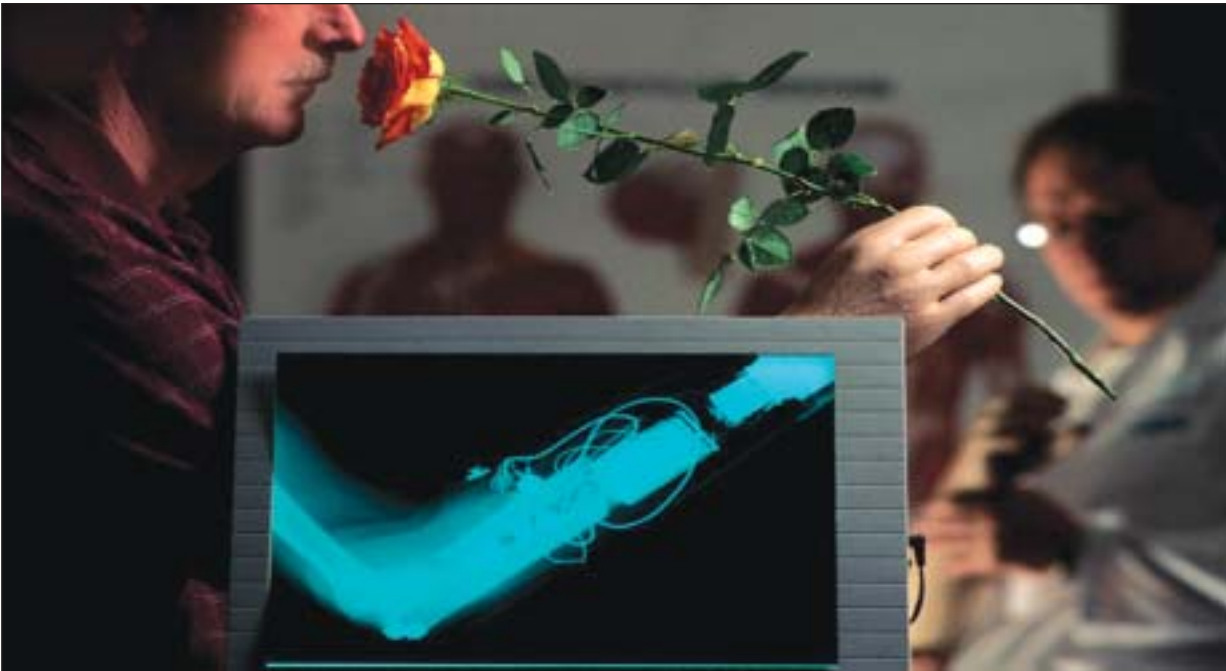
پس هنر به مثابه درمان برای کسانی مطرح می شود که از طبیعت و فطرت خویش به دلایل اجتماعی، فرهنگی یا آسیب های روانی در خانواده، فاصله گرفته اند. اگر به میان کوچ نشینان برویم و نگاهی به سیاه چادر های عشایر جنوب غربی ببندیم، زیبایی گلیم ها، پشتی ها و رنگ های دلنواز و شیرین به کاررفته در فرش ها، ظروف غذاخوری و تزئینات داخل چادرها با تقارن، هماهنگی و رنگ آمیزی زیبایی خویش، همچون آوای پرندگان و زیبایی طبیعت اطراف، ارتعاشات درونی ساکنان آنها را تنظیم می کنند و توان از دسته رفته را به آنها بازپس می دهند و کودکانشان از همان نخستین روزهای زندگی با این نواها و رنگ ها رشد می کنند و ارزش های زیبایی و هماهنگی در درونشان تثبیت می شوند.

اما کودکانی که در خانه های بدون اصالت و زیبایی بزرگ شده اند و جز رنگ های تیره در اطراف خود ندیده اند نیاز به مریبان و روان شناسانی دارند که ضمن تشخیص نارسایی های روانی آنها از طریق هنر درمانی، قادر باشند با تشویق و جهت دادن به خلاقیت آنان، در جهت تسکین، رشد و برقراری ارزش های از دست رفته، ایشان را یاری کنند. در سال ۱۳۵۵، دکتر پرویز فروردین - که یادش گرامی باد - به عنوان روان پزشک و شاعر، کتابی نوشت به نام 'از شعر تا شعر درمانی' که هم اکنون نایاب است. تردیدی نیست که از اشعار مولانا، حافظ و سعدی نیز در درمان دردهای بسیاری استفاده می شود و اکثر مطالب روان شناسانه را می توان با ذکر شعری از این بزرگان قابل درک تر کرد. اما شمار آثاری که به طور مستقیم درباره هنر درمانی خلق شده باشند، بسیار محدود است زیرا تالیف چنین کتاب هایی نیاز به شناخت روان شناسی هنر مربوطه، مثل موسیقی، نقاشی، قصه گوئی یا... و همچنین شناخت نحوه آموزش و انتقال آن هنر دارد.



ارزیابی کارشناسان از کتاب های هنردرمانی

شفا با واژه و رنگ



هم روش هایی را ارائه کرده اند، آن روش ها معمولاً آموزش خاص بالینی و مجموعه فعالیت های کارروزی را می طلبد تا بتواند کاربردی را که از آن انتظار می رود ارائه دهد.

ملک خسروی بر این نکته نیز تاکید می کند که: منظور از هنردرمانی این نیست که یک کتاب با موضوع هنردرمانی می تواند یک اختلال و یا یک بیماری را به طور کامل درمان کند بلکه هنردرمانی صرفاً به عنوان یک ابزار کمکی در طول درمان مورد استفاده قرار می گیرد.

دکتر کیارش هاشمیان روان شناس و مترجم کتاب 'هنر درمانی بالینی' نیز درباره جایگاه هنر درمانی می گوید: هنر درمانی یکی از شیوه های درمانی است که در درمان های حمایتی مورد استفاده قرار می گیرد بدین معنا که برخی از نیازهای شخص به گونه ای واپس زده شده اند که شخص هرگز امکان ارضای آنها را نداشته است از این رو انرژی مربوط به آن نیازها به بخش ناخودآگاه رفته است، بنابراین اگر بخواهیم آنچه را که در ناخودآگاه متمرکز شده به بخش خودآگاه بیاوریم نیازمند ابزارهایی هستیم که یکی از این ابزارها می تواند فعالیت های هنری مثل نقاشی، نویسندگی، شعر و... باشد.

دکتر هاشمیان از کتاب 'هنر درمانی بالینی' اثر هلن گاردنر به عنوان یکی از کتاب های خوب ترجمه ای یاد می کند و می گوید: این کتاب از این جهت بسیار مفید است که هنرهایی مثل نقاشی، سفالگری، کلاژ، نقاشی روی دیوار و... را بر اساس نظریه روانکاوی از دوران کودکی تا کنه سالی مورد بررسی قرار می دهد و همچنین از هنر به عنوان ابزاری در خانواده درمانی استفاده می کند.

وی همچنین متذکر می شود: کتاب های هنردرمانی که در کشور ما چاپ شده اند در سطح بسیار نازلی هستند چراکه افراد هنوز چنان که باید به طور تخصصی وارد این حیطه نشده اند، منظوم از تخصص، داشتن گرایش روانکاوی است چراکه در جامعه از میان حیطه های درمانی بیش از همه رویکرد بازآموزی رواج دارد از این رو، هنردرمانی کمتر مورد استفاده قرار گرفته است، اما از آنجا که این شیوه در حال گسترش است، انتظاری می رود کتاب های متناسب با آن هم چاپ شوند.

صحبت هایش با اشاره به این نکته که از دهه ۱۹۵۰ به بعد تکنیک های هنر درمانی شکل کلاسیک و دقیقی پیدا کرده و به طور جدی وارد عرصه درمان شده اند درباره کتاب هایی که تاکنون در این زمینه در ایران چاپ شده اند می گوید: در زمینه هنردرمانی، ما یک کتاب ترجمه ای و یکی - دو اثر تالیفی داریم که آن اثر ترجمه ای اگر چه کتاب بدی نیست اما برای کار بالینی چندان مورد استفاده قرار نمی گیرد. در زمینه موسیقی درمانی دو - سه تا کتاب بیشتر نداریم، در زمینه شعر درمانی اصلاً کتاب نداریم، در زمینه سایکو درام فقط یک کتاب داریم و در زمینه قصه درمانی تنها یک کتاب ترجمه ای داریم. بنابراین ما در استفاده از روش ها و تکنیک هایی که هنر را در درمان و یاد فعالیت های توانبخشی به کار می برد عقب هستیم. وی همچنین عمده مشکل کتاب های موجود در ایران را در زمینه هنردرمانی، توصیفی بودن و بیان اغراق آمیز درباره تاثیر هنر در زندگی عنوان می کند و یادآور می شود: تعداد کتاب هایی که تاکنون در این زمینه در کشور ما چاپ شده اند بسیار معدودند و این در حالی است که وقتی به سایت های خارجی نگاه می کنیم بیش از ۱۰ هزار کتاب بدون کلاسیک و دانشگاهی را در این زمینه مشاهده می کنیم و این معنایش این است که ما خیلی ضعیف عمل کرده ایم.

غفار ملک خسروی روان شناس بالینی، از جمله درمانگرانی است که مشخصاً در حوزه موسیقی درمانی نیز کار می کند. او نیز با ابراز گله مندی از کم کاری در حوزه هنر درمانی می گوید: ما در حوزه هنردرمانی کتاب زیادی نداریم، چند مورد کتاب درباره کاربرد قصه و داستان داریم که در بعضی از آنها فقط درباره تحلیل بعضی از شخصیت ها از نظر روان شناسی بحث شده است و یکی دو کتاب هم داریم که گرچه خیلی علمی نیستند ولی تا حدودی می توانند مفید باشند. البته به تازگی بعضی از دانشگاه ها تعدادی از کتاب های خارجی را خریده اند اما با این حال کمتر دیده ایم که به آنها رجوع شود. وی همچنین تصریح می کند: اگر بخواهیم هنر درمانی را به عنوان یک روش کاربردی مد نظر قرار دهیم نمی توانیم صرفاً به کتاب های موجود امید ببندیم چراکه اغلب این کتاب ها تئوری هستند و اگر

بهره گیری از شیوه ها و ابزارهای هنری در مسیر درمان اختلالات و بیماری ها، رویکردی نسبتاً جدیدی در حوزه روان شناسی است که اغلب روانپزشکان و روان شناسان بر کارایی و ثمربخشی آن اذعان دارند. اهمیت این مقوله شاید بیشتر از آن روست که اساساً هنر با بخش ناخودآگاه انسان سروکار دارد، بخشی که همواره محور و مرکز توجه علم روان شناسی برای شناخت پیچیدگی های روان و لایه های پنهان شخصیت آدمی است.

هنردرمانی در چند دهه اخیر در کشورهای توسعه یافته به عنوان یک رشته تخصصی در دانشگاه ها جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص داده و به تبع آن پژوهش هایی وسیع در این زمینه انجام شده که ماحصل آن چاپ هزاران عنوان کتاب تخصصی و کاربردی در این زمینه بوده است.

این موضوع گرچه در یک دهه اخیر در کشور ما نیز به شکل جدی تری مطرح شده اما هنوز آثار قابل توجهی - چه در حوزه تالیف و چه ترجمه - در این زمینه عرضه نشده است. با توجه به اهمیت این مقوله سراغ چند تن از روان شناسانی که هنر درمانگر نیز هستند رفتیم تا از کم و کیف کتاب هایی که رویکرد هنری به حوزه روان شناسی دارند بیشتر بدانیم.

دکتر علی زاده محمدی روان شناس و دبیر اولین کنگره سراسری هنردرمانی درباره کارکرد و فرایند هنر درمانی می گوید: بخشی از فرایند روانی انسان به دلیل پیچیدگی و ابهام از دوران کودکی در کلام نمی آید و به بیان دیگر، بسیاری از مسائل روان شناختی به دلیل بازداری ها، فشارها و یا مکانیسم های دفاعی به گونه ای درونی می شوند که امکان بیان و یا برونی شدن آن وجود ندارد از این رو، ابزارهای کلامی از برون ریزی و پالایش و یا حتی شناخت این عناصر درونی ناتوان می مانند. معمولاً عمده روش های روان شناسی یا روان درمانی بر پایه کلام است اما هنر واجد تکنیک هایی است که امکان فعالیت هایی را به وجود می آورد که به طور غیرمستقیم بسیاری از بازداری ها و مقاومت ها را کنار می زند و این امکان را فراهم می کند که انسان بتواند مسائل و مشکلاتش را در اشکال مختلفی نظیر نقاشی، نمایش، قصه، شعر و... نشان دهد.

نویسنده کتاب 'هنر درمانی گروهی' در ادامه



با دکتر پونه مختاری؛ نویسنده کتاب‌های روان‌شناسی ورزشی

ورزشکاران پشت میز روان‌شناسان

ورزشی، کاربردهای مهارت‌های ذهنی و حل کردن برخی مشکلات در این حوزه آشنا می‌کند، اما یقیناً استفاده از این کتاب‌ها ورزشکاران را از ارتباط با روان‌شناسان ورزشی بی‌نیاز نمی‌کند. بلکه به آنها آموزش می‌دهد که در چه مواردی می‌توانند به روان‌شناس تیم مراجعه کنند. به نظر من مطالعه کتاب و مراجعه به روان‌شناس تیم، مکمل یکدیگرند. کتاب به ورزشکار آگاهی می‌دهد که ویژگی‌هایش در چه حدی است و به مشاوره نیاز دارد یا نه و آنگاه مشاوران و روان‌شناسان می‌توانند مکمل این فرآیند باشند. دکتر مختاری می‌افزاید: «قرار نیست یک ورزشکار مشکل روانی داشته باشد و آن‌گاه به روان‌شناس ورزشی مراجعه کند، بلکه او می‌تواند با مطالعه کتاب‌های روان‌شناسی ورزشی، با این علم و طریقه تقویت مهارت‌های ذهنی آشنا شود و در این راه از روان‌شناسان نیز کمک بگیرد.»

این نویسنده کتاب‌های روان‌شناسی ورزشی، انجام تحقیق و مطالعه برای آگاهی از تاثیر مطالعه این کتاب‌ها بر عملکرد ورزشکاران را یکی از برنامه‌های مرکز روان‌شناسی آکادمی ملی المپیک و پارالمپیک می‌داند و می‌گوید: «این کار باید انجام شود، اما از آنجا که طی ماه‌های اخیر تمامی ارکان و دستگاه‌های ورزشی ما سرگرم آماده‌سازی ورزشکاران برای حضور در بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ پکن بوده‌اند، فقط فرصت بوده که مهارت‌های ذهنی ورزشکاران المپیک را بالا ببریم و امیدواریم بعد از بازی‌های المپیک به مطالعه در این زمینه بپردازیم.»

دکتر مختاری همچنین درباره کتاب اعتماد به نفس در ورزش می‌گوید: «این کتاب راهنمایی برای آشنا کردن همگان به ویژه ورزشکاران با مفهوم اعتماد به نفس است. ضمن این که مسائلی چون ضرورت وجود اعتماد به نفس، شکل‌گیری و نقش آن در مراحل مختلف رقابت و فعالیت‌های ورزشی را بررسی می‌کند. البته انتظار نمی‌رود که خواننده کتاب فقط با خواندن این کتاب به سطح مطلوب اعتماد به نفس برسد، اما با علم به این که مهارت‌های تقویت اعتماد به نفس را می‌توان به راحتی فرا گرفت، امیدوارم این کتاب منبع مفیدی برای رسیدن ورزشکاران به اهداف عالی مورد نظرشان باشد.»



علم در تمامی جهان یکسان است، هر چند کارایی‌ها و تفاوت‌هایی با یکدیگر داشته باشند. در حوزه روان‌شناسی ورزشی نیز در کنار آثار ترجمه شده آثار تالیفی بسیار خوبی وجود دارد که حاصل تلاش روان‌شناسان ایرانی است و علمی به حساب می‌آید که در داخل کشورمان تولید شده است. تاثیراتی که دانش روان‌شناسی ورزشی بر عملکرد مربیان، تیم‌ها و ورزشکاران ماداشته است، بر ضرورت آگاهی اهالی ورزش به ویژه کسانی که به طور حرفه‌ای به ورزش می‌پردازند، تاکید می‌کند. دکتر مختاری نیز ضمن تأیید این نظر می‌گوید: «کافی است از ورزشکاران پرسید تا بگویند که خواندن این کتاب‌ها تا چه اندازه توانسته است به آنان کمک کند. در این صورت اهمیت مطالعه کتاب‌ها مشخص می‌شود. نظر من این است که مطالعه این کتاب‌ها برای ورزشکاران و مربیان آنها بسیار مفید است، زیرا آنها به استفاده از مهارت‌های ذهنی در هر زمان و مکان نیاز دارند. دکتر مختاری در پاسخ به این سوال که خواندن کتاب‌های روان‌شناسی ورزشی تا چه اندازه به ورزشکار کمک می‌کند و آیا او را از کمک گرفتن از روان‌شناس تیم بی‌نیاز می‌کند، می‌گوید: «مطالعه این کتاب‌ها، ورزشکاران را با مفاهیم روان‌شناسی

این که کتاب‌ها برای مربیان و ورزشکاران کارایی لازم را داشته باشند. در حقیقت این کتاب‌ها با توجه به مهارت‌های ذهنی که ورزشکاران ماه به آن نیاز دارند تولید می‌شوند تا آنها بتوانند مشکلات خود را شناسایی و برای رفع آن اقدام کنند.

هدف دوم از انتشار این کتاب‌ها، تولید آثاری است که با قلمی ساده نوشته شده باشد تا همه ورزشکاران با هر میزان دانش بتوانند آن را مطالعه و از آن سود ببرند، هدف سوم نیز تولید کتاب‌هایی کم‌حجم است تا ورزشکاران و مربیان که وقت کمی برای مطالعه دارند، بتوانند این کتاب‌ها را بخوانند.

اگرچه دکتر مختاری در ابتدای گفت‌وگو، سطح کیفی کتاب‌های روان‌شناسی ورزشی را خوب و قابل قبول توصیف می‌کند، اما در ادامه از نمره دادن به چنین کتاب‌هایی از نظر کیفی پرهیز می‌کند و می‌گوید: «مهم این نیست که کتاب‌های موجود در کشورمان چه نمره‌ای می‌آورند، بلکه مهم این است که حرکت شروع شده در حوزه مکتوبات روان‌شناسی ورزشی، حرکتی روبه جلو است و هر روز هم به پیش می‌رود. وی که به آینده چنین حرکت‌هایی بسیار امیدوار است و خودش نیز اخیراً نگارش کتاب انگیزه در ورزش را به پایان برده با روحیه‌ای بالا می‌گوید: «حرکت شروع شده توسط مرکز روان‌شناسی آکادمی ملی المپیک و پارالمپیک به گونه‌ای است که می‌توانم بگویم ما به نمره ۱۰۰ هم خواهیم رسید! البته فراموش نکنیم که ما هنوز در آغاز راه هستیم.»

آمار موجود نشان می‌دهد که اغلب آثار مکتوب حوزه روان‌شناسی به معنای عام این علم در کشور ما، آثاری ترجمه‌ای هستند و به عقیده برخی افراد، این موضوع ثابت می‌کند که علم روان‌شناسی به دنبال کسب تازه‌های این حوزه است، اما در حوزه روان‌شناسی ورزشی هم وضعیت به همین صورت است؛ دکتر مختاری در پاسخ به این سوال می‌گوید: «اگر بپذیریم که علم در تمامی جهان علم است، تمامی تلاش‌های صورت گرفته در چارچوب یک حوزه خاص، دارای ارزش است، آنگاه خیلی راحت نمی‌توان گفت که علم روان‌شناسی در ایران تابعی از روان‌شناسی جهان است، بلکه در روان‌شناسی ایران نیز حرکت‌هایی بسیار قابل تجلیل دیده می‌شود. پس اساس و بنیان

امروزه اغلب مردم ما از اهمیت علم روان‌شناسی کم‌وبیش آگاه هستند، اما روان‌شناسی ورزشی، مقوله‌ای است که هنوز جایگاه خود را در ورزش ایران پیدا نکرده است.

این در حالی است که از علم روان‌شناسی ورزشی در سطح ورزش قهرمانی ایران تا حدود زیادی کمک گرفته می‌شود و اتفاقاً کتاب‌های خوبی نیز در این حوزه منتشر شده است.

دکتر پونه مختاری، نویسنده کتاب‌های اعتماد به نفس در ورزش و «جگونه با استرس خود در ورزش مقابله کنیم» درباره کیفیت کتاب‌های حوزه روان‌شناسی ورزشی در کشورمان به نکات قابل توجهی اشاره می‌کند و می‌گوید: «آثاری که در حوزه روان‌شناسی ورزشی تاکنون در کشور ما منتشر شده است، تا حد زیادی از نظر کیفی قابل قبول هستند و من شخصا آثار ترجمه شده و تالیفی بسیار خوبی را در کشور مطالعه کرده‌ام. وی با بیان این که برای هر اثر مکتوب در این حوزه باید یک کاربرد ویژه در نظر گرفت، می‌افزاید: «تا چندین پیش، کتاب‌های روان‌شناسی ورزشی بیشتر ویژه دانشجویان تالیف و ترجمه می‌شد، اما خوشبختانه مدتی است که کتاب‌هایی در این حوزه منتشر می‌شود که به نیاز مربیان و ورزشکاران توجه دارد.»

دکتر مختاری می‌گوید: «ورزشکاران به منابع مکتوبی در زمینه روان‌شناسی ورزشی نیاز داشتند که بتوانند در سطوح مختلف از آن استفاده کنند. خوشبختانه زمانی که مرکز روان‌شناسی آکادمی ملی المپیک و پارالمپیک کشورمان فعالیت خودش را آغاز کرد، تصمیم گرفته شد که چنین منابعی تهیه و در اختیار مخاطبان قرار گیرد که از جمله این منابع می‌توان به کتاب‌های روان‌شناسی از مجموعه آثار تک‌آموز این آکادمی اشاره کرد.»

این متخصص و نویسنده روان‌شناسی ورزشی، کاربردی بودن کتاب‌های روان‌شناسی ورزشی منتشر شده توسط آکادمی مثل کتاب‌های اعتماد به نفس در ورزش و «جگونه با استرس خود در ورزش مقابله کنیم» را از ویژگی‌های بارز این آثار می‌داند و می‌گوید: «مرکز روان‌شناسی آکادمی ملی المپیک و پارالمپیک این کتاب‌ها را با سه هدف اصلی منتشر می‌کند. اول

معرفی کتاب

مراقب خودت و طبیعت باش



رضا ندافی: کتاب اصول ایمنی در کوهستان که به تشریح نکات پایه در ورزش کوهنوردی می‌پردازد، از سوی نشر علم و حرکت منتشر شده است.

در این کتاب که توسط ثاقب حمیدی به رشته تحریر درآمده، اطلاعات جامعی از اصول پایه و الفبای کوهنوردی که پیش‌نیاز این رشته ورزشی محسوب می‌شود، ارائه شده است که می‌تواند راهنمایی برای عاشقان کوه و طبیعت باشد.

از دیرباز جذابیت‌های طبیعت هنگامی که با عظمت کوه و کوهستان آمیخته شد، علاقه‌مندان فراوانی را به کوه‌ها و رشته کوه‌ها کشاند و ورزش کوهپیمایی با نیروی شگفت‌انگیزی در جنبه‌های همگانی و حرفه‌ای گسترش پیدا کرد.

اما واقعیت این است که کوهنوردی یا کوهپیمایی فقط به قدم زدن در محیط کوهستان یا بالا رفتن از یکی دو صخره کوچک و بزرگ محدود

نمی‌شود و در دل محیط پهناور و پیچیده کوهستان، هزار و یک رمز و راز نهفته است که کوهنورد در صورت آگاهی از این رمز و رازها و همچنین یادگیری اصول کوهنوردی، هم از ورزش کردن خود لذت بیشتری می‌برد و هم می‌تواند خود را از خطرات گوناگون مصون بدارد و این هدفی است که کتاب اصول ایمنی در کوهستان به دنبال آن است. حمیدی در مقدمه خود علاوه بر تاکید بر موارد ذکر شده، به موضوع مهم‌تری اشاره می‌کند و می‌نویسد: «ساده‌انگاری و بی‌توجهی در رعایت اصول کوهنوردی، ضمن دربرداشتن مخاطرات مختلف برای کوهنوردان، خسارات جبران‌ناپذیری نیز به طبیعت وارد می‌آورد؛ خساراتی که ممکن است جبران آنها صدها یا هزاران سال وقت لازم داشته باشد. به عنوان مثال، ایجاد یک آتش‌سوزی به دلیل بی‌دقتی یا اشتباهی کوچک، می‌تواند یک منطقه جنگلی را با تمام گونه‌های گیاهی و جانوری‌اش به کلی نابود کند یا آلودگی حاصل از برپا کردن ناموزون یک کمپ قادر است تا ۸۰ درصد زندگی آبزیان را در یک برکه کوهستانی منهدم کند.»

در کتاب اصول ایمنی در کوهستان ابتدا اصول ایمنی در کوهستان و اصول صحیح راهپیمایی در کوهستان تشریح و سپس نکاتی پیرامون حفاظت از محیط کوهستان بیان می‌شود.

تغذیه در کوهستان، اصول اولیه و اساسی در سنگ‌نوردی، مراقبت

از طناب در کوهستان، هدایت گروه، نکات اولیه و اساسی امداد در کوهستان، علائم بین‌المللی امداد در کوهستان، جهت‌یابی در کوهستان، نکات اولیه و اساسی پیش‌بینی هوای کوهستان، بیوتوت در کوهستان، نکات اولیه و اساسی صعودهای زمستانی، سرمازدگی و راه‌های مقابله با آن، بهمن و راه‌های مقابله با آن، تجهیزات کوهستانی، اخلاق کوهنوردی و شعارهای کوهنوردی، بخش‌های مختلف این کتاب را تشکیل می‌دهند. در پایان هر بخش از این کتاب جملاتی زیبا و آموزنده و مرتبط با مبحث آن بخش آورده شده است. مثلاً در پایان فصل اصول اولیه و اساسی سنگ‌نوردی نوشته شده است: «چون کوه پاک و بی‌آلایش و چون صخره‌ها سرسخت و شکست‌ناپذیر باشیم.

ادبیاتی که ثاقب حمیدی برای نگارش این کتاب به کار برده، به گونه‌ای است که خوانندگان کتاب حتی فنون تخصصی کوهنوردی را نیز به راحتی فرامی‌گیرند و از این حیث می‌توان کتاب اصول ایمنی در کوهستان را کتابی کاربردی در نظر گرفت. ناشر این کتاب نیز مدعی است که این کتاب برای عموم کوهنوردان، کوهپیمایان، گروه‌های امداد و نجات، دانشجویان علوم زمین، شکارچیان و همه علاقه‌مندان به طبیعت قابل استفاده است.

این کتاب با شمارگان ۲۰۰۰ نسخه، ۱۰۰۰ تومان و ۸۸ صفحه وارد بازار نشر شده است.



این هفته با شهین مولایی نویسنده کتاب «روش پخت غذاهای دریایی»

راه و رسم آشپزی آسان



شهین مولایی متولد ۱۳۴۸ و کارشناس امور تغذیه است. این بانوی خانه دار در اولین کتاب خود دست به ابتکار عمل زیبایی زده و سعی کرده است روش پخت چندین غذای دریایی را به شکلی آسان آموزش دهد.

اولین کتاب شما یعنی «روش پخت غذاهای دریایی» همان گونه که از عنوانش پیداست یک کتاب آموزش آشپزی است و سوال اینجاست که چرا فقط به سراغ غذاهای دریایی رفته اید؟ غذاهای دریایی در همه جای جهان به عنوان گران ترین غذاها مطرح هستند و شما اگر در یک رستوران داخلی به لیست غذاها نگاه کنید حتما این حرف من را تایید خواهید کرد. بر همین اساس سعی کرده ام به روشی آسان شیوه پخت چندین غذای دریایی که از مرغوب ترین ها هستند را آموزش بدهم تا آقایان و خانم ها در خانه خودشان بتوانند آنها را تهیه کرده و از مخارج اضافی جلوگیری کنند. مواد غذایی مختلفی در این کتاب معرفی شده اند که یک خانم خانه دار ممکن است زیاد با آنها آشنایی نداشته باشد. آیا شما راه حلی برای تهیه آنها ارائه کرده اید؟

بله، البته موادی که در این کتاب به آنها اشاره شده موادی هستند که معمولاً در همه جا پیدا می شوند. به عنوان مثال ماهی و میگو را می شود در همه جا پیدا کرد و من سعی کرده ام چندین مورد از روش های پخت غذاهای مطبوع را با همین دو گونه غذای دریایی آموزش بدهم و برای موادی که فقط در بنادر یافت می شود هم شیوه تهیه را عرضه

کرده ام.

فکر نمی کنید پخت چندین غذا از عهده هر خانم خانه داری بر نیاید؟

در مقدمه کتاب گفته ام که این کار ممکن است در نوبت های اول به خوبی جواب ندهد اما این را هم باید بگویم که خوشبختانه استعداد آشپزی در همه خانم های ایرانی وجود دارد و از این بابت جای نگرانی نیست.

منظورم آن غذاهای خاصی است که در زمره غذاهای محلی قرار می گیرند.

پخت آنها هم با کمی دقت میسر است و من بانوان زیادی را سراغ دارم که حتی در تهران غذاهای بومی درست می کنند.

فکر می کنید این غذاها با ذائقه همه ایرانی ها متناسب باشد؟

ممکن است این گونه نباشد اما این را هم نمی توان

مجید اسکندری از «آبشارهای ایران» می گوید

ورق های خیس

نقیسه آذرخش: کتاب را که ورق بزنی نفست را تازه می کند. بوی گل و نم و علف می دهد، بوی زندگی، صدای شرشر آب از آن به گوش می رسد و حوصله ات را سر جا می آورد که چه گرانمایه سرزمینی داری؛ بکر، باطراوت و زنده، با خاکی که آبها نوازشش می کنند. به همت چندین ساله مهندس مجید اسکندری محقق مؤسسه تحقیقات گیاه پزشکی کشور، اثری ارزشمند به نام «آبشارهای ایران» توسط انتشارات ایران شناسی به چاپ رسیده است؛ کتابی ۲۹۴ صفحه ای با عکس های دلپذیر و گویا توضیحاتی جامع و کامل درباره همه آبشارهای ایران که از شکاف کوه های سر به فلک کشیده اش پایین می ریزند. از آنجا که این کتاب در نوع خود منحصر به فرد بوده و جزو اولین مراجع در زمینه شناخت آبشارهای ایران است، بر آن شدیم تا گفت و گویی با نویسنده و محقق آن داشته باشیم.



به کتاب شما مراجعه کند آیا به راحتی می تواند آن آبشار را بیابد؟

بله، در ابتدای کتاب فهرست بندی به گونه ای صورت گرفته که آبشارهای هر استان به تفکیک زیر نام هر استان بر اساس حروف الفبا فهرست شده اند، به این ترتیب پیدا کردن آبشار مورد نظر کار سختی نخواهد بود اما حتی اگر محقق نداند که آن آبشار

در کدام استان قرار دارد در صفحات پایانی کتاب نمایه ای وجود دارد که نام آبشارها به ترتیب در آنجا فهرست شده و شماره صفحه ای که توضیحات

این کتاب جدا از ارزش علمی، مطالب جالبی برای همه علاقه مندان به طبیعت و گردشگران داخلی و خارجی دارد به زبان ساده ای نگاشته شده است. آیا استفاده از متن دو زبانه برای استفاده راحت تر خارجی ها مناسب نبود؟

به این قضیه فکر کردم اما حجم اثر خیلی زیاد می شد به همین دلیل که تصمیم گرفتیم در ویرایش های بعدی، این اثر را به صورت یک اطلس جامع دو زبانه به چاپ برسانیم.

اگر محقق برای یافتن نام و اطلاعات یک آبشار

چه شد که یک محقق پژوهشگاه گیاه پزشکی به عنوان کسی که در زمینه انواع گونه های گیاهی فعالیت می کند، کتابی در زمینه آبشارهای ایران به نگارش در آورده است؟

من عاشق طبیعت ایرانم. طبیعت ایران سرشار از دیدنی های ناب و ناشناخته ای است که در کمتر کشوری یافت می شود و آبشارهایی که از جلوه های خاص عظمت الهی هستند که ناخودآگاه بیننده را به تحسین خالق وا می دارند.

اما جدا از زیبایی آبشارها که مرا به خود جذب می کرد، نکته دیگر آن است که رطوبت مناسب و پراکندگی قطرات آب در اطراف آبشارها باعث به وجود آمدن زیستگاه های منحصر به فردی برای رستنی ها و جانداران گوناگون شده است. گیاه دارویی «پرسپاوشان» را فقط در دامنه مرطوب آبشارها می توان یافت.

من به دنبال سرخس ها و دیگر گونه های آبزی، هشت سال به حاشیه آبشارها می رفتم و به گونه ای با آنها پیوند خوردم و طی این هشت سال با مراجعه به اهالی بومی و ادارات میراث فرهنگی و... اطلاعات خود را تکمیل کردم و به مرور زمان انگیزه چاپ یادداشت ها و عکس ها قوت گرفت. آیا بعد از این هشت سال، زمان خاصی برای نوشتن کتاب اختصاص دادید؟

بله، به پیشنهاد آقای بختیاری مسئول انتشارات ایران شناسی که نوشته ها و عکس های مرا دیده بودند، مطالب را طی سه تا چهار سال تکمیل و برای چاپ به عنوان یک کتاب مرجع، ارائه کردم.

در آن نوشته شده وجود دارد.

فرض کنیم محقق یا گردشگری که دنبال آبشارهاست نام و توضیحات آبشار را در کتاب مطالعه کرده و حالا با دیدن عکس آن آبشار علاقه مند شده که در یک سفر از نزدیک این پدیده طبیعی را مشاهده کند. آیا توضیحاتی در کتاب هست که افراد را به محل دقیق آبشار راهنمایی کند؟

بله، اتفاقاً یکی از ویژگی های خاص کتاب همین نکته است. در تمام صفحات نام آبشار، نام شهرستان و... در یک نوار طوسی رنگ در بالای توضیحات قرار دارد که مختصات و محل دقیق و... را نشان می دهد.

آیا در تهیه مطالب و عکس ها غیر از تلاش شخصی، از فرد خاصی کمک گرفته اید؟

بله، طی مکاتبات فراوان با گروه های مختلف کوهنوردی و عکاسان مطرح طبیعت ایران و بهره گیری از منابع مستند اینترنتی سعی شده است این مجموعه در حد امکان جامع باشد که البته با توجه به تازگی این تجربه، کتاب خالی از نقص نیست.

در صفحه های پایانی کتاب ضمیمه هایی وجود دارد. راجع به آنها توضیحاتی ارائه بفرمایید.

سه ضمیمه در پایان کتاب در نظر گرفتیم که جنب اطلاعات عمومی دارند و شامل بلندترین آبشارهای جهان، بزرگ ترین و حجیم ترین آبشارهای ایران و نقشه پراکنش آبشارهای ایران است.



خطی که جلال آل احمد در صحیفه تاریخ معاصر ایران نوشته است، آنقدر پرننگ و پراهمیت هست که او و آثارش را به یک موضوع مورد علاقه برای تاریخ پژوهان و صاحب نظران حوزه ادبیات بدل سازد. تاثیر ژرفی که آل احمد، چه در زمانه خویش و چه پس از مرگ تا به امروز بر جریان های فکری معاصر باقی نهاد، موجب شد که هیچ کس نتواند در بررسی جریان های فکری، سیاسی و ادبی معاصر، چشم از اندیشه هایش برگیرد؛ خواه از در ستایش و خواه از منظر نقد و گاه تخریب. درباره جلال آل احمد، کتاب های بسیاری منتشر شده که تازه ترینشان اثری است با عنوان «از نفرین زمین؛ بازخوانی جلال آل احمد بر اساس آثارش» این کتاب، یکی از موضوعات طرح تدوین تاریخ انقلاب اسلامی است که در مرکز اسناد انقلاب اسلامی تهیه شده و پژوهش و نگارش آن بر عهده مجتبی حبیبی قرار گرفته است. مجتبی حبیبی در گفت و گو با کتاب هفته، توضیحات بیشتری درباره اثر تازه خود ارائه داده است.

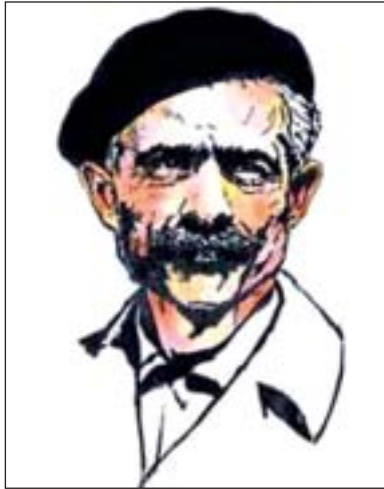
با مجتبی حبیبی، نویسنده کتاب «از نفرین زمین»

می خواهند جلال را مصادره کنند

پی می برند. «روژه گارودی» متفکر مسلمان فرانسوی که در سال های اخیر به خاطر نفی هولوکاست به زندان افتاد، حتی یک دهم حرف هایی را که جلال در سفر به ولایت عزرائیل درباره ماهیت رژیم صهیونیستی گفته، بیان نکرده است و مقاله پروفیسور «فورسیون» استاد دانشگاه سوربن در لوموند با عنوان «تردید درباره اتاق های گاز هیتلری» ۸۰ سال پس از اثر پیش گفته جلال آل احمد منتشر می شود.

شما در کتاب «از نفرین زمین» دو موضوع نسبتاً جداگانه را بررسی کرده اید، یکی بازخوانی آثار آل احمد و دیگری موضوع مرگ طبیعی یا کشته شدن او به وسیله ساواک. هر چند که هر دو این موضوعات اهمیت دارند، اما به نظر می رسد کنار هم قرار دادن آنها در این کتاب، اثر را دوباره ساخته است.

علت این است که عده ای می خواهند جلال را مصادره کنند و او را از انقلاب بگیرند و در مقابل انقلاب قرار دهند. یکی از راه های ورود آنها نیز همین نفی قتل او به وسیله ساواک و طبیعی نشان دادن مرگش است. من فقط می خواستم به این مصادره ها جواب بدهم و اگر نتوانستم که روشن و شفاف عمل کنم، این تقصیر متوجه من است.



علی (ع) عمل کند که فرموده است: «فرزند زمان خویشتن باش.»

اتفاقاً در مواردی کار او خیلی عمیق است. مثلاً در کتاب «سفر به ولایت عزرائیل» حرف هایی را بازگو می کند که ده ها سال پس از او به کنه این سخنان

مقداری دیده می شود. به نظر من این بخش از اندیشه های جلال پایان ناپذیر است. استعمار جریانی است که ۵۰ سال پیش در تاریخ ما وجود داشته، هنوز هم وجود دارد. اما شیوه استعمارگری و نمونه هایش متفاوت است. روزی جلال از جنایات غرب در کامبوج سخن می گفت و امروز ما از جنایات آمریکا در عراق و افغانستان حرف می زنیم. اما اصل موضوع یکی است.

آل احمد همچنین درباره انحراف روشنفکران و سرمنشأ این انحراف نیز نظراتی دارد که حائز اهمیت است. شاید در رویه روشنفکران تغییراتی نسبت به گذشته و دوره حیات آل احمد به وجود آمده باشد، اما این تغییرات خیلی بارز نبوده است. فقط بعضی چیزها نسبت به قبل برجسته تر شده است.

در سال های اخیر، عده ای از نویسندگان، عمق دانش و سطح معلومات سیاسی و اجتماعی جلال آل احمد را مورد پرسش قرار داده اند و از این منظر، نقد او بر روشنفکری ایران را به چالش کشیده اند. مثلاً آقای آجودانی در کتاب مشروطه ایرانی، استدلال می کنند که جلال هیچ یک از آثار میرزا ملکم خان و از جمله روزنامه قانون را نخوانده بوده، پس چگونه به نقد وی دست یازیده است؟

پرسش متقابل من از این عده این است که ملکم به عنوان سردهسته فرقه فراماسونری های خاورمیانه در دوران پیش از مشروطیت، چه چیزی برای خواندن دارد و کسانی که آثار او را به تمامی خوانده اند، چه چیزی به دست آورده اند؟ آیا جز این است که ملکم و امثال ملکم مسبب پیمان نامه های استعماری نظیر قرارداد هرات و ترکمنچای و... بوده اند؟

جداً از موضوع ملکم، شما عمق و گستره دانش سیاسی و اجتماعی جلال و مطالعات او در این زمینه را چگونه ارزیابی می کنید؟

دوره جلال آل احمد، دوره شدت و سرعت حوادث است. او سال ۱۳۰۲ خورشیدی به دنیا می آید و در سال ۱۳۴۸ از دنیا می رود. در این ۴۶ سال، ابتداء رضاخان در ایران قدرت پیدا می کند و سپس با اقتراض قاجاریه، سلطنت به دست پهلوی می افتد. آنگاه دوره استبداد رضاشاه را داریم و در سال ۱۳۲۰ به جنگ جهانی دوم و اشتغال ایران توسط متفقین می رسیم. بدین ترتیب رضاشاه می رود و محمدرضا به سلطنت می رسد. دهه ۲۰ دوره آزادی احزاب و مسائل مربوط به حزب توده است و نهایتاً در پایان این دهه به جنبش ملی شدن صنعت نفت می رسیم. بعد هم کابینه مصدق را داریم و کودتای ۲۸ مرداد و سرکوب گسترده مخالفان رژیم پهلوی. در اواخر عمر جلال هم قیام ۱۵ خرداد ۴۲ روی می دهد و نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) آغاز می شود.

در این فضای شتاب آلود، جلال آل احمد نمی توانست در گوشه ای بنشیند و در هر موردی یک کتاب ۱۶ جلدی تألیف کند! زمانه او چنین کاری را ایجاب نمی کرد. او یک مقدار نظریه پرداز بود و یک مقدار مبارز جای نیما را هم در ادبیات ایران محکم کرد. ۴۶ سال زندگی کرد و ۴۶ کتاب تألیف یا ترجمه کرد. یعنی حتی با احتساب دوره کودکی او، سالی یک کتاب و این کار بسیار سختی است. اگر می خواست برای موضوعی یک کتاب چند جلدی بنویسد، دیگر نمی توانست به این فرمایش حضرت

در حال حاضر بازخوانی آثار و اندیشه های جلال آل احمد از چه نظر حائز اهمیت و دارای ضرورت است؟

در وهله اول، آل احمد در ادبیات ایران و خصوصاً در ادبیات داستانی پیش از انقلاب، نقش برجسته و تعیین کننده ای دارد و بازخوانی آثار او برای بررسی مسیر تحول ادبیات دوران معاصر حائز اهمیت است. از این گذشته، اگر بخواهیم جریان های فکری ایران در صد سال گذشته را بررسی کنیم و بدانیم که هر کدام از این جریان ها چه سرنوشتی داشته اند، مطالعه آثار آل احمد ضرورت پیدا می کند. من به نوبه خود سعی کرده ام در کتاب از نفرین زمین، ضمن بازخوانی جلال آل احمد بر اساس آثارش، دو نوع غلو را درباره او از میان ببرم و او را به شکلی واقعی تر معرفی کنم.

اولین غلو ی که درباره جلال وجود دارد، این است که می خواهند او را الگوی انقلاب اسلامی معرفی کنند و بی عیب و نقص جلوه دهند. اما آل احمد فقط یک روشنفکر است که راه های مختلفی را تجربه کرده و از خلال این تجربه، به دین و تمایلات ضد استعماری رسیده است. این عده از همین منظر، مخالف انتشار کتاب «سنگی بر گوری» هستند. در حالی که این کتاب نیز بخشی از اندیشه های او است و ما حق پنهان کردن آن را نداریم.

دومین غلو نیز این است که عده ای می کوشند آل احمد را جدا از جریان انقلاب اسلامی معرفی کنند و پیشگویی می کنند که او در صورت ادامه حیات و رسیدن به دوره انقلاب، در صف مخالفان انقلاب قرار می گرفت. بازخوانی آثار آل احمد از این حیث می تواند این دست غلوها و پیشگویی های تسمسخر آمیز را درباره او از میان ببرد و چهره واقعی وی را به نسل جدید معرفی کند.

آثار جلال آل احمد، همواره مورد استقبال جامعه کتابخوان و اهل مطالعه و پژوهش بوده و همواره نیز مورد نقد و نظر قرار گرفته است. آیا بخشی از آثار یا اندیشه های جلال هست که مغفول مانده یا به درستی معرفی نشده باشد؟

بله، به نظر من در بخش ادبیات داستانی، کتاب «نون و القلم» جلال مهجور مانده است. او در این کتاب، فرقه هایی مانند حروفیه، شیخیه و بهائیت، همه را کالبدشکافی می کند و مباحث درخور توجهی را درباره سیر پیدایش هر یک از آنها مطرح می سازد. این کتاب خصوصاً از این نظر که فرقه سازی، یکی از ابزارهای استعمار برای پیشبرد مقاصد استعماری و ایجاد اختلاف میان مسلمانان است، پرده برمی دارد، اما من ندیده ام که درباره این کتاب، بحث یا تفسیری نوشته شود.

آثار آل احمد، عموماً در دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ شمسی، به نگارش درآمده اند. شرایط امروز جامعه ایران به لحاظ اجتماعی و فرهنگی، بسیار متفاوت از آن دوره است. با این حال، آل احمد برای زمانه ما و نسل جدید چه رهاوردی می تواند داشته باشد و کدام یک از آثار او را باید همچنان مدنظر قرار داد؟ مهم ترین بخش از اندیشه جلال آل احمد که هنوز هم می توان از آن الهام گرفت، موضوع استعمارشناسی اوست که در اندیشه های امام خمینی (ره) نیز کاملاً تجلی دارد و در آثار مرحوم دکتر شریعتی نیز یک

خانه کتاب

فراخوان

پنجمین جشنواره نقد کتاب

همزمان با شانزدهمین دوره هفته کتاب

مؤسسه خانه کتاب به منظور ارتقای سطح کمی و کیفی نقد کتاب، پنجمین جشنواره نقد کتاب را همزمان با شانزدهمین دوره هفته کتاب در سال جاری برگزار می کند. لذا از تمامی منتقدان و مدیران مسئول مطبوعات و نشریات تخصصی کتاب و ناشرانی که اثری با موضوع «نقد کتاب» در سال ۱۳۸۶ منتشر کرده اند دعوت می کند آثار خود را حداکثر تا پایان مرداد ماه ۱۳۸۷ به دبیرخانه جشنواره ارسال کنند.

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر، شماره ۱۰، سرای اهل قلم، طبقه پنجم

تلفن: ۶۶۲۱۵۲۵۵ تلفکس: ۶۶۹۶۶۲۱۸

www.naghdeketab.ir



روایت اول شخص

همه متون تفسیری اسلام در یک کتاب

دکتر منوچهر صدوقی سبا: متن پژوه

چندی است مشغول تحقیق، تصحیح و تحشیه نگاری بر مجموعه‌ای از تفاسیر برجسته عرفانی در تاریخ اسلام هستم که تصور می‌کنم در صورت تکمیل مجموعه‌ای بالغ بر هفده مجلد با عنوان کلی 'سلسله‌المختارات من نصوص التفسیر المنبسط' خواهد بود. البته باید عنوان کنم که به نیت تیمن و تبرک اولین کتاب این مجموعه که در اصل مجلد چهارم می‌شد اخیراً از سوی نشر حکمت منتشر شده که کتابی بود منسوب به حضرت امام صادق (ع). نسخه‌های موجود از این کتاب تنها دو مورد هستند که اولی در کتابخانه سلیمانیه ترکیه است و دومی در کتابخانه پنتا گنج بخش هندوستان که اثر منتشر شده بر اساس نسخه ترکیه تهیه و تدوین شده است.

مجلدات اول و دوم و سوم این مجموعه حروفچینی شده و تصور می‌کنم تا مهرماه سال آتی منتشر شوند. مجلدات اول و دوم المدخل شامل ۸۶ متن از نهج البلاغه‌الی یومنا هذا (سیدعلی کمالی) است. این متون به بحث درباره تاویلات عرفانی بحث می‌کنند. مجلد سوم با عنوان فرعی مقدمه دربرگیرنده چیزی حدود ۳۲ الی ۳۳ متن تفسیری منتخب فلاسفه از ابن سینا، محقق، دوانی و دشتکی صدرالمالین، آسید حسین رفیعی و... است.

مجلد چهارم که متنی منسوب به حضرت صادق (ع) بود و مجلد پنجم منتخبی است از حقایق التفسیر ابو عبدالرحمان سلمی که به نوعی مهم ترین تفسیر قدیم عرفانی است که به همراه یک فرهنگ از صاحبان اقبال به تکمله در این کتاب گنجانده شده است.

مجلد بعدی منتخبی است از کتاب بحر الحقایق نجم الدین دایه رازی صاحب مرصاد العباد. عنوان کامل این متن بحر الحقایق و المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و الصبح الثانی. از این کتاب، دو نسخه بیشتر موجود نیست که اولی از کتابخانه آیت الله مرعشی تهیه شده و دومی از کتابخانه‌ای در ترکیه.

کتاب بعدی تکمله‌ای است بر بحر الحقایق که پس از ناتمام ماندن این متن با مرگ دایه رازی توسط علاءالدوله سمنانی نوشته شد. مجلد بعدی منتخبی از انوار القرآن شاه نعمت الله ولی است که توسط مرحوم ذوالریاستین تهیه و تصحیح شده است.

تفسیری بی نام از جامی داریم که منتخب آن، خود یک مجلد جدا خواهد بود. تفسیر ابونابت عبدالملک دیلمی که در قرن ششم می زیسته کتاب و مجلد بعدی خواهد بود.

تنبیه الفهم عنوان تفسیر دیگری است که توسط ابن بره جان اندلسی از مشایخ مع الواسطه محی الدین ابن عربی به شمار می آید.

'هتک السطار' عنوان تفسیر بعدی است که ابوالبرکات صفری آن را در قرن هفتم نوشته و نسخه‌ای از آن در کتابخانه‌های ترکیه موجود است. کتاب بعدی تاویلات عبدالرزاق کاشانی است که در قرن هشتم می زیسته. یک مجلد مجزا از میان متون تفسیری محی الدین ابن عربی خواهد بود.

مجلد بعدی، منتخبی است از کتاب الفصول از متون تفسیری کرامیه که توسط دکتر شفیعی کدکنی کشف و منتشر شد که به همراه بخش‌هایی از 'اللمح' ابونصر سراج (قرن ۴) به عنوان یکی از امهات متون عارفانه به شمار می آید و تاویلات آن استخراج شده است. در همین مجلد متون دیگری نظیر التنبیه علی بعض الاسرار المودع فی بعض صور القرآن الکریم و اسرار التاویل اثر فخر رازی، دو - سه تفسیر بی نام مربوط به قرن ۴ تا ۶، منتخبی از تمهیدات عین القضاة همدانی، بخش‌هایی از وجه الدین ناصر خسرو، و به همراه

منتخبی از کتاب 'عرایس البیان' روزبهان بقلی در این مجلد گرد هم آمده است. یک جلد هم حاوی منتخبات غرایب القرآن نظام اعرج نیشابوری و الفتوحات الالهیه مولانا نعمت الله نخجوانی گرد هم آمده است.

البته بنا بود این مجموعه حاصل یک کار گروهی باشد اما بنا به دلایلی مجبور شدم خود به تنهایی کار تصحیح و انتخاب متون تفسیری را به عهده بگیرم. این مجموعه توسط نشر حکمت منتشر خواهد شد. علاوه بر این تفریاتی نیز از شرح منظومه جهانگیر خان قشقای (که اثر مکتوبی ندارد) توسط استاد وحید دستگردی صورت گرفته که بنا به اهمیت جهانگیر خان با مقدمه‌ای از بنده توسط نشر مولی منتشر خواهد شد.

دستنویشته‌های چخوف

ناهد کاشی چی: مترجم زبان روسی

پس از انتشار مجلدات اول و دوم نامه‌های چخوف که چندی پیش به همت نشر توس روانه بازار نشر شد، تا چند ماه آینده همین ناشر مجلد سوم این نامه‌ها را منتشر خواهد کرد.

این کتاب دربرگیرنده نامه‌ها و دستنویشته‌هایی است که چخوف به نویسندگان و هنرمندانی چون چایکوفسکی، لولیتان (نقاش روس)، میرهولد (کارگردان برجسته روس) پوتاپنکو و کوپرین (نویسندگان روس) و... نوشته است و تمام نامه‌ها مربوط به سال‌های ۱۸۹۱ تا ۱۹۰۴ است.

علاوه بر این انتشارات جوانه توس (وابسته به نشر توس) طی چند ماه آتی پنج نمایشنامه از چخوف با برگردان من تحت عنوان 'نمایشنامه خرس و تک پرده‌ها' منتشر خواهد کرد.

چخوف در این نمایشنامه (خرس) با رویکردی طنز ناپایداری احساسات آدمیزاد را در مواجهه با موقعیت‌های انسانی به نقد می‌کشد. این کتاب دربرگیرنده جمعا ۵ نمایشنامه از این نویسنده بزرگ روس است.

افسانه‌های جادویی روس 'عنوان کتاب بعدی من است که از زبان روسی برگردانده شده و دربرگیرنده افسانه‌ها و حکایت‌های اسطوره‌ای از مردم و فرهنگ روس است.

هوسرل و شبهات فلسفی - منطقی

محمدرضا قربانی: مترجم متون فلسفی

قصد دارم برگردان کتاب 'درآمدی بر پژوهش‌های منطقی هوسرل' را که در مراحل پایانی به سر می‌برد تحویل انتشارات رخداد نو دهم.

این کتاب که به نوعی تاویل و تفسیر هوسرل از کتاب پژوهش‌های منطقی اثر به‌شمار می‌آید از جمله آثاری است که می‌تواند در فهم این کتاب مهم کارساز باشد. به این معنی که پژوهش‌های منطقی در زمان انتشار سوء تعبیرهایی در پی داشت به طوری که برخی از شارحان آثار و اندیشه‌های هوسرل، این کتاب را به اشاعه تفکر ایده‌الیستی افلاطون یا برگشت به اندیشه قرون وسطی متهم کردند. بر همین اساس هوسرل کتابی در رفع تمامی شبهات نوشت و در آن توضیح داد که این اثر به سمت منطق محض رفته است.

این کتاب به نوعی ارائه سنتی است که دکارت نیز در آن به خاطر رفع شبهات، کتاب اعتراضات و پاسخ‌ها را نگاشت.

پس از به سامان رسیدن این کتاب تصمیم گرفته‌ام تا مطالعات پیشینم را برای سامان دادن به پژوهش‌های پدیدارشناختی متمرکز کنم و قصد دارم با بازخوانی برخی رویکردهای پدیدارشناسی، بخش‌هایی از این تفکر را که در ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته و یا فهمیده نشده، معرفی و تبیین کنم.

تعلیم و تربیت

دکتر عباس چراغ چشم: دین پژوه

در ادامه کاری که چندی پیش به سفارش سازمان آموزش ضمن خدمت شهرستان‌های استان تهران با عنوان سیره و کلام تربیتی پیامبر اعظم (ص) سامان گرفت و به عنوان متن درسی و منبع در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد

دانشجویان این سازمان مورد استفاده قرار می‌گیرد، هم‌اکنون به دلیل خلأ منابع تربیتی در سیره معصومین (ع) به همراه پنج نفر از همکاران مشغول تهیه و تدوین ۱۳ عنوان کتاب دیگر با محوریت سیره و کلام تربیتی در اندیشه و کلام معصومین (ع) از حضرت

علی (ع) تا حضرت ولی عصر (عج) هستیم تا بتوان این خلأ جدی را رفع و رجوع کرد.

منابع اولیه زیر نظر و با کنترل و هدایت بنده جمع‌آوری و استخراج شده و به زودی این کتاب‌ها جهت ارائه به یکی از ناشران فعال آماده خواهد شد. البته باید عنوان کنم که ویراستاری نهایی شش عنوان از این آثار به اتمام رسیده و هم‌اکنون مشغول ویرایش‌هایی هفت عنوان دیگر از این کتاب‌ها هستم.

در مورد انتشار این مجموعه سیزده جلدی با چند ناشر فعال نظیر انتشارات بسیج اساتید کل کشور و انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه رایزنی‌هایی شده اما هنوز به نتیجه قطعی نرسیده‌ایم.



ناهد کاشی چی

منوچهر صدوقی سبا

علاوه بر این مجموعه کتابی تحت عنوان 'وظایف والدین نسبت به فرزندان' از دیدگاه نبی مکرم اسلام (ص) آماده کرده‌ام که به زودی از سوی انجمن اولیا و مربیان وزارت آموزش و پرورش منتشر خواهد شد.

این کتاب بر اساس و با استناد به حدیث شریفه آن حضرت که تربیت فرزندان را به سه دوره سیادت، اطاعت و وزارت تقسیم فرموده‌اند، تنظیم و نوشته شده است.

'خطاهای رایج تربیتی والدین' عنوان کتاب دیگر بنده است که از پژوهش 'ام حسان الحلو' استاد لبنانی تبار علوم تربیتی ترجمه و بومی‌سازی شده است. او در این کتاب به مسائل مبتلابه در تربیت فرزندان نظیر تنبیه، تشویق نابجا و... بر اساس آموزه‌های دینی پرداخته است. این کتاب نیز هم‌اکنون در انجمن اولیا و مربیان در حال بررسی جهت انتشار است.

جز این، مشغول ترجمه و برگردان کتابی هستم که در صورت انتشار جزو متون و منابع اصلی در حوزه علوم تربیتی خواهد بود و یک خلاء جدی در این رشته تحصیلی را جبران می‌کند.

این کتاب با عنوان 'تاریخ تعلیم و تربیت در شیعه پژوهشی' از دکتر عبیدالله فیاض استاد تاریخ اسلام و دانشگاه بغداد است که در اثر خود تاریخ تعلیم و تربیت از عهد امام صادق (ع) تا شیخ طوسی را روایت می‌کند.

کتاب حاضر که رساله دکتری نویسنده نیز محسوب می‌شود، یک خلأ جدی در این حوزه را رفع می‌کند چراکه ما در دوره‌های ارشد و دکتری رشته تعلیم و تربیت منبع کامل و جامعی تحت این عنوان نداریم.

چشن ستاره‌ها

فاطمه رمضان نیا: داستان نویس

تصور می‌کنم اواخر هفته آینده یکی از داستان‌های کودک که برای گروه‌های سنی ب و ج نوشته‌ام با عنوان '... بعد که جشن ستاره‌ها تمام شد' با تصویرگری فرزانه رمضان نیا از سوی انتشارات خورشید باران روانه بازار شود.

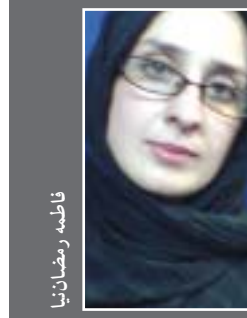
در این داستان که در قطع خشتی سامان یافته، سعی داشته‌ام تا یک داستان تخیلی را محور خیال‌پردازی کودکان قرار دهم تا از این رهیافت ذهن آنها به فضایی غیر از آنچه که می‌بینند هدایت کنم چراکه بر این باورم عنصر خیال یکی از لازمه‌های زندگی کودک ایرانی است تا هستی در جهان پرتنش امروز برای او قابل درک و قابل بازسازی شود. علاوه بر این، یک کار نیز به موازات همین داستان دارم که به نوعی در تضاد با آن قرار می‌گیرد به این معنی که سعی دارد در عین اهمیت دادن به عنصر خیال، واقعیت را نیز به کودکان گوشزد کند. 'هم کلاسی‌ها' عنوان کتاب دیگری است که مخاطب اصلی آن کودکان از هفت تا هفتاد ساله‌اند! چراکه در این مجموعه داستان که ۲۰ قصه کوتاه و مینی مال را در خود گردآورده سعی داشته‌ام با درهم آمیزی تصویر و قصه روایتی انسانی از هستی در جهان پرتنش امروز به دست دهم.

تصویرگری این کتاب نیز توسط فرزانه رمضان نیا صورت گرفته و از سوی نشر خورشید باران روانه بازار خواهد شد.

قصد دارم پس از انتشار این سه کتاب، مجموعه داستان دیگری را با عنوان 'پرتقال نذری' روانه بازار کنم که در آن ۱۱ داستان از میان ۴۰ داستان نوشته شده طی چند سال اخیر انتخاب شده‌اند.



محمدرضا قربانی



فاطمه رمضان نیا